

تفسیر نور (سوره ی انعام)

تالیف : حجة الاسلام و المسلمین حاج شیخ محسن قرائتی

این کتاب توسط مؤسسه فرهنگی - اسلامی شبکه الامامین الحسنین علیهم السلام بصورت الکترونیکی برای مخاطبین گرامی منتشر شده است.

لازم به ذکر است تصحیح اشتباهات تایپی احتمالی، روی این کتاب انجام نگردیده است.

سیمای سوره ی انعام

این سوره، یکصد و شصت و پنج آیه دارد و همه ی آیاتش یکجا در مکه و با تشریفات خاصی نازل شده است. جبرئیل، این سوره را با بدرقه ی هفتاد هزار فرشته بر پیامبر خدا ﷺ نازل کرد.

پیام اصلی آیات این سوره، مبارزه با شرک و دعوت به توحید است. از آنجا که مشرکان جزیره العرب به اعتقاد خود، بعضی چهارپایان را حلال و برخی را حرام می دانستند، قرآن در مقام مبارزه با اینگونه خرافات و باورهای غلط، از آیه ی 136 این سوره به بعد، احکامی را در مورد چهارپایان بیان می دارد که بدین جهت این سوره، انعام نام گرفته است.

روایاتی درباره ی فضیلت این سوره و نیز برآورده شدن حاجت به واسطه ی تلاوت این سوره آمده است. از جمله از امام صادق علیه السلام نقل شده که هر کس چهار رکعت نماز (با دو سلام) بخواند، آنگاه این سوره و سپس دعایی را قرائت کند، حاجاتش برآورده می شود. ⁽¹⁾

در هیچ سوره ای به اندازه ی این سوره، کلمه ی قل نیامده است. تکرار 44 بار این خطاب به پیامبر، شاید به خاطر آن است که در این سوره، عقائد باطل و انحراف ها و توقعات بی جای مشرکان بیان شده و لازم است قاطعیّت در کار باشد. این مطلب بیانگر آن است که پیامبر ﷺ مأمور است متن وحی را بی کم و کاست بگوید.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

به نام خداوند بخشنده ی مهربان

1- اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُوْنَ

ترجمه :

ستایش مخصوص خداوندی است که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنی را قرار داد، اما کافران (دیگران را) با پروردگارشان برابر و همتا می گیرند.

نکته ها :

در تمام قرآن، واژه ی نور مفرد و واژه ی ظلمات به صورت جمع آمده است. اصولاً حق، یکی و راههای باطل بسیار است. آری نور، نشانه ی وحدت و ظلمات، نشانه ی پراکندگی است. يعدلون از عدل، به معنای همتاست. اولین آیه ی این سوره، به آفرینش نظام هستی، دوّمین آیه به آفرینش انسان و سوّمین آیه به نظارت بر اعمال و رفتار انسان اشاره دارد. به فرموده ی حضرت علی علیه السلام : این آیه، پاسخ به سه گروه از منحرفان است :

الف : مادیون که منکر آفرینش الهی و حدوث خلقتند. **خلق السماوات...**

ب : دوگانه پرستان که برای نور و ظلمت دو مبدأ قائلند. **جعل الظلمات والنور** ⁽²⁾

ج : مشرکین که برای خداوند، شریک و شبیه قائلند. **ثمّ الذين كفروا بربهم يعدلون** ⁽³⁾

امام موسی بن جعفر درباره ی...بربهم يعدلون فرمودند: یعنی کافران، ظلمات و نور و جور و عدل را یکسان می شمارند. ⁽⁴⁾

پیام ها :

- 1 خداوند هم از عدم به وجود آورده است، هم در موجودها، کیفیات جدید و نوآوری هایی قرار می دهد. آفرینش ابتدائی **خَلَقَ** آفرینش **تَبَعِيَ** **جَعَلَ**
- 2 شریک دانستن برای خدا، نوعی انکار خدا و کفر به اوست. **الَّذِينَ كَفَرُوا**

بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

2- **هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ**

ترجمه :

او کسی است که شما را از گل آفرید، پس از آن اجلی را (برای زندگی شما در دنیا) قرار داد و اجلی معین (که مربوط به آخرت یا غیر قابل تغییر در دنیا است) نزد اوست. پس (با وجود این) شما شک و شبهه می کنید؟

نکته ها :

در آیه ی پیش، مسائل آفاقی و خلقت آسمان ها و زمین مطرح شده، اینجا خلقت انسان و حیات محدود او در این دنیا آمده است.

در قرآن، 21 مرتبه از **أَجَلٌ مُّسَمًّى** سخن به میان آمده است.

خداوند برای عمر انسان دو نوع زمان بندی قرار داده : یکی حتمی که اگر همه ی مراقبت ها هم به عمل آید، عمر (مانند نفت چراغ) تمام می شود. و دیگری غیر حتمی که مربوط به کردار خودمان است، مثل چراغی که نفت دارد، ولی آن را در معرض طوفان قرار دهیم.

در روایات، کارهایی چون صله ی رحم، صدقه، زکات و دعا سبب طول

عمر و اعمالی چون قطع رحم و ظلم، سبب کوتاه شدن عمر دانسته شده است. (5)

امام باقر علیه السلام در مورد اجلا و أجل فرمود: آنها دو أجل هستند: یکی محتوم و قطعی و دیگری موقوف (یعنی مشروط و معلق).⁽⁶⁾

به نقل ابن عباس، خداوند برای انسان دو أجل قرار داده: یکی از تولد تا مرگ، دیگری از مرگ تا قیامت. انسان با اعمال خود، گاهی از یکی می کاهد و به دیگری می افزاید. پس پایان أجل هیچکس قابل تغییر نیست. **وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ**⁽⁷⁾

پیام ها :

- 1 مدت عمر و پایان زندگی، به دست ما نیست. **هو الذی...قضی اجلاً**
- 2 تنها خداوند بر أجل مسمی (أجل قطعی)، آگاه است. **أجل مسمی عنده**
- 3 با آنکه آفرینش و پایان کار انسان، همه از خدا و به دست اوست، پس چرا در مبدأ و معاد شک کنیم؟ **ثم انتم تمترون**

3- **وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ**

مَا تَكْسِبُونَ

ترجمه :

و اوست که در آسمان ها و در زمین خداوند است. نهان و آشکار شمارا می داند، و هرچه را به دست می آورید (نیز) می داند.

نکته ها :

در پاسخ به عقیده ی انحرافی چند خدایی (خدای باران، خدای جنگ، خدای صلح، خدای زمین و...) این آیه می فرماید: خدای همه چیز و همه جا یکی است.

امام صادق علیه السلام درباره این آیه فرمود: او به تمام مخلوقات از نظر علم و قدرت و سلطه و حاکمیت احاطه دارد.⁽⁸⁾

پیام ها :

1 منطقه ی فرمانروایی خداوند، تمام هستی است. فی السموات و فی

الارض

2 خداوند چون حاکم است، آگاه است. هو الله فی السموات و فی الارض

یعلم...

3 آشکار و نهان انسان نزد خداوند یکسان است. ⁽⁹⁾ یعلم سرکم و جهرکم

4 ایمان به احاطه علمی خداوند، هم انگیزه برای کار نیک است و هم

بازدارنده از کار بد. یعلم سرکم و جهرکم

5 خداوند، از آینده ی کارهای انسان آگاه است. و یعلم ما تکسبون

4- وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

ترجمه :

و هیچ نشانه و آیه ای از نشانه های پروردگارشان برای آنها نمی آمد، جز

آنکه (به جای تصدیق و ایمان) از آن اعراض می کردند.

5- فَكَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ

يَسْتَهْزِءُونَ

پس همین که حق برای آنان آمد، آن را تکذیب کردند، پس به زودی

خبرهای مهم (و تلخ درباره ی کیفر) آنچه را به مسخره می گرفتند به سراغشان

خواهد آمد.

نکته ها :

شاید مراد از خبرهای بزرگ در آیه، خبر فتح مکه یا شکست مشرکین در

جنگ بدر و امثال آن باشد. ⁽¹⁰⁾

پیام ها :

1 برای لجبازان، نوع دلیل و آیه تفاوتی ندارد، آنها همه را رد می کنند. آیه

من آیات ربهم

2 لجوجان و کافران، حاضر به شنیدن و تفکر و تحقیق کردن نیستند، همین

که حقی آمد، تکذیب می کنند. فقد کذبوا بالحق لما جا هم

3 هم باید به مؤمنان دلگرمی داد که راهشان حق است، بالحق و هم کافران

را تهدید کرد که خبرهای تلخ برایتان خواهد آمد. فسوف یأتیهم

4 استهزا، شیوه ی همیشگی کفار است. كانوا به يستهزءون

5 سقوط انسان سه مرحله دارد: اعراض، تکذیب و استهزا. در این دو آیه به

هر سه مورد اشاره شده است. معرضین کذبوا يستهزءون

6- ءَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّهِمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ
نُمْكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ
فَأَهْلَكْنَاهُمْ بَدِينِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ

آیا ندیدند که چه بسیار امت های پیش از آنان را هلاک کردیم، با آنکه در
زمین به آنان جایگاه و توانی داده بودیم که به شما نداده ایم ؟ و (باران و برکت)
آسمان را پی در پی برایشان فرستادیم و نهرهای آب از زیر پاهایشان جاری
ساختیم، پس آنان را به کیفر گناهانشان هلاک کردیم و نسل دیگری پس از
آنان پدید آوردیم.

نکته ها :

قرن به امتی گفته می شود که یکپارچه هلاک شده باشند. (11) به مردمی هم

که در یک زمان زندگی می کنند، قرن گفته می شود و چون معمولاً یک نسل، از

60 تا 100 سال طول می کشد، از این رو به 60 یا 80 یا 100 سال یک قرن می گویند. (12)

کلمه مدرار به معنای ریزش فراوان و پی در پی باران و به مقدار نیاز است. (13)

پیام ها :

- 1 افرادی که از تاریخ پند نمی گیرند، توییح می شوند. **ألم یروا**
- 2 کفار صدر اسلام از تاریخ امت های پیشین آگاه بودند و می توانستند درس بگیرند. **ألم یروا**
- 3 توجه به زوال نعمت ها و سرنگونی گنهکاران، از عوامل غفلت زدایی است. **ألم یروا... فاهلکناهم بذنوبهم**
- 4 تمدن هایی قبل از اسلام وجود داشته و سپس منقرض شده اند. **اهلکنا من قبلهم**
- 5 از روشهای تربیتی قرآن است که داستان های واقعی و آموزنده را برای عبرت مردم نقل می کند. **اهلکنا من قبلهم**
- 6 کیفر آنان که از امکانات خداداد استفاده سوء کنند، نابودی است. **کم اهلکنا**
- 7 به جای **أرسلنا من السماء**، فرمود: **أرسلنا السماء** (آسمان را برای شما فرستادیم) تا نهایت لطف الهی را بیان کند.
- 8 عملکرد مردم، عامل تحولات و حوادث تاریخی است. **فاهلکناهم بذنوبهم**
- 9 هلاکت مردم به سبب گناهانشان، از سنت های الهی است. **فاهلکناهم بذنوبهم**
- 10 خداوند، علاوه بر عذاب آخرت، در این دنیا هم کیفر می دهد. **فاهلکناهم**

11 اگر امکانات در دست صالحان باشد، نماز را برپا می دارند. ان مکنّاهم
فی الارض اقاموا الصلاة⁽¹⁴⁾ ولی اگر در دست ناهلان بی ایمان باشد، فساد و
گناه می کنند. مکنّاهم... فاهلکناهم بذنوبهم

12 امکانات مادّی، مانع قهر و عذاب الهی نیست. مکنّاهم... فاهلکناهم آن
گونه که کافران خیال می کردند: نحن اکثر أموالاً وأولاداً ومانحن بمعذبین⁽¹⁵⁾
13 امکانات مادّی، رمز کامیابی نیست. مکنّاهم... فاهلکناهم چنانکه در جای
دیگر می خوانیم: ان الانسان لیطغى أن رآه استغنى⁽¹⁶⁾

14 دو نوع مرگ داریم: طبیعی، که با رسیدن أجل است و غیر طبیعی که به
خاطر کیفر الهی و با حوادث غیر منتظره است. بذنوبهم
15 قدرتمندان گنهکار فکر نکنند دنیا همیشه به کامشان است، خداوند
دیگران را جایگزین آنان می کند. اهلکناهم... و أنشأنا من بعدهم قرناً آخرین

7- وَ لَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ
كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

ترجمه:

و (کافران لجوج که در پی بهانه جویی اند حتی) اگر نوشته ای را در کاغذی
بر تو نازل می کردیم که آن را با دست های خود لمس می کردند، باز هم کافران
می گفتند: این، جز جادویی آشکار نیست.

نکته ها:

گروهی از مشرکان می گفتند: ما در صورتی ایمان می آوریم که نوشته ای بر
کاغذ، همراه با فرشته ای بر ما نازل کنی. ولی دروغ می گفتند و در پی بهانه
جوئی بودند.

قِرطاس چیزی است که بر روی آن بنویسند، چه کاغذ، چه چوب، یا پوست و سنگ، ولی امروز به کاغذ گفته می شود.

پیام ها :

1 وقتی پای لجاجت در کار باشد، هیچ دلیلی کارساز نیست، حتی محسوسات را منکر می شوند. **فلمسوه بایدیهم...ان هذا الا سحر مبين**

2 نسبت سحر، از رایج ترین نسبت هایی بود که مشرکان به پیامبر می دادند.
ان هذا الا سحر مبين

8- وَقَالُوا لَوْلَا اُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَاَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْاَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ

ترجمه :

و (کافران بهانه جو) گفتند: (اگر محمد، رسول است) چرا فرشته ای بر او نازل نشده (تا او را در دعوت کمک کند)، در حالی که اگر فرشته ای نازل می کردیم (باز هم لجاجت خواهند کرد و) کار آنان پایان می یافت و هیچ مهلتی به آنان داده نمی شد.

نکته ها :

نزول فرشته ی مورد تقاضای کفار، اگر به صورت انسان باشد که مانند همان پیامبر خواهد بود و اگر به صورت واقعی اش جلوه کند، طاقت دیدن آن را ندارند و با مشاهده ی آن، جان خواهند داد. (17)

روحیه ی شیطانی تکبر، اجازه نمی دهد انسان از بشری همانند خود پیروی کند. گاهی می گوید: چرا انبیا مثل ما غذا می خورند و در بازارها راه می روند و همچون ما لباس می پوشند؟ **و قالوا ما لهذا الرسول يأكل الطعام و یمشی فی**

الاسواق⁽¹⁸⁾ گاهی به یکدیگر می گفتند: اگر از پیامبری مثل خودتان اطاعت کنید، زیان کرده اید. **وَلئنَ اَطَعْتَم بَشراً مِثْلَكُم اَنكُم اِذا لَخاسرون**⁽¹⁹⁾

پیام ها :

1 کفّار بهانه گیر، انسان را شایسته مقام رسالت نمی دانستند و تقاضای دیدن فرشته را داشتند. **لولا انزل علیه ملک**

2 سنّت الهی چنین است که اگر معجزه ای به درخواست مردم انجام شود و انکار کنند، هلاکت قطعی سراغشان خواهد آمد. **لَقضى الامر**⁽²⁰⁾

(شیوه دعوت های الهی، براساس آزادی، تفکّر، انتخاب و مهلت داشتن است. تقاضای راه دیگری مانند نزول فرشته یا غذای آسمانی، فرصت و مهلت را می گیرد و در این صورت تنها راه، پذیرش دعوت است و گرنه هلاکت.)

9- **وَ لَوْ جَعَلْنَهُ مَلَكاً لَّجَعَلْنَهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمَ مَا يَلْبَسُونَ**

ترجمه :

و اگر (پیامبر را) فرشته قرار می دادیم، حتماً او را به صورت مردی در می آوردیم (که باز هم می گفتند این انسانی همانند خود ماست و همان شبیه را تکرار می کردند بنابراین) کار را بر آنان مشتبه می ساختیم همان طور که آنان (با ایرادهای خود) کار را بر دیگران مشتبه می سازند.

نکته ها :

کلمه لَبَس (بر وزن درس) به معنای پرده پوشی و اشتباه کاری است ولی کلمه لُبِس (بر وزن قفل) به معنای پوشیدن لباس است.⁽²¹⁾

اگر پیامبر و الگوی انسان ها فرشته باشد، چگونه می تواند پیشوای انسان هایی باشد که دچار طوفان غرائزند و شکم و شهوت دارند؟

ممکن است معنی آیه چنین باشد: اگر پیامبر، فرشته می شد، باید به صورت مردی ظاهر شود که او را ببینند، و این سبب به اشتباه افتادن مردم می شد که آیا او انسان است یا فرشته. **للبسنا علیهم**

پیام ها :

1 سنت های الهی حکیمانه است و با تمایلات این و آن عوض نمی شود. **لو جعلناه ملکا** (حرف لو نشانه آن است که ما کار خودمان را می کنیم و کاری به تقاضاهای بیجا نداریم.)

2 برای تربیت و دعوت، باید الگوهای بشری ارائه داد، که در دعوت و عمل پیشگام باشند. **لجعلناه رجلاً**

3 پیامبران از میان مردم انتخاب می شوند. **لجعلناه رجلاً**

10- **وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ**

ترجمه :

و قطعاً پیامبرانی پیش از تو هم استهزا شدند، پس عذابی که به استهزای آن می پرداختند بر مسخره کنندگان از ایشان فرود آمد.

نکته ها :

این آیه، تسکینی برای پیامبر اسلام است، که اولاً: پیامبران پیشین هم مورد استهزا قرار گرفته اند. ثانیاً: نه تنها عذاب اخروی، بلکه قهر دنیوی هم دامنگیر استهزا کنندگان می شود.

پیام ها :

- 1 یاد مشکلات دیگران، صبر انسان را زیاد می کند و مبلغ دین نباید از استهزای مخالفان دلتنگ شود. **لقد استهزیء برسل من قبلک**
- 2 استهزا، یکی از جنگ های روانی دشمن و برای تضعیف روحیه ی رهبران است که باید در برابر آن مقاومت کرد. **استهزیء برسل من قبلک**
- 3 مسخره کنندگان، عاقبت ذلیل می شوند و استهزا، دامن خودشان را می گیرد. **فحاق بالذین سخروا**
- 4 استهزای دین، یکی از گناهان کبیره است که وعده ی عذاب بر آن داده شده است. **فحاق بالذین سخروا...**
- 5 خداوند حامی انبیاست و استهزا کنندگان را هلاک می کند. **فحاق بالذین سخروا...**

6 استهزا شیوه دائمی کفار است. **کانوا به یستهزءون**

11- **قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ**

ترجمه :

(ای پیامبر! به آنان) بگو: در زمین بگردید، سپس بنگرید که سرنوشت تکذیب کنندگان چگونه شد؟

نکته ها :

فرمان سیروا فی الارض شش بار در قرآن آمده است. متأسفانه کافران بیش از ما به این دستور عمل کردند و وجب به وجب کشورهای اسلامی را کاوش کردند و از منابع، ذخایر، نقاط قوت و ضعف، آثار فرهنگی، کتب خطی و هنرهای مسلمانان آگاه شده و آنها را غارت کردند و مسلمانان در خواب غفلت ماندند.

پیام ها :

1 سفرهای علمی و آموزنده و عبرت آور، ستوده و نیکوست. **سیروا...ثم**

انظروا

2 شکست و سقوط مخالفان حق حتمی است، اگر شک دارید، تاریخشان را

بخوانید و با سفر، آثارشان را ببینید و عبرت بگیرید. **سیروا...ثم انظروا**

3 عوامل عزت یا سقوط جوامع، قانونمند است. اگر عواملی مثل انکار و

تکذیب حق در زمانی سبب هلاکت شد، در زمان دیگر هم سبب می شود.

سیروا...انظروا

4 یکی از عوامل سقوط تمدن ها، تکذیب انبیا است. **عاقبة المکذبین**

5 جلوه های گذرا مهم نیست، پایان کار مهم است. **عاقبة المکذبین**

12- **قُلْ لِّمَنْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلٰی نَفْسِهِ**

الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ

لَا يُؤْمِنُونَ

ترجمه :

بگو: آنچه در آسمان ها و زمین است برای کیست ؟ بگو: برای خداوند است

که بر خود، رحمت را مقرر کرده است. او قطعاً شما را در روز قیامت که شکی

در آن نیست جمع خواهد کرد. کسانی که خود را باختند (و با هدر دادن

استعدادها، به جای رشد، سقوط کردند) همانان ایمان نمی آورند.

نکته ها :

موضوع وجوب رحمت بر خدا، در قرآن دوبار آنها در این سوره (آیات 12

و 54) آمده است.

جمله ی لاریب فیه، هم درباره ی قرآن آمده است، هم درباره ی قیامت.

خداوند همان گونه که بر ما تکالیفی واجب کرده است، وظایفی را هم بر خود مقرر فرموده؛ از جمله: هدایت کردن: **إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ** ⁽²²⁾، رزق دادن: **عَلَى اللَّهِ رِزْقَهَا** ⁽²³⁾، لطف کردن: **كُتِبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ** ⁽²⁴⁾ و پیروزی و غلبه ی دین خدا: **كُتِبَ لِلَّهِ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرَسُلِي** ⁽²⁵⁾ ولی شرط بهره مند شدن از رحمت الهی، رحم به بندگان است. چنانکه در حدیث آمده است: **مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ** ⁽²⁶⁾

سلمان از پیامبر ﷺ نقل کرده که فرمود: رحمت خداوند، صد درجه است، یک درجه ی آن، منشأ همه ی الطاف الهی در دنیا شده است، خداوند در قیامت، با همه ی صد درجه رحمت خود با مردم معامله خواهد کرد. ⁽²⁷⁾

قرآن، رحمت الهی را بر همه چیز شامل می داند: **رَحْمَتِي وَسَعَتْ كُلَّ شَيْءٍ** ⁽²⁸⁾ و این رحمت، مصداق های فراوان دارد، از جمله:

باران: **يَنْزِلُ الْغَيْثُ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ** ⁽²⁹⁾

باد: **يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرَىٰ بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ** ⁽³⁰⁾

شب و روز: **وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ** ⁽³¹⁾

پیامبر: **وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ** ⁽³²⁾

قرآن: **هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ** ⁽³³⁾

تورات: **كِتَابَ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً** ⁽³⁴⁾

آزادی: **فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا** ⁽³⁵⁾

علاقه به همسر: **وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً** ⁽³⁶⁾

گیاهان و میوه ها: **فَانظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا** ⁽³⁷⁾

پذیرش توبه: **لَا تَقْنَطُوا مِن رَحْمَةِ اللَّهِ** ⁽³⁸⁾

پیام ها :

1 یکی از شیوه های تبلیغی که پیامبر مأمور به آن است، طرح سؤال و جواب است. **قل لمن... قل لله**

2 هستی بر اساس رحمت است و رحمت الهی بر همه چیز و همه جا گسترده است. **کتب علی نفسه الرحمة**

3 همان گونه که آفریده های خدا در دنیا (مثل باد، باران، روز و شب، گیاهان...) رحمت است، معاد هم رحمت است. **لیجمعنکم**

4 دلیل بر پا شدن قیامت، برخورداری مردم از رحمت است. **کتب علی نفسه الرحمة لیجمعنکم**

5 گرچه رحمت الهی گسترده و لازم است، لکن گروهی خود را محروم می کنند. **خسروا انفسهم**

6 به جای استدلال، در پی هوا و هوس بودن و به جای اولیای خدا، سراغ طاغوت رفتن و به جای ایمان و اعتقاد به آخرت، کفر ورزیدن و به جای تسلیم نور، تسلیم نار شدن، خسارت عظیم کفار است. (تمام آیه)

13- **وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ**

ترجمه :

و تنها برای اوست آنچه در شب و روز قرار گرفته و او شنوای داناست.

نکته ها :

شب و روز، مانند گهواره، انسان و موجودات را در دامن خود آرامش می بخشد. برخی موجودات در شب، و بعضی در روز استراحت می کنند.

پیام ها :

1 هم کلّ نظام از خداوند است ؛ **وله ما سکن**، هم نظارت و کنترل از آن اوست. **هو السميع العليم**

14- **قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ اتَّخِذْ وَلِيًّا فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ**

ترجمه :

بگو: آیا غیر از خدا را سرپرست خود بگیرم در حالی که او آفریدگار آسمان ها و زمین است او همه را طعام می دهد، ولی کسی به او طعام نمی دهد. بگو: همانا من مأمورم که اولین کسی باشم که تسلیم فرمان اوست. و (به من گفته شده که) هرگز از مشرکان مباش.

نکته ها :

در شأن نزول آیه آمده است که جمعی از اهل مکه به پیامبر ﷺ گفتند: تو به خاطر فقر، از بت ها دست کشیده ای، ما حاضریم تو را بی نیاز کنیم تا با ما مخالفت نکنی. این آیه نازل شد و به آنان پاسخ داده شد.

پیام ها :

1 یکی از شیوه های تبلیغ و هدایت که پیامبر برای برانگیختن عقل مردم مورد استفاده قرار می دهد، بیان دلیل در قالب سؤال است. **قل أغیر الله**

2 انسان به دلیل نیازها و محدودیت ها به طور فطری به سراغ سرپرست و پناهگاه می رود، لکن بحث اصلی بر سر آن است که به سراغ چه کسی برویم.

قل أغیر الله اتخذ...

3 خداوند آسمان و زمین را بدون الگوی قبلی آفرید. **فاطر السموات** فاطر، یعنی آفریننده مبتکر.

4 تأمین نیازها از شئون ولایت الهی است. **ولیا... یطعم**

5 جز خداوند، همه ی معبودها و مخلوقات نیازمندند. **لا یطعم**

6 چون خداوند هم خالق بشر و هم رازق اوست و نیازهایش را برطرف می کند، به این دلیل انسان باید نسبت به خدا تعبد و ولایت پذیری داشته باشد.

فاطر... و هو یطعم... انی امرت ان اکون اول من اسلم

7 پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مأمور به اظهار موضع عقیدتی خود می باشد. **قل انی امرت ان...**

8 رهبر باید پیشگام در آیین باشد و بالاترین درجه ی اخلاص و تسلیم را داشته باشد. **اول من اسلم**

9 پذیرش ولایت غیر خدا، شرک است. **اغیرالله اتخذ ولیا... لاتکونن من**

المشرکین

15- **قُلْ اِنِّیْ اَخَافُ اِنْ عَصِیْتُ رَبِّیْ عَذَابَ یَوْمٍ عَظِیْمٍ**

ترجمه :

بگو: همانا اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ بیمناکم.

نکته ها :

خوف و ترس دو گونه است :

الف : ناپسند، مثل ترس از جهاد.

ب : پسندیده، مانند خوف از عذاب الهی.

پیام ها :

1 قانون الهی برای همه یکسان است، پیامبر خدا هم اگر معصیت کند، باید

از گرفتاری آن بترسد. **أخاف ان عصیت ربی**

2 ترس اولیای خدا، از قهر الهی است، نه از طاغوت ها و مردم. **أخاف... ربی**

3 توجه به ربوبیت خداوند، مقتضی پرهیز از معصیت اوست. **ان عصیت ربّی**
4 ترس از کیفر، از عوامل بازدارنده از انحراف و خطاست. **أخاف ان عصیت**

ربّی عذاب یوم عظیم

5 اظهار ترس رسول خدا از قیامت، نقش سازنده برای دیگران دارد. **قل انّی**

أخاف...عذاب یوم عظیم

6 در برابر تطمیع و وعده های دیگران، از اهرم حساب قیامت استفاده کنید.
(با توجه به شأن نزول آیه ی قبل که پیشنهاد کردند ما تو را بی نیاز می کنیم، تو
از تبلیغ دست بردار، پیامبر می فرماید: من از قیامت می ترسم.) **انّی**

اخاف...عذاب یوم عظیم

16- **مَنْ يُصْرِفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ**

ترجمه :

در آن روز، از هر کس عذاب الهی برداشته شود، قطعاً مشمول رحمت الهی
شده و این است رستگاری آشکار.

نکته ها :

رسول خدا ﷺ فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، هیچ
کس در قیامت با عمل خود به بهشت نمی رود. پرسیدند: حتی شما یا رسول
الله؟ فرمود: حتی من، مگر آنکه فضل و رحمت خدا مرا دریابد. سپس داستان
مبارک خود را روی سر نهاد و این آیه را تلاوت کرد. ⁽³⁹⁾ **البتّه** بدیهی است که
رحمت الهی تنها به اعمال صالح و افراد نیکوکار تعلق می گیرد.

پیام ها :

1 خطر، متوجه همه است و نجات از عذاب الهی، لطف ویژه می طلبد. **من**

یُصرف...فقد رَحِمَهُ

2 تسلیم خدا شدن، زمینه ی دریافت رحمت الهی است. اَنِّیْ اُمرت ان اکون
اوّل مَنْ اسلم من یُصرف عنه...فقد رَحِمَه

3 تنها رحم الهی قهر او را برمی گرداند، قبول اعمال ما و شفاعت اولیای خدا
هم پرتوی از رحمت اوست. مَنْ یُصرف...فقد رَحِمَه

17- وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بَضْرًا فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ
بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
ترجمه :

و اگر خداوند (برای آزمایش و رشد، یا کیفر اعمال) تو را با (اسباب) زیان و
آسیب درگیر کند، جز خودش هیچ کس برطرف کننده آن نیست و اگر خیری به
تو برساند، پس او بر هر چیز تواناست.

پیام ها :

1 سرچشمه ی همه ی امور یکی است، نه آنکه خیرات از منبعی و شرور از
منبع دیگر سرچشمه گیرد. و اِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بَضْرًا...و اِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ

2 باید همه ی امیدها به خدا و همه ی خوف ها از او باشد. فلا کاشف له الا
هو

3 قوانین الهی استثنا بردار نیست، پیامبر اکرم ﷺ نیز در مواجهه با حوادث
تلخ و شیرین، باید متوجه خدا باشد. و اِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بَضْرًا...و اِنْ يَمْسَسْكَ
بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

18- وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ
ترجمه :

اوست که بر بندگان خود قاهر و مسلط است و اوست حکیم آگاه.

نکته ها :

کلمه ی قهر، به آن نوع غلبه ای گفته می شود که مقهور، ذلیل در برابر قاهر باشد.

در آیه ی 14، ولایت و رزاقیت خدا مطرح بود: **وَلِيًّا... وَهُوَ يَطْعَمُ** در آیه ی 15، قهر و قیامت الهی: **أَنِّي أَخَافُ...عَذَابٍ** در آیه ی 16، نجات و رحمت خدایی: **فَقَدْ رَحِمَهُ** در آیه ی 17، حلّ مشکلات و رسیدن به خیرات: **فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ** و در این آیه، قدرت مطلقه ی خدا مطرح است: **وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ**

پیام ها :

1 از دیگران هراسی نداشته باشیم که قدرت خدا فوق همه ی قدرت هاست.

وَ هُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ

2 قدرت و قهاریت خدا، همراه با حکمت و علم اوست. **الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ**

3 نفع و ضرر رساندن خداوند، بر اساس حکمت و آگاهی اوست.

19- يَمْسُكُ اللَّهُ بَضْرًا... يَمْسُكُ بِخَيْرٍ... وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ أَوْحَى إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ أَيْتَكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَحْدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ

ترجمه :

بگو: چه موجودی در گواهی برتر و بزرگتر است ؟ بگو: خداوند میان من و شما گواه است. و این قرآن به من وحی شده تا با آن شما را و هر که را که این پیام به او برسد هشدار دهم. آیا شما گواهی می دهید که با خداوند، خدایان دیگری هست ؟ بگو: من گواهی نمی دهم. بگو: همانا او خدای یکتاست و بی تردید من از آنچه شما شرک می ورزید، بیزارم.

نکته ها :

مشرکان مکه، از پیامبر اسلام برای رسالتش شاهد می طلبیدند و نبوت آن حضرت را نمی پذیرفتند و می گفتند: حتی یهود و نصارا تو را پیامبر نمی دانند. این آیه در زمان غربت اسلام، خبر از آینده ای روشن و رسالت جهانی اسلام می دهد.

حضرت علی عَلِيٍّ در تفسیر عبارت انما هو اله واحد فرمودند: اگر خدایان دیگری بودند، آنها هم پیامبرانی می فرستادند. ⁽⁴⁰⁾

عده ای را به عنوان اسیر نزد پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آوردند، حضرت از آنان پرسید: آیا تاکنون دعوت به اسلام شده اید؟ گفتند: نه، حضرت فرمود: همه را به محل امن برسانند و آزادشان کنند، زیرا کسی که هنوز ندای اسلام را نشنیده است نباید اسیر نمود، سپس این آیه را تلاوت فرمود: **لَا نَذِرْكُمْ بِهِ وَ مَنْ بَلَغَ** ⁽⁴¹⁾

امام صادق علیه السلام فرمودند: انذار همیشه‌گی باید همراه با منذر همیشه‌گی باشد.
پس امامت و رهبری الهی نیز تا ابد باید همراه قرآن باشد. (42)

معمولاً در انسان‌ها انگیزه‌ی دفع ضرر، قوی‌تر از جلب منفعت است. لذا قرآن، به مسأله‌ی انذار تأکید کرده است. **لانذركم** در آیات دیگر نیز می‌خوانیم:
: ان أنت الا نذیر (43) ، انما أنا نذیر مبین (44)

در احادیث متعددی **مَنْ بَلَّغَ** به ائمه معصومین علیهم السلام تفسیر شده است. (45)

امام صادق علیه السلام نیز درباره **مَنْ بَلَّغَ** فرمودند: مقصود کسی است که وظیفه امامت به او رسیده است و او همانند پیامبر، مردم را با قرآن انذار می‌کند. (46)

پیام‌ها :

1 برای حَقانیت پیامبر اسلام، گواه بودن خداوند کافی است. **قل الله شهید**
2 طرح و بیان حقایق به شکل سؤال و جواب از شیوه‌های تبلیغی قرآن است. **قل ای شیء... قل الله**

3 غفلت و سهو و فراموشی و محدودیت، هم قدرت خبرگیری انسان را کم می‌کند، هم قدرت گواه بودن او را، و چون خدا از این عوارض دور است، پس بزرگ‌ترین شاهد‌ها خداوند است. **أكبر شهادة قل الله**

4 قرآن، بزرگ‌ترین گواه بر رسالت پیامبر است. **الله شهید بینی و... هذا**

القرآن

5 برای مردم غافل، سخن گفتن از زاویه‌ی انذار مؤثرتر است. **لانذركم**
6 رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله جهانی و جاودانی و برای همه‌ی مردم در همه‌ی عصرها و نسل‌هاست. **لانذركم به و من بلغ**

7 تا قانون به مردم ابلاغ نشود، توبیخ و مسئولیتی در کار نیست. **و من بلغ و** به اصطلاح علم اصول، عقاب بدون بیان، قبیح است.

8 از جمله شرایط لازم برای رهبر آسمانی : ایمان به مکتب : اوحی الی هذا القرآن، امید به آینده و مَنْ بَلَغَ، صلابت قل لا أشهد و براءت از شرک است. انسی بری ء ممّا تشرکون

20- الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمُ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ترجمه :

کسانی که به آنان، کتاب (آسمانی) دادیم (یهود و نصاری)، محمد را همانند فرزندان خود می شناسند (و بشارت های انبیا و کتب آسمانی پیشین را منطبق بر آن حضرت می بینند، ولی حاضر به پذیرفتن آن نیستند) پس کسانی که به (فطرت و رشد و سعادت آینده) خودشان زیان زدند، ایمان نمی آورند.

نکته ها :

این آیه، مشابه آیه ی 146 سوره ی بقره است.

هم نام و نشان پیامبر اسلام ﷺ در تورات و انجیل بوده و علمای اهل کتاب، او را به عنوان پیامبر موعود به مردم بشارت می دادند، و هم اخلاقیات حضرت و یارانش در کتب آنان بوده است : محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماً بینهم...ذک مثلهم فی التوراة و مثلهم فی الانجیل کزرع...⁽⁴⁷⁾

شناخت فرزند، اصیل ترین و قدیمی ترین شناخت هاست. چون او را از هنگام تولد می شناسند، ولی شناخت برادر و پدر و مادر برای انسان، ماه ها پس از تولد است چنانکه شناخت همسر نیز پس از ازدواج می باشد. از این رو آیه می فرماید: آنان پیامبر را مانند فرزندان خود می شناسند.

پیام ها :

- 1 خداوند بر اهل کتاب حجّت را تمام کرده و آنان پیامبر اسلام را به خوبی می شناختند. الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ
- 2 پیامبر باید به گونه ای شناخته شود که هیچ شکّی در او نباشد. يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاهُمْ
- 3 تنها شناخت و علم، مایه ی نجات انسان نیست، چه بسیار خداشناسان و پیامبرشناسان و دین شناسان که به خاطر عناد و لجاجت از زیان کارانند. يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاهُمْ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ
- 4 کتمان حقّ، سبب سوء عاقبت و خسارت است. خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

منون

21- وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

ترجمه :

و کیست ستمکارتر از آن کس که به خداوند دروغ بدهد، یا آیات الهی را تکذیب کند؟ همانا ستمگران رستگار نمی شوند.

نکته ها :

در قرآن پانزده مرتبه تعبیر مَنْ أَظْلَمُ آمده که در مورد افترا بر خدا، بازداشتن مردم از مسجد و کتمان شهادت و حقّ است. این می رساند که ظلم فرهنگی و بازداشتن مردم از رشد و فهم، بدترین ظلم به جامعه است.

پیام ها :

1 هر چیز که عزیزتر و مقدّس تر باشد، خطر ظلم درباره ی آن بیشتر است. از این رو ظلم به خدا و افترا بر ذات مقدس الهی، بدترین ظلم هاست. **ومن أظلم**

2 ظلم به تفکر و فرهنگ انسان ها، بدترین ستم هاست. شرک، افترا به خدا، ادّعی نبوت دروغین، بدعت، تفسیر به رأی، همه نمونه ای از این گونه ظلم هاست. **و من اظلم ممن افتری علی الله کذبا او کذب بآياته**

22- **وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَاءُكُمْ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ**

ترجمه :

و روزی که آنان را یکسره محشور می کنیم، سپس به کسانی که شرک ورزیدند گوئیم: کجایند شریکان شما که بر ایشان گمان (خدایی) داشتید؟

نکته ها :

بازخواست ذلّت بار مشرکین در قیامت، نشانه ی محرومیّت آنان از رستگاری است، همان محرومیّتی که در آیه ی قبل به آن اشاره شده است. گرچه آیه، به شرک نظر دارد، ولی آنان هم که رهبری غیر اولیای خدا را بپذیرند و با اولیای معصوم الهی به مخالفت و جنگ برخیزند، به نوعی مشرکند. در زیارت جامعه ی کبیره می خوانیم: **و من حاربکم مشرک⁽⁴⁸⁾** و در حدیث آمده است: **الرّاد علینا کالرّاد علی الله و هو علی حدّ الشّرك بالله⁽⁴⁹⁾** کسی که کلام و راه ما را رد کند، همچون کسی است که کلام خدا را نپذیرد و چنین شخصی به منزله ی مشرک است.

پیام ها :

- 1 دادگاه قیامت، علنی است. **نحشرهم جميعاً ثم نقول**
- 2 قبل از هر عقیده و عشق و پرستشی، آماده ی پاسخگویی در روز قیامت باشیم. و **یوم نحشرهم...این شرکاؤ کم**
- 3 قیامت روز ظهور حقّ بودن توحید، حتی برای مشرکان است. **این شرکاؤ کم**
- 4 شرک، خیالی بیش نیست. **ترعمون**

23- **ثُمَّ لَمْ تَكُنْ فِتْنَتَهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ**

ترجمه :

پس (از آن همه فریفتگی به بتان، در پیشگاه خداوند) عذری نیابند جز آنکه (از بتان بیزاری جسته و) بگویند: سوگند به خدا! پروردگارمان، ما هرگز مشرک نبوده ایم.

24- **أَنْظُرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ**

بنگر که چگونه علیه خود دروغ گفتند و (تمام بت ها و شریکان که همواره می ساختند از نزد آنان محو شد و) آنچه به دروغ و افترا به خدا نسبت می دادند از دستشان رفت.

نکته ها :

امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از فتنه در لم تکن فتنتهم، معذرت خواهی مشرکان می باشد. (50)

ضَلَّ الشَّيْءُ به معنای ضایع شدن، هلاکت و نابودی چیزی است. (51)
دروغگویان به مقتضای خصلتی که در دنیا کسب کرده اند، در قیامت نیز دروغ می گویند. **والله ما کنا مشرکین**، چنانکه در جای دیگر می خوانیم: **یوم**

يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعاً فَيَحْلِفُونَ لَهُ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ وَ يَحْسِبُونَ أَنَّهُمْ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا أَنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ (52)

حضرت علی علیه السلام در ذیل آیه در حدیثی می فرماید: بعد از این دروغ، بر لبشان مهر زده می شود و سایر اعضای آنان حق را بازگو می کنند. (53)

امام صادق علیه السلام فرمود: روز قیامت خداوند آن چنان عفو و بخشش می کند که به ذهن هیچ کس حتی خطور نمی کند، تا آن اندازه که مشرکان نیز می گویند: ما مشرک نبودیم، (تا مشمول عفو الهی شوند). (54)

پیام ها :

1 قیامت، آن چنان حتمی است که گویا هم اکنون نیز حاضر است. **أَنْظِرْ** و نفرمود: ستنظر. (پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا نیز می تواند با چشم ملکوتی، شاهد صحنه های قیامت باشد).

2 تکیه گاه های غیر الهی نابود خواهد شد. **ضَلَّ عَنْهُمْ**

3 در دادگاه الهی، نه دروغ انسان کارساز است، نه سوگند او. **ضَلَّ عَنْهُمْ مَا**

کانوا یفترون

4 آن همه اصرار بر تکیه گاه های غیر الهی، خیالی بیش نیست. **و ضَلَّ عَنْهُمْ**

ما کانوا

25- يَفْتَرُونَ نَا عَلٰی قُلُوبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَفْقَهُوْهُ وَ فِىْ ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا وَاِنْ يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوْا بِهَا حَتّٰى اِذَا جَاوَوْكَ يُجَدِّلُوْنَكَ يَقُوْلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا اِنْ هٰذَا اِلَّا اَسْطِيْرُ الْاَوَّلِيْنَ

ترجمه :

بعضی از آنها کسانی هستند که (به ظاهر) به سخن تو گوش می دهند، ولی ما بر دلهایشان پرده هایی قرار داده ایم تا آن را نفهمند و در گوشه‌هایشان (نسبت به

شنیدن حق) سنگینی قرار دادیم و آنان به قدری لجوجند که اگر هر آیه و معجزه ای را ببینند، باز هم به آن ایمان نمی آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند با تو جدال می کنند و کسانی که کافر شدند می گویند: این نیست جز افسانه های پیشینیان.

نکته ها :

در شأن نزول این آیه آمده است که ابوسفیان، ولید بن مغیره، عتبه، شیبه و نضر بن حارث، در کنار کعبه به تلاوت قرآن پیامبر گوش می دادند، به نضر گفتند: چه می خواند؟ گفت: به خدای کعبه نمی فهمم چه می خواند، ولی چیزی جز افسانه ها و داستان های پیشینیان نیست، من مشابه این داستان ها را برای شما گفته ام. سپس این آیه نازل شد.

أَكْنَّة جمع کنّ یا کنان به معنای پرده است. وقر به معنای سنگینی و اساطیر جمع اسطوره به معنای مطالب بی در پی و خیالی است که شنیدن آن جاذبه دارد.

پرده افکنی بر دل و سنگینی گوش، به خاطر روحیه ی لجاجت مشرکان است. قرآن می فرماید: **فلما زاغوا أزاغ الله قلوبهم** (55)

از اینکه در آیه ی قبل، سخن از مشرکین بود ولی در این آیه درباره همان گروه تعبیر به **الَّذِينَ كَفَرُوا** نموده است معلوم می شود مشرکین همان کفارند.

پیام ها :

1 پیامبران و رهبران الهی باید از روحيات کفار و مخالفين و ترفندهای آنان آگاه باشند. **و منهم مَنْ يستمع**

2 از همه ی کفار مأیوس نباشید، بعضی از آنان لجوجند. **و منهم**

3 شنیدن صوت قرآن، آنگاه ارزش دارد که در دل اثر کند. **أَكْنَّة ان يفقهوه**

- 4 کفار بر انکار خود اصرار دارند و پرده افکنی خداوند بر دل کفار، به خاطر همین عناد و اصرار خود آنان است. **ان یروا کلّ آیه لایؤ منوا**
- 5 لجاجت، درد بی درمان است و مثل آینه ی موج دار، بهترین صورت ها را هم زشت نشان می دهد. **ان یروا کلّ آیه لایؤ منوا**
- 6 اگر کسی به قصد جدال و با سوء ظن و روح منفی و موضعگیری قبلی، حتی با پیامبر هم ملاقات کند، بهره ای نخواهد برد. **جأک یجادلونک...**
- 7 کفار هیچ راه صحیح و منطقی برای مقابله با پیامبر اسلام نداشتند. (پناه به جدال و تهمت نشانه عجز آنان از منطقی است) **یجادلونک...**
- 8 قرآن، برای کافران و مشرکان نیز جذاب است. **یقول الذین کفروا ان هذا الاّ**
اساطیر الاولین (اساطیر، به معنای سخن زیباست. (56))

26- **وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْوُونَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا لَأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ**

ترجمه :

و آنان، مردم را از آن (پیامبر و قرآن) باز می دارند و خود نیز از آن دور و محروم می شوند، (ولی بدانند که) جز خودشان را هلاک نمی سازند، و (لی) نمی فهمند.

نکته ها :

یَنْوُونَ از ریشه ی نأی، به معنای دور کردن است.
 برخی از اهل سنت، در تفسیر خود این آیه را درباره ابوطالب دانسته و گفته اند که وی مردم را از آزار پیامبر نهی می کرد ولی خودش ایمان نمی آورد و از مسلمان شدن دوری می جست و برخی آیات دیگر را هم در این باره می دانند (مثل توبه 113، قصص 56)، ولی به نظر پیروان مکتب اهل بیت، ابوطالب از

بهترین مسلمانان است و دلایل ایمان ابوطالب پدر عزیز حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بسیار است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنم:

جملاتی که شخص پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت علیهم السلام درباره ایمان او فرموده‌اند، بهترین دلیل بر ایمان اوست.

2- حمایت‌های بی‌دریغ وی از پیامبر در شرایط بسیار سخت.

3- اقرارهای ابوطالب که در اشعار خود نسبت به پیامبر و رابطه خود با خدا دارد.

4- سفارش‌های او به همسر و فرزند و برادرش حمزه که از اسلام و نماز و پیامبر حمایت کنند.

5- حزن و اندوه فراوانی که برای پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به خاطر فوت ابوطالب پیدا شد.

6- ابوبکر و عباس گواهی دادند که ابوطالب هنگام مرگ، کلمات لا اله الا الله و محمد رسول الله می‌گفت.

7- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بالای منبر برای ابوطالب دعا کرد و جنازه‌ی او را تشییع نمود و به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ دستور کفن کردن او را داد. تنها بر او نماز گذاشته نشد زیرا تا آن روز نماز میت واجب نشده بود، چنانکه بر خدیجه هم نماز گزارده نشد.

8- حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ در نامه‌ای به معاویه نوشتند که بسیار فرق است میان پدر من ابوطالب با پدر تو ابوسفیان.

9- رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: من در قیامت، شفیع پدر و مادر و عمویم ابوطالب هستم.

10- در حدیث می خوانیم که خداوند به رسول خود وحی کرد که آتش بر پدر و مادر و کفیل تو حرام است.

11- در مسلمان بودن فاطمه بنت اسد علیها السلام که از زنان خوش سابقه و مهاجر است، شکی نیست و اگر ابوطالب مسلمان نبود، هرگز رسول خدا ﷺ اجازه نمی داد که شوهر این زن، مردی بی ایمان باشد. (57)

پیام ها :

1 - کفار و مشرکان، همواره در تلاش برای کارشکنی و بازداشتن مردم از گوش دادن به قرآن بودند. و هم پنهون عنه...

2- دوری از پذیرفتن حق، سبب به هلاکت انداختن خود انسان می شود. و ما یهلکون الا انفسهم

3- شعور واقعی، یافتن راه حق است و گم کردن راه حق و رهبر حق، از سوی هر که باشد، بی شعوری است. و ما یشعرون

27- وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْقَوْمِ عَلَىٰ النَّارِ فَقَالُوا يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ترجمه :

و اگر آنان را، آن هنگام که بر لبه ی آتش (دوزخ) نگه داشته شده اند ببینی، پس می گویند: ای کاش (بار دیگر به دنیا) بازگردانده شویم و آیات پروردگاران را تکذیب نکنیم و از مؤمنان (واقعی) باشیم.

نکته ها :

طبق آیات قرآن، آرزوی برگشت به دنیا، هم در لحظه ی مرگ است، و هم در قبر و هم در قیامت، رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّيَ اَعْمَلُ صَالِحًا⁽⁵⁸⁾ ، رَبَّنَا اٰخِرْجِنَا مِنْهَا فَاِنْ عُدْنَا فَاِنَّا ظَالِمُونَ⁽⁵⁹⁾

در آیه 23، مشرکین شرک خود را انکار می کردند، ولی در این آیه، اعتراف و تقاضای برگشت و جبران می کنند.

پیام ها :

1 - کفار هنگام عرضه بر آتش، وحشت زده و ذلت بار ناله می زنند. **اذ وقفوا علی النار فقالوا** مراحل و مواقف قیامت متعدد است، در بعضی از مراحل گنهکاران ناله می زنند و در بعضی مواقع مهر سکوت بردهانشان می خورد.

2- تکذیب آیات الهی، موجب پشیمانی در آخرت است. **اذ وقفوا...فقالوا یا**

لیتنا

3- تا فرصت دنیا باقی است ایمان آوریم، چون در آخرت مجال برگشت نیست. **یا لیتنا نردّ** از آرزوها و حسرت های کافران در قیامت، برگشت به دنیا و ایمان و اطاعت است. **و لا نکذب...و نکون من المؤمنین**

28- **بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا**

عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

ترجمه :

(چنین نیست،) بلکه آنچه (از کفر و نفاق) قبلاً (در دنیا) پنهان می کردند، (در آن روز) برایشان آشکار شده و اگر آنان (طبق خواسته و آرزویشان) به دنیا بازگردانده شوند، بی گمان باز هم به آنچه از آن نهی شده اند بازمی گردند. و آنان قطعاً دروغگویانند.

نکته ها :

روز قیامت، روز آشکار شدن اسرار پنهانی مردم است و قرآن بارها به این حقیقت اشاره کرده است. از جمله: **وبدالهم سیئات ما عملوا⁽⁶⁰⁾**، **وبدالهم سیئات**

ما کسبوا⁽⁶¹⁾

پیام ها :

- 1 - در قیامت، همه ی اسرار و رازها کشف و نهان و درون انسان ها آشکار می شود. **بل بدلهم ما کانوا یخفون**
- 2- برگشتن از آخرت به دنیا، محال است. **و لو ردّوا**
- 3- بعضی هرگز امیدی به خوب شدن و اصلاحشان نیست و با فرصت دادن (که خودشان خواستار آنند) باز هم همانند که بودند. **لو ردّوا لعادوا** (آری انسان بارها در دنیا به هنگام برخورد با شداید و تلخی ها، تصمیم هایی می گیرد، ولی چون به آسایش رسید، همه چیز را فراموش می کند).
- 4- وقتی دروغگویی خصلت انسان شد، در قیامت هم دروغ می گوید. **و انهم لکاذبون** چنانکه در آیه 23 خواندیم که مشرکین در قیامت به دروغ قسم می خورند و می گویند: **والله ربنا ما کنا مشرکین**

29- **وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ**

ترجمه :

و گفتند: جز زندگی دنیوی ما، هیچ زندگی دیگری نیست و ما (پس از مرگ) برانگیخته نمی شویم.

30- **وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ انقَضُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَ رَبَّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ**

و اگر ببینی آنگاه که در برابر پروردگارشان بازداشته شده اند، (خدا) می فرماید: آیا این (رستاخیز) حق نیست ؟ می گویند: بلی، به پروردگاران سوگند (که حق است). او می فرماید: پس به کیفر کفرورزی ها و کفران هایتان، عذاب را بچشید.

نکته ها :

در آیه 27 و 30، دو بار کلمه ی **و لو تری** تکرار شده است تا صحنه های سخت قیامت را ترسیم و گامی برای هدایت مردم باشد.

طبق آیه ی 30 خداوند با مجرم سخن می گوید. ولی بعضی آیات، سخن گفتن خدا را با آنان نفی می کند. **لایکلمهم الله**، این مطلب یا اشاره به مواقف و صحنه های مختلف در قیامت است، و یا آنکه مراد آن است که خداوند با آنان کلام طیب و دلشادکننده نمی گوید.

در آیه ی 22، خداوند کفار را در برابر نفی توحید مؤ اخذ نمود: **این شرکاء کم** و در آیه 27 به خاطر تکذیب نبوت مؤ اخذ کرد: **لانکذب بایات ربنا** و در آیه 30 به سبب انکار قیامت مؤ اخذ می کند. **الیس هذا بالحق**

اسلام برای انسان ها چند نوع حیات را ترسیم می کند:

- 1- حیات دنیا. **زهرة الحیاة الدنیا**⁽⁶²⁾
- 2- حیات برزخی. **من ورائهم برزخ الی یوم یبعثون**⁽⁶³⁾
- 3- حیات معنوی و هدایت. **دعاکم لما یحییکم**⁽⁶⁴⁾
- 4- حیات اجتماعی. **ولکم فی القصاص حیاة**⁽⁶⁵⁾
- 5- حیات طیبه (در سایه ی قلب آرام و قناعت). **فلنحیینه حیاة طیبة**⁽⁶⁶⁾

پیام ها :

1 - مشرکین، افرادی سطحی نگر و مادی هستند و محدوده ی حیات را تنها در همین دنیا می بینند و منکر رستاخیزند. **ان هی الا حیاتنا الدنیا** (اگر در جای دیگر قرآن مشرکین بت را شفیع خود می دانند: **هو لأشفعائنا**⁽⁶⁷⁾) مرادشان شفاعت در دنیا است.⁽⁶⁸⁾

2- خداوند، پیامبرش را تسلیت و دلجویی می دهد که همه ی لجاجت ها بی پاسخ نخواهد ماند. و لوتری

3- مجرمان، همانند اسیران ذلیل، بازداشت و نگه داشته می شوند. اذ وقفوا

4- در قیامت قاضی و بازپرس در درجه ی اوّل خود خداوند است. قال

أليس هذا بالحقّ

5- اعترافات کفار و مشرکان در قیامت، سودی ندارد. قالوا بلی... فذوقوا

6- کفار، در قیامت بارها سوگند یاد می کنند. واللّٰه ربّنا ما کنّا مشرکین قالوا

بلی و ربّنا

7- کیفرهای قیامت، به خاطر مداومت در کفر و انکار معاد در دنیاست. و

مانحن بمبعوثین... فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون

31- قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَبُوا بَلِغًا لِلَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا

يَٰ حَسْرَتَنَا عَلٰى مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلٰى ظُهُورِهِمْ أَلَا

سَاءَ مَا يَزِرُونَ

ترجمه :

قطعاً کسانی که دیدار خداوند (در قیامت) را تکذیب کردند زیانکار شدند، همین که ساعت موعود ناگهان به سراغشان آید، در حالی که بار سنگین گناهان خویش را بر پشتشان می کشند، گویند: دریغا از آن کوتاهی ها که در دنیا کرده ایم، آگاه باشید که چه بد باری است آنچه به دوش می کشند.

نکته ها :

مراد از لقاءالله، ملاقات معنوی و شهود باطنی در قیامت است، چون در قیامت همه ی وابستگی های انسان به مال و مقام و بستگان قطع می شود و با روبرو شدن با پاداش و کیفر الهی، حاکمیت مطلقه ی الهی را درک می کند.

حسرت، برای از دست دادن منافع است و ندامت برای پیش آمدن ضررها. (69)

به قیامت، ساعت می گویند، چون در ساعتی و لحظه ای برق آسا ایجاد می شود. (در آیه ی 77 سوره نحل آمده است: **وما أمر الساعة الاّ كلمح البصر أو هو اقرب**، برپایی قیامت، مانند چشم به هم زدن یا نزدیک تر از آن است).
در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمده است: اهل آتش، جایگاه خود (آن جایگاهی که خداوند برای هر شخصی در بهشت قرار داده است)، را در بهشت می بینند و می فهمند زیان کرده اند می گویند: یا حسرتنا. (70)

پیام ها :

- 1- کسی که قیامت را نپذیرد، هستی خود را با دنیای فانی معامله کرده و این بزرگ ترین خسارت است. **قد خسر**
 - 2- قیامت، ناگهانی فرا می رسد و کسی از زمان آن آگاه نیست، پس باید همیشه آماده بود. **جأتهم الساعة بغتة**
 - 3- روز قیامت، روز حسرت است. **یا حسرتنا**
 - 4- اعتراف و حسرت، نشانه ی آزادی انسان در عمل است زیرا می توانست خوب عمل کند و نکرد. **یا حسرتنا**
 - 5- قیامت روز حسرت و افسوس خوردن است، اما حسرت ها در آن روز بی نتیجه است. **قالوا یا حسرتنا...و هم یحملون...**
 - 6- گناهان، در قیامت تجسم یافته و بر انسان بار می شوند. **یحملون**
- أوزارهم**
- 7- تکذیب یا فراموشی قیامت، سبب ارتکاب گناهانی است که در قیامت، وزر و وبال انسان می گردد. **كذبوا أوزارهم**

32- وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ

أَفَلَا تَعْقِلُونَ

ترجمه :

و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست و البته خانه ی آخرت، برای تقوا پیشگان بهتر است. آیا نمی اندیشید؟

نکته ها :

اگر دنیا مزرعه ی آخرت قرار نگیرد، بازیچه می شود و مردم مانند کودکانی که سرگرم به اسباب بازی هایی چون مال و مقام و مانند آن شده اند. مثل صحنه ی نمایش که یکی لباس شاه می پوشد، دیگری نقش نوکر را بازی می کند و سوومی وزیر می شود، ولی ساعتی بعد که همه ی لباسها و نقش ها کنار می رود، می فهمند که همه ی عناوین، خیالی بیش نبود.

خیر بودن آخرت به خاطر آن است که هم لذت هایش آمیخته به رنج نیست و هم زودگذر و موهوم و خیالی نیست.

با توجه به آیات دیگر قرآن، نباید این آیه را دعوت به رهبانیت و ترک دنیا دانست.

کلمه ی لعب به کاری گفته می شود که قصد صحیحی در آن نباشد و کلمه ی لهو به کاری گفته می شود که انسان را از کارهای مهم و اصلی باز دارد. (71)

شبهت دنیا به لهو و لعب از جهاتی است :

الف : دنیا مثل بازی، مدتتش کوتاه است.

ب : دنیا مثل بازی، تفریح و خستگی دارد و آمیخته ای از تلخی و شیرینی است.

ج : غافلان بی هدف، بازی را شغل خود قرار می دهند.

د: دنیاگرایی مثل بازی، انسان را از اهداف مهم باز می دارد.

پیام ها :

- 1 - دنیا محوری، فکری کودکانه و پوچ است. (لهو ولعب معمولاً کار کودکان است و سرگرم شدن به دنیا انسان را از آخرت باز می دارد) **لهو ولعب**
- 2- راه نجات از حسرت آخرت، فکر و تعقل است. **یا حسرتنا...أفلا تعقلون**
- 3- خردمند، فریب دنیا را نمی خورد. **وللدار الآخرة خیر...أفلا تعقلون**
- 4- بکار نگرستن اندیشه، زمینه توجه به دنیا و غفلت از آخرت است.

أفلا تعقلون

5- غفلت از آخرت، سبب توبیخ است. **أفلا تعقلون**

6- تعقل و تقوا، ملازم یکدیگرند. **یتقون أفلا تعقلون**

33- **قَدْ نَعَلِمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ**

الظَّالِمِينَ بَأْتِيَ اللَّهُ يَجْحَدُونَ

ترجمه :

البته ما می دانیم که آنچه می گویند، تو را اندوهناک می کند، (ولی غم مخور و بدان که) آنان (در واقع) تو را تکذیب نمی کنند، بلکه (این) ستمگران آیات خدا را انکار می کنند.

نکته ها :

در شأن نزول آیه آمده است که : دشمنان پیامبر ﷺ آن حضرت را امین و صادق می دانستند، ولی می گفتند: اگر او را تصدیق کنیم، قبیله و موقعیت ما تحقیر می شود. گاهی هم می گفتند: او صادق است ولی خیال می کند به او وحی شده، از این روی، این گونه آیات الهی را تکذیب می کردند.

امام صادق علیه السلام درباره ی لا یكذبونك فرمود: یعنی آنان نمی توانند گفتار و مدّعی تو را ابطال کنند. (72)

پیام ها :

- 1- رهبر نباید از تکذیب مخالفان محزون شود. به همین دلیل، خداوند پیامبرش را دلداری می دهد و حمایت می کند. **قد نعلم أنه لیحزنک**
- 2- خداوند به حالات درونی انسان آگاه است. **قد نعلم أنه لیحزنک**
- 3- تکذیب پیامبر، تکذیب خداست، همان گونه که بیعت با پیامبر، بیعت با خداوند است. **لا یكذبونك ولكن الظالمین بآیات الله یجحدون**
- 4- با توجه به مشکلات و تکذیب و جسارت های بزرگتر به دیگران، مشکل خود را آسان بدانیم. **لا یكذبونك... بآیات الله یجحدون**
- 5- مخالفان رسول خدا، با مکتب طرفند، نه با شخص. **لا یكذبونك... بآیات الله یجحدون**
- 6- تکذیب آیات الهی، هم ظلم به خود است، هم ظلم به رسول الله، هم ظلم به مکتب و هم ظلم به نسل های بعد. **ولكن الظالمین بآیات الله یجحدون**

34- وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا

حَتَّىٰ أَتَهُمُ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَ مِنَ نَّبَائِ الْمُرْسَلِينَ

ترجمه :

و همانا پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، لیکن در برابر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند صبر کردند، تا یاری ما به آنان رسید. (تو نیز چنین باش زیرا) برای کلمات (و سنت های) خداوند، تغییر دهنده ای نیست. قطعاً از اخبار پیامبران برای تو آمده است (و با تاریخ آنان آشنایی).

نکته ها :

کلمات، به معنای سنت های الهی است : ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین

انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون (73)

تاریخ، سرچشمه و منبعی پذیرفته شده برای شناخت حوادث است. از صبر انبیای پیشین و نابودی اقوامی چون قوم هود و صالح و لوط و... که تکذیب کردند، باید عبرت گرفت، سنت و برنامه الهی، فرستادن رسولان و آزادی مردم در انتخاب است. کافران را به کیفر می رساند و رسولان را در راه دعوت، امداد می کند.

در آیات متعددی از قرآن خداوند یاری و پیروزی رهبران و مؤمنان صابر

را بر خود لازم دانسته است از جمله :

كتب الله لاغلبنّ أنا و رسلى (74)

وكان حقّا علينا نصر المؤمنین (75)

أنا لننصر رسلنا (76)

ولینصرنّ الله من ینصره (77)

پیام ها :

- 1- راه حق، هیچگاه هموار نبوده و تحقق آرمان انبیا همراه با تحمل مشکلات بوده است. **فصبروا علی ما کذبوا**
- 2- یکی از بهترین اهرم های مقاومت در برابر شداید، بیان امدادهای الهی است. **فصبروا...حتی اتاهم نصرنا**
- 3- رهبران، انتظار اطاعت همه را نداشته باشند. **کذبوا**
- 4- شرط اصلی پیروزی، صبر است. **فصبروا...حتی اتاهم نصرنا** (خداوند به صابران، نوید پیروزی می دهد)
- 5- دشمنان از هیچ تلاشی علیه حق، کوتاهی نمی کنند، خواه تکذیب باشد و خواه آزار. **کذبوا، اوذوا**
- 6- صبر مستمر، زمینه ساز نزول نصرت و رحمت الهی است. **فصبروا...حتی اتاهم نصرنا**
- 7- حق، پیروز است. **اتاهم نصرنا**
- 8- سنت های الهی تغییر ناپذیر است و خداوند خلف وعده نمی کند. **لامبدل لکلمات الله**
- 9- هر کس باید نمونه های مشابه خود را در تاریخ بشناسد. خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: **ولقد جاك من نبا المرسلین**
- 10- از زحمات و رنج های پیشینیان باید یاد و قدردانی کرد. **ولقد جاك من نبا المرسلین**

35- وَإِنْ كَانَ كَبْرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلْمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بَأْيَةٌ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ

ترجمه :

و اگر اعراض و بی اعتنایی آنان (کافران) بر تو سنگین است (و می خواهی به هر وسیله آنان را به راه آوری، ببین) اگر بتوانی سوراخی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی، تا آیه ای (دیگر) برایشان بیاوری (پس بیاور ولی بدان که باز هم ایمان نخواهند آورد) و اگر خدا خواسته بود همه ی آنان را بر هدایت گرد می آورد (ولی سنت الهی بر هدایت اجباری نیست) پس هرگز از جاهلان مباش.

نکته ها :

در شأن نزول آیه آمده است : کفار به رسول خدا ﷺ می گفتند: ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد، مگر آنکه زمین را شکافته برایمان چشمه ای جاری سازی : **لَنْ نُوْمِنَ لَكَ حَتَّى تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا** (78) ، یا به آسمان روی : **أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ** (79) ، شاید آیه اشاره به نوع درخواست های نابجای آنان باشد که اگر زمین را بکاوی یا نردبان به آسمان بگذاری و خود را به آب و آتش بزنی سودی ندارد. در دعوت تو نقصی نیست، اینان لجوجند، پس برای ارشادشان این همه دلسوزی نکن.

پیام ها :

1 - پیامبر، برای هدایت مردم، دلسوز و نسبت به از اعراضشان غمگین بود.

و ان كان کبر علیک اعراضهم

2- پیامبر باید روحیات مخاطبان خود را بشناسد و بداند که گروهی از هر

معجزه ای که برایشان آورده شود روی گردانند. اعراضهم

3- پیامبر اکرم ﷺ می خواست به هر طریق مردم هدایت شوند، اما اشکال در روحیه ی لجوج کفار است که خداوند هشدار می دهد. **تبتغى نفقاً فى الارض او سلماً فى السماء**

4- خداوند می تواند همه را هدایت کند، ولی حکمت او اقتضا می کند که انسان آزاد باشد. **و لو شاء الله لجمعهم على الهدى**

5- ارضای خواسته های بهانه جوین و بی صبری مبلغان، جهل است. **فلا تكونن من الجاهلین** (ریشه ی بسیاری از توقعات نابجا، جهل است)

36- **إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ**

ترجمه :

تنها کسانی (دعوت تو را) می پذیرند که گوش شنوا دارند و (کافران که نمی گروند)، مردگانی هستند که روز قیامت خداوند آنان را برمی انگیزد و سپس همه به سوی او بازگردانده می شوند.

نکته ها :

قرآن، بارها با تعبیر مرده و کر، از ناباوران یاد کرده است. در آیه ی 80 سوره ی نمل و 52 سوره ی روم می خوانیم : **فَأَنك لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَى وَلَا تَسْمَعُ الصَّمِّ الدَّعَا إِذَا وُلِّوا مُدْبِرِينَ**

پیام ها :

- 1 - انسان در انتخاب راه، آزاد است. **أَنَّمَا يَسْتَجِيبُ...**
- 2- شنیدن و پذیرفتن حق، نشانه ی حیات معنوی و زنده دلی است. (آری کسی که حیات معنوی ندارد و حق پذیر نیست، مرده است. چون حیات به معنای خوردن و خوابیدن را حیوانات هم دارند.) **والموتى...**

3- دل های حَقَّو به عهده ی تو و کفار به عهده ی من، تا پس از رستاخیز
به حسابشان برسیم. **والموتی یبعثهم الله**

37- **وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ
يُنزِلَ آيَةً وَلَ كِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ**

ترجمه :

و گفتند: چرا بر او (محمد) معجزه ای (که ما می خواهیم) از سوی
پروردگارش نازل نشده ؟ بگو: بی تردید خداوند قادر است که نشانه و معجزه
ای (که می خواهید) بیاورد، ولی بیشتر (این بهانه جویان) نمی دانند.

نکته ها :

در شأن نزول آیه گفته اند: برخی از رؤسای قریش، دست به تبلیغات سوء
و جوسازی زده و از روی بهانه جویی به پیامبر اسلام می گفتند که تنها قرآن به
عنوان معجزه کافی نیست بلکه باید معجزاتی چون معجزات عیسی و موسی و
صالح و... بیاورد. (80)

البته پیامبری که یادآور معجزات انبیای پیشین است، حتما خودش هم می
تواند نظیر آنها را بیاورد، وگرنه مردم را به یاد آن معجزات نمی اندازد تا
تقاضای امثال آن را داشته باشند. به علاوه، طبق روایات شیعه و سنی، پیامبر
معجزات دیگری غیر از قرآن هم داشته است.

هدف از آوردن معجزه، اعلام رابطه خاص میان خدا و رسول، و نشان
قدرت بی انتهای الهی است، نه برآوردن تمایلات بی پایان مردم لجوج. البته
گاهی برای اتمام حجّت، معجزه ی درخواستی مردم را می آورده اند.

به شهادت تاریخ، معجزات پیاپی، سبب هدایت لجوجان نشده، بلکه موجب
قهر و عقاب الهی گشته است. قرآن می فرماید: اگر ما فرشتگان را بر مردم نازل

کنیم، یا مردگان با آنان سخن بگویند، باز گروهی از لجوجان ایمان نمی آوردند.
(81)

پیام ها :

1 - به بهانه جویی های مخالفان پاسخ دهید. **قالوا...قل**

2- خداوند قادر است، ولی حکیم هم می باشد و قدرتش آنگاه جلوه می

کند که کار و تقاضا حکیمانه باشد. **ان الله قادر...اکثرهم لا يعلمون**

38- **وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ**

مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

ترجمه :

و هیچ جنبنده ای در زمین و هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند، نیست مگر اینکه آنها هم اُمّت هایی چون شمایند. ما در این کتاب (قرآن یا لوح محفوظ) هیچ چیز را فرو گذار نکردیم، سپس همه نزد پروردگارشان گرد می آیند.

نکته ها :

قرآن توجه خاصی به زندگی حیوانات دارد و از یادآوری خلقت، شعور و صفات آنها در راه هدایت مردم استفاده می کند. **و فی خلقکم و ما بیث من دابّة آیات لقوم یوقنون** (82) در روایات و تجارب انسانی هم نمونه های فراوانی درباره ی شعور و درک حیوانات به چشم می خورد و برای یافتن شباهت ها و آشنایی با زندگی حیوانات، باید اندیشه و دقت داشت. (83) **امم امثالکم** مراد از کتاب در آیه، یا قرآن است یا لوح محفوظ که در واقع کتاب خلقت است.

در آیات دیگر هم تعبیراتی چون: **تبیانا لكل شیء** ⁽⁸⁴⁾، **كل في كتاب مبين** ⁽⁸⁵⁾ آمده که نشانه‌ی کامل بودن قرآن است.

امام باقر علیه السلام فرمود: نشان کمال قرآن این است که ریشه و سرچشمه‌ی همه سخنان رسول الله و ائمه علیهم السلام است، پس هر گاه حدیثی گفتیم، سند قرآنی آن را از ما بخواهید.

در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از قیل و قال و فساد مال و سوءالات پی در پی، نهی می‌کند. از امام باقر علیه السلام سند قرآنی آن را پرسیدند، فرمود: سند نهی از قیل و قال، آیه **لا خیر فی کثیر من نجواهم الا من امر بصدقه او معروف او اصلاح بین الناس** ⁽⁸⁶⁾ است. سند فساد مال، آیه **ولا تؤتوا السفهأ أموالکم الّتی جعل الله لکم قیاما** ⁽⁸⁷⁾ و سند سؤال نابجا این آیه است: **لا تسألوا عن أشیأ ان تبد لکم تسؤکم** ⁽⁸⁸⁾

شعور حیوانات

از آیات و روایات و تجارب برمی آید که شعور، ویژه انسان نیست. به نمونه‌هایی توجه کنید:

1- حضرت سلیمان همراه با سپاهیان از منطقه‌ای عبور می‌کردند، مورچه‌ای به سایر مورچگان گفت: فوری به خانه‌هایتان بروید، تا زیر پای ارتش سلیمان له نشوید. ⁽⁸⁹⁾ شناخت دشمن، جزو غریزه‌ی مورچه است، ولی اینکه نامش سلیمان و همراهانش ارتش اویند، این بالاتر از غریزه است.

2- هدهد در آسمان از شرک مردم زمینی مطلع شده و نزد سلیمان گزارش می‌دهد که مردم منطقه‌ی سبأ، خداپرست نیستند. آنگاه مأموریت ویژه‌ای می‌یابد. شناخت توحید و شرک و زشتی شرک و ضرورت گزارش به سلیمان پیامبر و مأموریت ویژه‌ی پیام رسانی، مسأله‌ای بالاتر از غریزه است. ⁽⁹⁰⁾

3- این که هدهد در جواب بازخواست حضرت سلیمان از علت غایب بودنش، عذری موجه و دلیلی مقبول می آورد، نشانه شعوری بالاتر از غریزه است. (91)

4- اینکه قرآن می گوید: همه موجودات، تسبیح گوی خدایند ولی شما نمی فهمید، (92) تسبیح تکوینی نیست، زیرا آن را ما می فهمیم، پس قرآن تسبیح دیگری را می گوید.

5- در آیات قرآن، سجده برای خدا، به همه موجودات نسبت داده شده است. *ولله يسجد ما في السموات و ما في الارض...* (93)

6- پرندگان در مانور حضرت سلیمان شرکت داشتند. *وحشر لسليمان جنوده من الجن و الانس و الطير* (94)

7- حرف زدن پرندگان با یکدیگر و افتخار سلیمان به اینکه خداوند، زبان پرندگان را به او آموخته است. *علّمنا منطق الطير* (95)

8- آیه ی *واذا الوحوش حُشِرَت* (96)، محشور شدن حیوانات را در قیامت مطرح می کند.

9- آیه ی *والطير صافات كلُّ قد علم صلاته و تسبيحه* (97)، نشانه ی شعور و عباد آگاهانه ی حیوانات است.

10- وجود وفا در برخی حیوانات، از جمله سگ نسبت به صاحبخانه وفرزندانش.

11- تعلیم سگ شکاری و سگ پلیس برای کشف قاچاق، یا خرید جنس، نشانه ی آگاهی خاص آن حیوان است.

12- اسلام از ذبح حیوان در برابر چشم حیوان دیگر، نهی کرده است که این نشانه ی شعور حیوان نسبت به ذبح و کشتن است.

پیام ها :

- 1- قدرت الهی در آفرینش و هدف داری خلقت، نسبت به همه ی موجودات یکسان است. **من دَابَّةٍ... وَلَا طَائِرٍ...**
 - 2- نظم و زندگی اجتماعی، مخصوص انسان ها نیست، بلکه در زندگی حیوانات هم مشاهده می شود. **أُمَمٌ أَمْثَالِكُمْ**
 - 3- انسان ها و حیوانات، همه نیاز به تدبیر الهی دارند. خداوند، طبق مصلحت به آنها شعور می دهد، و همه دارای نظم و نظامی هستند. **أُمَمٌ أَمْثَالِكُمْ**
 - 4- قرآن کریم، جامع ترین و کامل ترین کتاب آسمانی است. **مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ**
 - 5- آنچه سبب هدایت، تربیت و رشد انسان هاست، در قرآن آمده است. (قرآن در اثبات حقانیت پیامبر اسلام و هدایت مردم هیچ گونه کاستی ندارد) **مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ**
 - 6- در حق حیوانات هم ظلم یا کوتاهی نکنیم، آنها هم مثل ما حق حیات دارند. **(98) أُمَمٌ أَمْثَالِكُمْ**
 - 7- معاد و حشر، تنها مخصوص انسان ها نیست. **وَمَا مِنْ دَابَّةٍ... ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ**
يَحْشُرُونَ
 - 8- حرکت همه موجودات به سوی خداوند یک حرکت تکاملی و جلوه ای از ربوبیت الهی است. **إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَحْشُرُونَ**
- 39- **وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمْ وَبُكْمٌ فِي الظُّلْمِ مَنْ يَشَاءِ اللَّهُ يُضْلِلْهُ وَمَنْ يَشَاءِ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ**
- ترجمه :

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، کر و لال هایی هستند در تاریکی ها. خداوند، هر که را بخواهد (و مستحق باشد) گمراهش کند و هر که را بخواهد (و شایسته بداند) بر راه راست قرارش می دهد.

نکته ها :

گرچه هدایت و ضلالت به دست خداست، ولی خداوند برای انسان نیز اراده و اختیار قرار داده است و کار خدا بر اساس حکمت است. مثلاً جهادِ انسان در راه خدا، زمینه ی هدایت الهی نسبت به او است : **و الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا**⁽⁹⁹⁾ همان گونه که ستم به انسان ها سبب گمراهی است : **يُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ**⁽¹⁰⁰⁾ تکذیب آیات الهی سبب اراده خداوند به گمراه کردن انسان می شود.

كذَّبوا...يضلله

پیام ها :

- 1 - کفر و عناد، تاریکی و ظلمتی است که سبب محروم شدن انسان از بهره گیری از ابزار شناخت می شود. **كذَّبوا...صمَّ و بكمَّ في الظلمات**
- 2- تکذیب و کتمانِ حق، گنگی و نشنیدن حق، کفری است. **و الَّذِينَ كذَّبوا...صمَّ و بكمَّ**
- 3- نتیجه ی تکذیب آیات الهی، اضلال و قهر الهی است. **كذَّبوا...يضلله**
- 4- حرکت در راه مستقیم، گوش شنوا و زبان حقگو و روشنایی درون می خواهد. **يجعله على صراط مستقيم**

40- **قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ**

تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

ترجمه :

بگو: اگر راست می گویند چه خواهید کرد آنگاه که عذاب خدا در دنیا بیاید یا قیامت فرا رسد، آیا غیر خدا را می خوانید؟

نکته ها :

انسان در حال رفاه و زندگی عادی معمولاً غافل است، ولی هنگام برخورد با سختی ها پرده ی غفلت کنار رفته و فطرت خداجویی و یکتاپرستی انسان ظاهر می شود.

پیام ها :

1 - یکی از شیوه های تبلیغ و تربیت، پرسش از مخاطب است. **قل**
أرایتکم...

2- تجربه نشان می دهد که در همه ی انسان ها (گرچه به ظاهر کفر ورزند)، فطرت خداجویی هست و به هنگام حوادث در انسان جلوه می کند و پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مأمور است مردم را به این فطرت خفته توجه دهد. **قل أرایتکم...**

3- هنگام حوادث و سختی ها، پرده ها کنار رفته و انسان فقط به خدا توجه می کند و توجه نکردن به معبودهای دیگر، نشانه ی پوچی آنهاست. **أغیر الله تدعون**

41- **بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا**

تُشْرِكُونَ

ترجمه :

بلکه (در هنگامه های خطر) فقط او را می خوانید، پس اگر بخواهد آن رنجی که خدا را به خاطر آن می خوانید بر طرف می کند، و آنچه را برای خداوند شریک می پنداشتید (در روز قیامت) فراموش می کنید.

نکته ها :

برداشتن عذاب، یا برای اتمام حجّت است، یا به خاطر تغییر حالات قوم. چنانکه در آیه 98 سوره ی یونس می فرماید: **لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ** چون ایمان آوردند، عذاب خواری و ذلّت را از آنان برداشتیم.

پیام ها :

1 - همه معبودهای خیالی به هنگام برخورد انسان با حوادث فراموش می شوند. **بل ایّاه تدعون...و تتسوّون ما تشرکون** آنان نه تنها فراموش، بلکه انکار می شوند. چنانکه در آیه ی دیگر می خوانیم: **وَاللّٰهُ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ**⁽¹⁰¹⁾ مشرکان در قیامت با سوگند شرک خود را انکار می کنند.

2- دعای خالصانه، همراه استجاب است. **بل ایّاه تدعون فیکشف**

3- یأس از غیر خدا، سبب سرعت در استجاب دعا است. (حرف فاً در کلمه ی فیکشف)

4- استجاب دعا، در اراده و مشیّت حکیمانه ی خداوند است. **فکشف... ان شأ**

42- **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ**

و همانا به سوی امّت های پیش از تو (نیز پیامبرانی) فرستادیم، (و چون سربچی کردند) آنان را به تنگدستی و بیماری گرفتار کردیم. باشد که تضرّع کنند.

نکته ها :

بأساً به معنای جنگ، فقر، قحطی، سیل، زلزله و امراض مُسری و ضراً به معنای غم، غصّه، آبروریزی، جهل و ورشکستگی است.

حضرت علی علیه السلام فرمود: اگر هنگام ناگواری ها مردم صادقانه به درگاه خدا ناله کنند، مورد لطف خدا قرار می گیرند. ⁽¹⁰²⁾ مولوی در ترسیم این حقیقت می گوید:

پیش حقّ یک ناله از روی نیاز به که عمری در سجود و در نماز
زور را بگذار و زاری را بگیر رحم سوی زاری آید ای فقیر

پیام ها :

1 - بعثت انبیا در میان مردم، یکی از سنت های الهی در طول تاریخ بوده است. **لقد ارسلنا الی أمم من قبلک**

2- تاریخ گذشتگان، عبرت آیندگان است. **قبلک**

3- در تربیت و ارشاد، گاهی فشار و سخت گیری هم لازم است. **اخذناهم بالأسأ و الضراً**

4- مشکلات، راهی برای بیداری فطرت و توجه به خداوند است. **یتضرعون**

5- هر رفاهی لطف نیست و هر رنجی قهر نیست. **لعلهم یتضرعون**

6- همه ی افراد لجوج، با فشار و در تنگا و سختی قرار گرفتن هم رام نمی شوند. **لعلهم یتضرعون**

43- **فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**

ترجمه :

پس چرا هنگامی که ناگواری های ما به آنان رسید، توبه و زاری نکردند؟ آری (حقیقت آن است که) دل های آنان سنگ و سخت شده و شیطان کارهایی را که می کردند، برایشان زیبا جلوه داده است.

پیام ها :

- 1 - تضرع به درگاه خداوند، سبب رشد و قرب به او و ترک آن نشانه‌ی سنگدلی و فریفتگی است. **فلولا...تضرعوا**
- 2- انسان فطرتاً زیبایی را دوست دارد تا آنجا که شیطان نیز از همین غریزه، او را اغفال می‌کند. **زین لهم الشیطان**
- 3- برای لجوجان، نه تبلیغ مؤثر است، نه تنبیه. **قست قلوبهم**
- 4- ریشه‌ی غرور و ترک تضرع، مفتونشدن به تزیینات شیطانی است. **فلولا...تضرعوا...زین لهم الشیطان**

44- **فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ**
ترجمه :

پس چون اندرزهایی را که به آنان داده شده بود فراموش کردند، درهای هرگونه نعمت را به رویشان گشودیم (و در رفاه و مادیات غرق شدند) تا آنگاه که به آنچه داده شدند دلخوش کردند، ناگهان آنان را (به عقوبت) گرفتیم پس یکباره محزون و نومید گردیدند.

نکته ها :

مبلسون از ابلاس، به معنای حزن و اندوه همراه با یأس است. حالتی که مجرمان، هنگام پاسخ نیافتن در دادگاه پیدا می‌کنند. ⁽¹⁰³⁾
در دو آیه‌ی قبل فرمود: ما افرادی را گرفتار می‌کنیم تا تضرع کنند، در این آیه می‌فرماید: برخی در لحظه‌های گرفتاری هم خدا را فراموش می‌کنند. **نَسُوا ما ذُكِّرُوا...**

در قرآن می خوانیم: **و عسى أن تحبوا شيا وهو شرّ لكم**⁽¹⁰⁴⁾، چه بسا چیزی را دوست دارید، در حالی که برای شما شرّ است و حضرت علی عليه السلام می فرماید: اذا رأيت سبحانه يتابع عليك نعمه و أنت تعصيه فاحذره⁽¹⁰⁵⁾ (اگر دیدی خداوند نعمت هایش را بر تو مدام می دهد، ولی تو گناه می کنی، پس به هوش باش، چه بسا این لطفها عاقبت خوشی ندارد).

دنیا و بهره هایش، هم می تواند برای انسان نعمت باشد، هم نعمت. در آیه مورد بحث، دنیا نعمت به حساب آمده است. اما ایمان و تقوی، برکات آسمان و زمین را برای اهلش به دنبال دارد، چنانکه در آیه 96 سوره اعراف آمده است: **ولو أن أهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والأرض**، بنابراین غفلت، درهای خیر را بر روی انسان می بندد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: اذا رأيت الله يعطى على المعاصى فان ذلك استدراج منه، اگر مشاهده کردی که دنیا به کام گنهکاران است خوشحال مباش، زیرا این استدراج الهی و به تدریج هلاکت کردن اوست.⁽¹⁰⁶⁾ و آنگاه حضرت این آیه را تلاوت فرمودند.

امام باقر عليه السلام در تأویل آیه فرمودند: چون مردم ولایت علی بن ابی طالب 8 را ترک کردند و حال آنکه به آن امر شده بودند، فلما نسوا...، دولت آنان را در دنیا بسط دادیم، فتحنا عليهم... تا حضرت قائم عليه السلام قیام کند، حتی... أخذناهم بغتة.⁽¹⁰⁷⁾

پیام ها :

1 - همیشه رفاه زندگی، علامت رحمت نیست، گاهی زمینه ی عقوبت است.

نسوا فتحنا

2- مهلت دادن به مجرمان و سرگرم شدن خلافکاران، یکی از سنت های الهی است. **فَلَمَّا نَسُوا...فَتَحْنَا**

3- قهر خداوند بعد از اتمام حجّت است. **نَسُوا مَا ذُكِّرُوا...اخذناهم**

4- تنگناها و گشایش ها به دست خداست. **اخذنا...فتحننا**

5- مرگ و قهر الهی، ناگهانی می آید، پس باید همیشه آماده بود. **بغته**

6- شادی عیّاشان، ناگهان به ناله ی مأیوسانه تبدیل خواهد شد. **فرحوا**

مبلسون

45- **فَقَطَعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**

ترجمه :

پس ریشه ی گروه ستمکاران بریده شد و سپاس، مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است.

نکته ها :

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که دوست داشته باشد ظالم باقی باشد، در واقع دوست دارد که خداوند معصیت و نافرمانی شود، همانا خداوند خویشتن را به جهت هلاک کردن ظالمان ستوده است. **فقطّع...والحمد لله** (108)

پیام ها :

1 - ستم، ماندنی نیست. **قطع**

2- ظلم، در نسل هم مؤثر است. **دابر**

3- انقراض و نابودی ستمگران، حتمی است. (ظلم تمدّن ها را ریشه کن می

کند) **فقطّع دابر چنانکه در جای دیگر می فرماید: فهل تری لهم من باقیة** (109)

4- بی توجهی به هشدار انبیا ظلم است. **نَسُوا مَا ذُكِّرُوا...الذین ظلموا**

5- گاهی رفاه فراوان، زمینه ی ظلم است. فتحنا عليهم ابواب كل شی

ء...الذین ظلموا

6- در تاریخ اقوامی بوده اند که هیچ اثری از آنان نیست. فقطع دابر

7- نابود کردن ستمکار، کاری پسندیده است. والحمد لله

8- هنگام نابودی ستمگران، باید خدا را شکر کرد. فقطع...والحمد لله

9- هلاکت ظالمان، عامل تربیت دیگران است. رب العالمین

46- قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَرَكُمْ وَخَتَمَ عَلَي قُلُوبِكُمْ

مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انْظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ

ترجمه :

بگو: چه فکر می کنید، اگر خداوند، شنوایی و بینایی شما را بگیرد و بر دل های شما مهر بزند، جز خداوند، کدام معبودی است که آنها را به شما باز دهد؟ بین که ما چگونه آیات را به گونه های مختلف بیان می کنیم، اما آنان (به جای ایمان و تسلیم) روی بر می گردانند.

نکته ها :

از ابتدای سوره تا اینجا حدود ده بار خداوند با طرح سؤ ال، مخالفان را دعوت به تفکر کرده است. زیرا تفکر در نعمت ها و تصور و فرض تغییر و تحوّل آنها، زمینه ی خداشناسی است.

اگر درختان سبز نشوند، لو نشأ لجعلناه حطاما⁽¹¹⁰⁾

اگر آنها تلخ و شور شوند، لو نشأ جعلناه أجاجا⁽¹¹¹⁾

اگر آنها به زمین فرو روند، إِنْ أَصْبَحَ مَأْكُم غُورًا⁽¹¹²⁾

اگر شب یا روز، همیشگی باشد، إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُم اللَّيْلَ سَرْمَدًا...إِنْ جَعَلَ

اللَّهُ عَلَيْكُم النَّهَارَ سَرْمَدًا⁽¹¹³⁾

و اگر چشم و گوش و عقل انسان از کار بیفتد، **إِن اخذ الله سمعكم و ابصاركم و...** (114)

امام باقر علیه السلام فرمود: اگر خداوند هدایت شما را بگیرد، کیست که دوباره شما را هدایت کند؟ و سپس این آیه را تلاوت فرمود. (115)

پیام ها :

1 - یکی از روشهای تبلیغی و تربیتی قرآن، سؤال از وجدان هاست. **أرأيتم** ان اخذ الله...مَنْ اله

2- برای خداوند، پس گرفتن نعمت هایی که داده آسان است، پس بهوش باشیم. **أخذ الله سمعكم...**

3- هم آفرینش از آن خداوند است، هم کارآیی لحظه به لحظه ی آنها نعمت پروردگار است. **أخذ الله سمعكم**

4- گوش و چشم و عقل، ابزار شناخت انسان و از مهم ترین نعمت های الهی است. **سمعكم و ابصاركم...قلوبكم**

5- معبودهای خیالی، نه توان آفریدن و نه توان برگرداندن نعمت های از دست رفته را دارند **من اله غیر الله یأتیکم** (آری، کسی لایق پرسش است که هم بتواند نعمتی را بدهد و هم بتواند بازستاند)

6- با آن همه تنوع در استدلال، توجه مشرکان به غیر خداوند، شگفت آور است. **أنظر کیف...**

7- برای انسان های لجوج، هر نوع بیانی بی اثر است. **نُصِرَف الآیات ثم هم** یصدفون

47- قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَكُمُ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

ترجمه :

بگو: چه خواهید کرد اگر عذاب خداوند، به طور پنهان و ناگهانی یا آشکارا به سراغ شما آید، آیا جز گروه ستمگران هلاک خواهند شد؟

نکته ها :

شاید مراد از بغتة به هنگام خواب در شب و مراد از جهرة به هنگام کار در روز باشد. مثل آیه ی **أَتَاها أَمْرنا لَيْلا أَوْ نهارا** (116). شاید مراد از بغتة، عذاب های بی مقدمه باشد و مقصود از جهرة، عذاب هایی که آثارش از روز اول آشکار شود، مثل ابرهای خطرناک که بر سر قوم عاد فرود آمد. چنانکه در جای دیگر می خوانیم: **قالوا هذا عارض ممطرنا بل هو ما استعجلتم به ريح فيها عذاب أليم** (117)

سؤال: این آیه می گوید: تنها ظالمین از عذاب الهی هلاک می شوند، در آیه ای دیگر **و اتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة** (118) فراگیری فتنه و شعله های عذاب نسبت به همه بیان شده و هشدار داده شده است، چگونه مفهوم این دو آیه قابل جمع است؟

پاسخ: در تفسیر کبیر فخررازی و مجمع البیان آمده است: هر فتنه ای هلاک نیست. در حوادث تلخ، آنچه به ظالمان می رسد هلاکت و قهر است، و آنچه به مؤمنان می رسد، آزمایش و رشد است.

پیام ها :

1 - پیامبر برای بیداری وجدان ها، مأمور به سؤال و پرسش از آنان است.

قل أرايتكم

2- از سرکشی خود و مهلت الهی مغرور نشوید، شاید عذاب خدا ناگهانی فرارسد. **بغتة**

3- وقتی عذاب خدا آید، هلاکت قطعی است، نه خودشان و نه دیگران قدرت دفاع ندارند. **عذاب الله یهلک**

4- کیفرهای الهی، به خاطر ظلم مردم و عادلانه است. **یهلک...الظالمون**

5- اعراض از دعوت انبیا، ظلم است. **هم یصدفون الظالمون**

48- **وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ ءَامَنَ وَ أَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ**

ترجمه :

و ما پیامبران را جز به عنوان بشارت دهنده و بیم دهنده نمی فرستیم، پس کسانی که ایمان آورند و (کار خود را) اصلاح کنند، پس بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی شوند.

49- وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، عذاب الهی به خاطر فسق و گناهشان، دامنگیر آنان می شود.

نکته ها :

سؤال : با اینکه در آیات متعددی نسبت به اولیای الهی آمده است که ترسی بر آنان نیست، **لا خوف علیهم** پس چرا از ویژگی های اولیای الهی، بیم از خدا مطرح شده است، **أنا نخاف من ربنا...؟**

پاسخ : اولاً گاهی بیمار، از عمل جراحی و مداوا می ترسد، ولی پزشک به او اطمینان می دهد که جای نگرانی و ترس نیست. جای نگرانی نبودن، منافاتی با دلهره ی خود بیمار ندارد.

ثانیاً: معنای لاخوف علیهم آن است که ترس بر آنان حاکم نمی شود. (حرف علی به معنای استعلا و غلبه است) نه اینکه اصلاً ترسی ندارند و یحزنون یعنی اندوه دائم ندارند (فعل مضارع رمز تداوم است) نه اینکه برای لحظه ای هم نگران نیستند.

پیام ها :

1 - محدوده ی کار انبیا را تنها خدا تعیین می کند. **و ما نرسل... الاّ مبشّرين...**

2- مسؤولیت انبیا، بشارت و هشدار است، نه اجبار مردم. **الاّ مبشّرين و منذرين**

3- شیوه ی کلی کار انبیا، یکسان بوده است. **مبشّرين و منذرين**

4- ارشاد و تربیت، بر دو پایه ی بیم و امید و کیفر و پاداش استوار است.

مبشّرين و منذرين

5- ایمان و عمل صالح، جدای از هم نیستند و عمل منهای ایمان هم کارساز نیست. **آمن و اصلح**

6- کارهای مؤمن، همیشه باید در جهت اصلاح باشد. **آمن و اصلح**

7- صالح بودن کافی نیست، مصلح بودن لازم است. **أصلح**

8- ایمان و عمل، انسان را از بیماری های روحی چون ترس و اندوه بیمه می کند. **آمن و اصلح فلاخوف علیهم ولاهم یحزنون** (بهداشت روان، در سایه ی ایمان و عمل صالح است)

9- دستاورد جامعه ی نبوی، نظامی متعادل و آرام و با امنیّت است. **فمن آمن و اصلح فلاخوف...**

10- انسان فطرتاً خواهان آرامش و امنیّت است. **فلا خوف علیهم ولاهم یحزنون**

11- مداومت بر فسق، زمینه ساز عذاب الهی است. **یمسّهم العذاب بما كانوا یفسقون**

50- **قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ**

ترجمه :

(ای پیامبر! به مردم) بگو: من ادّعا نمی کنم که گنجینه های خداوند نزد من است و من غیب هم نمی دانم و ادّعا نمی کنم که من فرشته ام، من جز آنچه را به من وحی می شود پیروی نمی کنم. بگو: آیا نابینا و بینا برابرند؟ آیا نمی اندیشید؟

نکته ها :

گویا مردم بی ایمان خیال می کردند کسی می تواند پیامبر باشد که خزائن الهی در اختیارش باشد، یا انتظار داشتند تمام کارهای خود را از مسیر علم غیب حل کند، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در این آیه مأمور می شود با صراحت جلوی توقعات نابجا و پندارهای غلط آنان را بگیرد و محدوده ی وظائف خود را بیان کند و بگوید: معجزات من نیز در چهارچوب وحی الهی است، نه تمایلات شما و بدانید که هر کجا به من وحی شد معجزه ارائه خواهم داد، نه هر کجا و هرچه شما هوس کنید.

در این آیه، غیب دانستن پیامبر به صورت مستقل نفی شده، ولی گاهی آگاهی هایی از غیب به پیامبر عطا شده است. خداوند بارها درباره ی تاریخ حضرت یوسف و مریم و نوح و... به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: **ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ** این قصه ها، اطلاعات غیبی است که به تو می دهیم. در آخر سوره ی جن هم فرموده است: خداوند علم غیب دارد و آن را جز به اولیای خویش عطا نمی کند. پس علم غیب مخصوص خداست و اگر بخواهد گوشه ای از آن را در اختیار اولیای خود قرار می دهد.

برخورد همه ی انبیا با مردم یکسان بوده است. همین سخنان را حضرت نوح هم به مردم خود می گفت. ⁽¹¹⁹⁾

پیام ها :

1 - صداقت انبیا، تا آنجاست که اگر فاقد قدرتی باشند، به مردم اعلام می کنند. **قُلْ لَا أَقُولُ**

2- از کارهای انبیا، مبارزه با خرافه گرایی و شخصیت سازی کاذب است.

لَا أَقُولُ... لَا أَعْلَمُ

- 3- از پیامبران، توقعات بیجا نداشته باشید. **لا اقول لكم عندي خزائن الله**
- 4- زندگی، اهداف و شیوه ی کار رهبر باید صریح و روشن برای مردم بیان شود. **قل لا اقول...**
- 5- نگذارید مردم، شمارا بیش از آنچه هستید بپندارند. (شخصیت ها اگر القاب کاذب را از خود نفی کنند، جلوی غلوه‌ها و انحرافات گرفته می شود). **لا اقول لكم عندي خزائن الله...**
- 6- انبیا، با پول و تهدید و تطمیع کار نمی کردند، تا دیگران از روی ترس و طمع، دور آنان جمع نشوند و خیال نکنند که اگر با پیامبر باشند، از علم غیب یا خزانه ی الهی مشکلاتشان حل خواهد شد. **قل لا اقول...**
- 7- پیامبر برای زندگی شخصی یا اداره ی حکومت، همچون دیگران از مسیر عادی اقدام می کند و از علم غیب و خزانه ی الهی استفاده شخصی نمی کند، گرچه برای اثبات نبوت لازم است استفاده کند. **لا اعلم الغیب**
- 8- گرچه پیامبر خزائن الهی و علم غیب ندارد، ولی چون به او وحی می شود باید از او پیروی کرد. **یوحی الیّ**
- 9- کار پیامبر، نه بر اساس خیال و سلیقه است، نه بر اساس تمایلات اجتماعی یا محیط زندگی، بلکه تنها براساس پیروی از وحی است. **ان اتبع الاّ ما یوحی الیّ**
- 10- رفتار و گفتار پیامبران، برای ما حجّت است، چون بر مبنای وحی است. **ان اتبع الاّ ما یوحی الیّ**
- 11- پیروی از انبیا، بصیرت و اعراض از آنان، ناپینایی است. **قل هل یتسوی الاعمی و البصیر**

12- فکر صحیح، انسان را به پیروی از انبیا وامی دارد و بهانه ها و توقعات را کنار می گذارد. **أفلا تتفكرون**

51- وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مَن دُونَهُ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَّهُمْ لَئِنَّمَا يَتَّقُونَ

ترجمه :

و به وسیله ی آن (قرآن) کسانی را که از محشور شدن نزد پروردگارشان بیم دارند هشدار ده (زیرا) غیر از خداوند، برای آنان یاور و شفیع نیست، شاید که پروا نمایند.

نکته ها :

در قرآن بارها خداوند به پیامبر ﷺ فرموده است که هشدار تو تنها در دل خداترسان اثر می کند، مثل : **أِنَّمَا تَنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ** (120) و **أِنَّمَا تَنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ** (121)

پیام ها :

1 - آمادگی افراد، شرط تأثیر گذاری هدایت انبیا است. **الَّذِينَ يَخَافُونَ**

2- عقیده به معاد، کلید تقوی است. **يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا...لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ**

52- وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ

ترجمه :

و کسانی را که بامداد و شامگاه پروردگارشان را می خوانند، در حالی که رضای او را می طلبند، از خود مران. چیزی از حساب آنان بر عهده ی تو

نیست، و از حساب تو نیز چیزی بر عهده آنان نیست که طردشان کنی و در نتیجه از ستمگران شوی.

نکته ها :

در شأن نزول این آیه آمده است جمعی از کفار پولدار، چون دیدند فقیرانی مانند عمار و بلال و خباب و... دور پیامبر را گرفته اند، پیشنهاد کردند که آن حضرت، اینان را طرد کند تا آنان گرد او جمع آیند. به نقل تفسیر المنار خلیفه ی دوّم گفت : به عنوان آزمایش، طرح را بپذیریم، آیه ی فوق نازل شد. مشابه این مطلب در سوره ی کهف، آیه 28 نیز آمده است.

در تفسیر قرطبی آمده است : پیامبر خدا ﷺ پس از نزول این آیه، از مجلس فقرا بر نمی خاست تا آنکه اول فقیران برخیزند.

منظور از خواندن خدا در صبح و شب، ممکن است نمازهای روزانه باشد.

(122)

پیام ها :

- 1 - حفظ نیروهای مخلص و فقیر و مجاهد، مهم تر از جذب سرمایه داران کافر است. **لا تطرد**
- 2- هدف، وسیله را توجیه نمی کند. برای جذب سران کفر، نباید به مسلمانان موجود اهانت کرد. **لا تطرد**
- 3- اسلام، مکتب مبارزه با تبعیض، نژاد پرستی، امتیاز طلبی و باج خواهی است. (با توجه به شأن نزول)
- 4- اغلب طرفداران انبیا، پابرهنگان بوده اند. (با توجه به شأن نزول)
- 5- بهانه گیران، اگر از رهبر و مکتب نتوانند عیب بگیرند، از پیروان و وضع اقتصادی آنان عیب جویی می کنند. (با توجه به شأن نزول)

6- هیچ امتیازی با ایمان برابری نمی کند. **پریدون وجهه**

7- میزان، حال فعلی اشخاص است. اگر مؤ منان فقیر، خلاف قبلی داشته

باشند، حسابشان با خداست. **ما علیک من حسابهم من شیء**

8- حساب همه با خداست، حتی رسول اکرم نیز مسئول انتخاب و عمل

دیگران نیست، **ما علیک من حسابهم من شیء** و خود نیز حساب و کتاب دارد.

و ما من حسابک علیهم من شیء

9- طرد پابرهنگان و محرومان مخلص، ظلم است. **فتکون من الظالمین**

53- **وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِّن**

بَيْنَنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ

ترجمه :

و این گونه بعضی از مردم را به وسیله ی بعضی دیگر آزمایش کردیم، تا (از

روی استهزا) بگویند: آیا اینانند آنها که خداوند، از میان ما بر آنها منت نهاده

است ؟ آیا خداوند به حال شاکران داناتر نیست ؟

نکته ها :

بارها قرآن، بلند پروازی و پر توقعی سرمایه داران را مطرح و محکوم کرده

است. آنان توقع داشتند وحی و قرآن بر آنان نازل شود، از جمله : **أَلُفِي الذِّكْرِ**

علیه من بیننا (123) آیا در میان ما وحی بر او نازل شد؟! **لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنَ عَلٰی**

رجل من القریتین عظیم (124) چرا وحی بر مرد بزرگی از آن دو قریه نازل نشد؟!

مؤ من واقعی، شاکر نعمت ایمان است. شخصی نزد امام کاظم علیه السلام از فقر

خود شکایت کرد. حضرت فرمود: غنی ترین افراد به نظر تو کیست ؟ گفت :

هارون الرشید. پرسید: آیا حاضری ایمان خود را بدهی و ثروت او را بگیری ؟

گفت : نه. فرمود: پس تو غنی تری، چون چیزی داری که حاضر به مبادله با ثروت او نیستی. (125)

پیام ها :

- 1 - تفاوت های اجتماعی، گاهی وسیله ی آزمایش و شکوفا شدن خصلت ها و رشد آنهاست. اغنیا، با فقرا آزمایش می شوند. **فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ**
- 2- اغنیا، فقرا را تحقیر می کنند و خود را ارزشمند می پندارند. **أَهْوَأُ...مَنْ**

بیننا

- 3- فقرای با ایمان، برگزیدگان خدایند. **مَنْ اللَّهُ عَلَيْهِم**
- 4- پاسخ توهین های کافران، با نوازش و مهر الهی به مؤمنان داده می شود. **أَهْوَأُ لَأ...أَعْلَمُ بِالشَّاكِرِينَ**

- 5- منت الهی بر فقیران، نتیجه ی شکر آنان است. **مَنْ اللَّهُ...بِالشَّاكِرِينَ**
- 6- خداوند طبق حکمتش عمل می کند، نه توقع مردم. **أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمُ**

بِالشَّاكِرِينَ

- 7- انبیا، نمونه بارز شاکرین هستند. **بِالشَّاكِرِينَ** (فقرایی هم که هدایت انبیا را پذیرفته اند، شاکر نعمت هدایت هستند.) **اعلم بالشَّاكِرِينَ**

54- **وَإِذَا جَاءَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَّمَ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ**

ترجمه :

و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند، پس بگو: سلام بر شما! پروردگارتان بر خودش رحمت را مقرر کرده است که هر کس از شما از

روی نادانی کار بدی انجام دهد و پس از آن توبه کند و خود را اصلاح نماید، پس قطعاً خداوند، آمرزنده و مهربان است.

55- وَكَذَلِكَ نَفَصَّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلَ الْمُجْرِمِينَ

و ما بدین گونه آیات را (برای مردم) به روشنی بیان می کنیم، (تا حق آشکار) و راه و رسم گناهکاران روشن شود.

نکته ها :

در شأن نزول آیه آمده است، جمعی گنهکار، خدمت پیامبر آمده و گفتند: ما خلاف های زیادی کرده ایم. حضرت ساکت شد. این آیه نازل شد.

در این سوره، خداوند دوبار جمله: **كتب على نفسه الرحمة** گفته است، یکی برای دلگرم کردن مؤمنان در همین دنیا (همین آیه)، یکی هم در آیه 12 که برای معاد است. **كتب على نفسه الرحمة ليجمعنكم**

جهالت، گاهی در برابر علم است و گاهی در برابر عقل، و در آیه 54 در برابر عقل است.

یعنی از روی جهل و بی خردی به گناه کشیده شده اند، نه آنکه نمی دانستند.

پیام ها :

1 - ایمان زائر پیامبر خدا، از شرایط دریافت لطف الهی است. **و اذا جاك الذين يؤمنون بآياتنا فقل...**

2- زیارت پیامبر، راه دریافت لطف خداست. **جاك... فقل سلام عليكم كتب**

3- رابطه ی رهبر و مردم، بر پایه ی انس و محبت است. **اذا جاك... فقل**

سلام عليكم

4- بهترین عبارت تحیت، سلام علیکم است. **فقل سلام عليكم**

5- تحقیر شدن مؤ منان را جبران کنید. (در آیه ی 53 متکبران با لحن تحقیر آمیزی می گفتند: أهو لأ... ولی در آیه 54 خداوند آن تحقیر را جبران می کند و به پیامبرش دستور سلام کردن به مؤ منان را صادر می کند.) **فقل سلام علیکم**

6- سلام، شعار اسلام است. بزرگ نیز به کوچک، سلام می کند. **فقل سلام علیکم**

7- مربی و مبلغ، باید با برخوردی محبت آمیز با مردم، به آنان شخصیت دهد. **سلام علیکم**

8- اگر گناه از روی لجاجت و استکبار نباشد، قابل بخشش است. (جهالت، عذری قابل قبول برای بخشش و گذشت از خطاکاران است.) **من عمل منکم سوءً بجهالة**

9- خداوند، رحمت را بر خویش واجب کرده، ولی شرط دریافت آن، عذرخواهی و توبه است. **کتب...ثمّ تاب**

10- توبه، تنها یک لفظ نیست، تصمیم و اصلاح هم می خواهد. **تاب و أصلح**

11- توبه ی مؤ من حتما پذیرفته می شود، **عمل منکم** آغاز توبه، بعد از گناه است. **من بعده**

12- عفو الهی همراه با رحمت است. **غفور رحیم** (گناهکار نباید مأیوس شود)

13- روشنگری نسبت به سیمای مجرمان و راه خطاکاران و اهل توطئه، از اهداف مکتب است. **لتستبین سبیل المجرمین**

56- قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَأَتَّبِعُ
أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

ترجمه :

بگو: من از پرستش آنها که به جای خدا می خوانید نهی شده ام. بگو: من از
هوسهای شما پیروی نمی کنم، که در این صورت گمراه شده و از هدایت
یافتگان نخواهم بود.

پیام ها :

1 - در پاسخ به تمایلات نابجای مشرکین مبنی بر پذیرش بت ها و روش
آنان، باید با صراحت جواب نفی داد. **نُهَيْتُ، لَا أَتَّبِعُ، ضَلَلْتُ** (آری شرک، در هیچ
قالبی مجاز نیست)

2- برخورد و موضع گیری های پیامبر ﷺ، از وحی سرچشمه می گیرد.

قل، قل

3- براءت از شرک، جزو اسلام است. **نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ**

اللَّهِ

4- ریشه ی شرک، هواپرستی است. **لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ**

5- مبلّغ، نباید در پی ارضای هوسهای مردم باشد. **لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ**

6- هواپرستی، زمینه ی هدایت را در انسان از بین می برد. **لَا أَتَّبِعُ**

اهوائکم...ما أنا من المهتدين

57- قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ
بِهِ إِن الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَصْلِينَ

ترجمه :

بگو: همانا من از طرف پروردگارم بر دلیل آشکاری هستم، ولی شما آن را دروغ پنداشتید. آنچه را شما (از عذاب الهی) با شتاب می طلبید به دست من نیست فرمان جز به دست خدا نیست که حق را بیان می کند و او بهترین (داور و) جدا کننده ی حق از باطل است.

نکته ها :

بینة از کلمه ی بینونة (جدایی)، به دلیلی گفته می شود که به طور کامل و روشن، حق و باطل را از هم جدا می کند. دلائل و معجزات پیامبران، نه ثقیل بود نه مبهم، همه می فهمیدند و اگر لجاجت نمی کردند، از جان و دل می پذیرفتند، به همین خاطر پیامبران خود را دارای بینة معرفی می کردند.

کفار می گفتند: اگر راست می گویی، چرا قهر خدا بر ما نازل نمی شود؟ **تستعجلون** به نظیر آیه ای که می گفتند: اگر این مطلب راست است، خدایا بر ما سنگ بباران، **فامطر علینا حجارة من السماء**⁽¹²⁶⁾ استعجال و عذاب خواهی در اقوام دیگر هم بوده و به حضرت هود و صالح و نوح هم می گفتند: اگر راست می گویی عذاب موعود را سریعاً برای ما بیاور. **فَاتِنَا بِمَا تَعِدُنَا**⁽¹²⁷⁾

پیام ها :

- 1 - دعوت انبیا بر اساس بینة است، نه خیال و تقلید کورکورانه **علی بینة**
- 2- اعطای بینة به پیامبر، پرتوی از ربوبیت خداوند است. **بینة من ربی**
- 3- انبیا باید بینة ی الهی داشته باشند، نه آنکه طبق تقاضای روزمره ی مردم کار کنند. **بینة من ربی** (قرآن، بینة و دلیل روشن و گواه حقانیت پیامبر ﷺ است)
- 4- پیامبر اسلام بر قرآن که بینة ی اوست، احاطه ی کامل دارند. (علی بینة به معنای استعلا و احاطه بر مفاهیم قرآن است)

- 5- کافران، بیّنه ی پیامبر را تکذیب می کنند، ولی انتظار دارند او از هواهای نفسانی آنان پیروی کند. لا اتبع اهوائکم کذبتم به
- 6- با بهانه جویان، صریح حرف بزید. ما عندی
- 7- پیامبر، تنها فرستاده ای همراه با منطق و بیّنه است و نظام هستی به دست خداست. (با تقاضای نزول سریع قهر الهی از پیامبر، قلع و قمع خود یا نابودی هستی را نخواهید). ما تستعجلون به
- 8- آیه، هم تهدید کافران است، هم دلداری پیامبر. و هو خیر الفاصلین

58- قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ

ترجمه :

بگو: اگر آنچه که درباره آن شتاب می کنید نزد من بود (و به درخواست شما عذاب نازل می کردم)، قطعاً کار میان من و شما پایان گرفته بود، ولی خداوند به حال ستمگران آگاه تر است (و به موقع مجازات می کند).

پیام ها :

- 1 - عجله ی مردم، حکمت خدا را تغییر نمی دهد. تستعجلون...والله اعلم
- 2- کیفرها به دست خداوند است، اما اگر او به درخواست کفار در عذاب خود عجله کند، هیچ کس باقی نمی ماند. لقضی الامر چنانکه در آیه 11 سوره ی یونس آمده است : ولو يُعجل الله للناس الشر استعجالهم بالخیر لقضی اليهم أجلهم

- 3- خدا طبق حکمت و سنت خود، به ظالمان مهلت می دهد. قل لو ان عندی ما تستعجلون به لقضی...والله اعلم بالظالمین

4- تأخیر در قهر و عذاب الهی سبب نشود که کافران خیال کنند کفرشان از

یاد رفته است. **والله اعلم بالظالمین**

5- اعراض از ایمان و عجله در عذاب، ظلم است. **بالظالمین**

59- وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَ
مَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا
يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ
ترجمه :

و گنجینه های غیب، تنها نزد خداست و جز او کسی آن را نمی داند و آنچه
را در خشکی و دریاست می داند، و هیچ برگی از درخت نمی افتد جز آنکه او
می داند و هیچ دانه ای در تاریکی های زمین و هیچ تر و خشکی نیست، مگر
آنکه (علم آن) در کتاب مبین ثبت است.

نکته ها :

مفاتیح، یا جمع مِفَاتِحَ به معنای گنجینه و خزانه است، یا جمع مِفَاتِحَ به معنای
کلید است، ولی معنای اوّل مناسب تر است. (128)

کلمه ی تر و خشک، کنایه از همه ی چیزهایی است که مقابل همنند، مثل
مرگ و حیات، سلامتی و مرض، فقر و غنا، نیک و بد، مجرد و مادی. این
مطلب در آیه ی **و كل شیء أحصیناه فی امام مبین** (129) نیز بیان شده است.

شاید مراد از سقوط برگ ها، حرکات نزولی و مراد از دانه های در حال
رشد زیر زمین، حرکات صعودی باشد. (130)

پیام ها :

1 - دلیل آنکه عذاب عجلولانہ ای که کفار تقاضا می کنند فرا نمی رسد، علم خداوند به اسرار هستی است. **ما تستعجلون... و عنده مفاتيح الغيب**

2- احکام الهی بر اساس آگاهی او بر غیب و شهود است. **إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ**

3- دامنه ی علم غیب، گسترده تر از علوم عادی است. (زیرا قرآن درباره آن تعبیر انحصاری دارد). **لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ**

4- بر خلاف کسانی که می گویند خداوند تنها به کلیات علم دارد، خداوند به همه چیز دانا و از همه ی جزئیات هستی آگاه است. پس باید مواظب اعمال خود باشیم. **لَا تَسْقُطُ مِنْ وَرْقَةٍ...**

5- جز خداوند، هیچکس از پیش خود علم غیب ندارد. **و عنده مفاتيح الغيب لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ**

6- در جهان، مرکزیتی برای اطلاعات وجود دارد. **فی کتاب مبین**

7- نظام هستی، طبق برنامه ی پیش بینی شده ای طراحی شده است. **کتاب مبین**

60- **وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ**

ترجمه :

و او کسی است که (روح) شمارا در شب (به هنگام خواب) می گیرد و آنچه را در روز انجام می دهید می داند، سپس شما را از خواب برمی انگیزد تا مدت معین (عمر شما) سپری شود. عاقبت بازگشت شما به سوی اوست پس شما را به آنچه انجام می دهید خبر می دهد.

نکته ها :

جَرَحْتُمْ از جارحة به معنای عضو است، عضوی که با آن کار و کسب می شود و سپس به خودِ کار و عمل گفته شده است.

با اینکه خداوند به هنگام خواب روح انسان را می گیرد، ولی می فرماید: ما شما را می گیریم، پس معلوم می شود روح انسان تمام حقیقت اوست.

پیام ها :

1 - خواب، یک مرگ موقتی است و هر بیداری نوعی رستاخیز. **یتوفاکم**،

یبعثکم

2- قانون طبیعی آن است که شب برای خواب و روز برای کار باشد. **یتوفاکم**

باللیل، جرحتم بالنهار

3- هر روز عمر، یک فرصت و بعثت جدید است. **یبعثکم**

4- زندگی ما، تاریخ و برنامه و مدت معین دارد. **أجل مسمی**

5- خود را برای پاسخگویی قیامت آماده کنیم. **الیه مرجعکم**

6- خداوند با اینکه کار بد ما را می داند ولی باز هم به ما مهلت داده و روح

گرفته را به بدن برمی گرداند. **یعلم ما جرحتم بالنهار ثم یبعثکم**

7- قیامت، روز روشن شدن حقیقت اعمال است. **ینبئکم بما کنتم تعملون**

61- **وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ**

الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ

ترجمه :

وتنها اوست که قهر و اقتدارش مافوق بندگان است و نگهبانانی بر شما می فرستد، تا آنکه چون مرگ یکی از شما فرا رسد، فرستادگان ما (فرشتگان) جان او را بازگیرند و در کار خود، هیچ کوتاهی نکنند.

نکته ها :

گرفتن روح در شب و برگرداندن آن در روز یکی از نمونه های قاهر بودن خدا بر انسان است.

مسأله ی قبض روح، در قرآن هم به خداوند نسبت داده شده **اللّٰه یتوفّی الانفس**، هم به ملک الموت و هم به فرشتگان. این اختلاف تعبیر شاید به خاطر آن باشد که جان افراد عادی را فرشتگان می گیرند و جان افراد برجسته را ملک الموت که فرشته برتری است و جان اولیای خدا را ذات مقدّس او می گیرد.

و شاید به این دلیل باشد که ابتدا فرشتگان، روح مردم را می گیرند و سپس تحویل ملک الموت می دهند و آنگاه ملک الموت (عزرائیل) روح های گرفته شده را به خداوند تحویل می دهد و به همین دلیل گرفتن روح مردم هم کار فرشتگان و هم کار ملک الموت و هم کار خداوند به شمار می رود.

ممکن است مراد از فرشتگان محافظ، آنان باشند که مراقب و نگهدار انسان از حوادثند، **(131) له معقبات من بین یدیه و من خلفه یحفظونه من امراللّٰه (132)** و ممکن است مراد از حفظه، فرشتگانی باشند که مأمور ثبت و ضبط اعمال انسانند. **رسلنا لدیهم یکتبون (133)**

ایمان به مراقبت فرشتگان از انسان، عامل شکر از خداست، همان گونه که ایمان به ثبت اعمال توسط فرشتگان عامل حیا و تقواست.

پیام ها :

1 - خداوند، قدرت و سلطه ی کامل دارد و اگر ما را آزاد گذاشته، به خاطر مهلتی است که از روی لطف اوست. **و هو القاهر...**

2- تسلط خدا بر بندگان چنان است که کسی را تاب مقاومت نیست. و هو

القاهر فوق عباده

3- در دستگاه آفرینش، انواع مراقبت ها وجود دارد. حفظه

4- فرستادن فرشتگان محافظ، دائمی است. **یرسل** (فعل مضارع نشانه ی

دوام و استمرار است)

5- هر دسته از فرشتگان، مأموریت خاصی دارند. **حفظه توفته**

6- برای قبض روح یک نفر چند فرشته حاضر می شوند. **اذا جا احدکم**

الموت توفته رسلنا

7- فرشتگان در انجام مأموریت، سهل انگاری ندارند و معصومند. **لا یفرطون**

چنانکه در آیه دیگر آمده است: **لا یعصون الله ما امرهم** (134)

62- **ثُمَّ رُدُّوْا۟ اِلَی اللّٰهِ مَوْلٰهُمُ الْحَقِّۙ اِلَّا لَهٗ الْحُكْمُ وَّ هُوَ اَسْرَعُ**

الْحَسِبِیْنَ

ترجمه :

سپس مردم به سوی خداوند، مولای حقشان بازگردانده می شوند، آگاه باشید که دادرسی و داوری تنها از آن خداوند است و او سریع ترین حسابرسان است.

نکته ها :

در روایات آمده است که خداوند، حساب بندگان را به اندازه ی دوشیدن

شیر یک گوسفند و در زمانی بسیار کوتاه، انجام می دهد. (135)

از امام علی علیه السلام سؤال شد: **کیف یحاسبُ الله الخلقَ علی کثرتهم؟** فقال :

کما یرزقهم علی کثرتهم. فقیل: **کیف یحاسبهم و لایرونه؟** فقال: **کما یرزقهم و**

لایرونه (136) چگونه خداوند با وجود مخلوقین زیاد به حساب آنان رسیدگی می

کند؟ حضرت فرمودند: همان گونه که آنان را روزی می دهد. سؤال شد: چگونه

حسابرسی می کند در حالی که او را نمی بینند؟ فرمودند: همان گونه که روزی شان می دهد، ولی او را نمی بینند.

سؤال : با این همه آیات و روایات بر حسابرسی سریع الهی، پس طولانی بودن روز قیامت برای چیست ؟

پاسخ : بلندی روز قیامت، نوعی عقوبت است، نه به خاطر فشار کار و ناتوانی از محاسبه ی سریع. ⁽¹³⁷⁾ (بشر که مخلوق الهی است، در دنیای امروز به وسیله ی کامپیوتر، در کمتر از یک دقیقه بزرگ ترین محاسبات را انجام داده و مثلا انبارها و کالاهای آن و امور مالی مربوط به آن را بررسی و محاسبه می نماید).

پیام ها :

1 - بازگشت همه به سوی خداست و او یگانه قاضی قیامت است. **ردّوا الی**

الله...له الحكم

2- مولای حقیقی کسی است که آفریدن، نظارت کردن، خواب و بیداری،

مرگ و بعثت، داوری و حسابرسی به دست او باشد، **الی الله مولا هم الحقّ**

3- همه ی مولاها یا باطلند، یا مجازی، مولای حقیقی تنها خداوند است.

الله مولا هم الحقّ و ولایت انبیا و اولیا، پرتوی از ولایت الهی است.

4- سرعت حسابرسی خداوند، از هر نوع و هر وسیله ی حسابرسی سریعتر

است. **و هو أسرع الحاسبین**

5- سرعت حسابرسی و رسیدگی به امور، یک ارزش و روش الهی است. **و**

هو أسرع الحاسبین

63- قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلْمَتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً
لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

ترجمه :

بگو: چه کسی شمارا از تاریکی های خشکی و دریا (به هنگام درماندگی) نجات می دهد؟ وقتی که او را آشکارا و پنهان می خوانید (و می گوئید): اگر خداوند از این ظلمت ما را رهایی دهد، از شکرگزاران خواهیم بود.

64- قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ

بگو: خداوند شما را از این ظلمت ها و از هر ناگواری دیگر نجات می دهد، باز شما (به جای سپاس)، شرک می ورزید.

نکته ها :

کلمه ی تَضَرُّعُ به معنای دعای آشکار و کلمه ی خُفْيَةً به معنای دعای پنهان است.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: بهترین دعا، دعای با صدای آهسته و خُفْيَةً است و از جمعی که با صدای بلند دعا می خواندند، انتقاد کرد و فرمود: خداوند شنوا و نزدیک است. (138)

در آیه 12 سوره ی یونس نیز آمده است : انسان هنگام خطر، به یاد خدا می افتد و او را می خواند، **أَمَّا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ صُرَّةَ مَرِّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ صُرَّةٍ مَسَّةٍ** همین که مشکلش حل شد، سرش را پایین انداخته و می رود، گویا ما را اصلاً صدا نزده است.

شاید برای انسان، چهار حالت به وجود می آورد: احساس نیاز، تَضَرُّع، اخلاص و التزام به شکرگزاری. آری، شداید و سختی ها و قطع شدن اسباب

مادّی، روح خداجویی را شکوفا می کند و انسان در مشکلات، دست خدا را می بیند.

پیام ها :

1 - یکی از شیوه های تبلیغ و موعظه، سؤال از وجدان مردم است. مَن

يُنَجِّيكُمْ

2- یادآوری و توجّه دادن انسان به خلوص او در دعا به هنگام شدايد، از

بهترین روشهای خداشناسی است. تدعونه تضرّعا و خفیه

3- انسان در سختی ها و شدايد، دست از کفر و شرک برداشته و موحد می

شود. تدعونه تضرّعا و خفیه

4- برای هر کس، مشکل خودش، بزرگ ترین مشکل است. أنجانا من هذه

5- انسان به تعهدات خود در برابر خدا بی وفاست. ثمّ أنتم تشرکون

6- بدترین نوع ناسپاسی، شرک است. لنکوننّ من الشاکرین... ثمّ انتم تشرکون

7- راحتی و احساس رهایی و بی نیازی، زمینه ی غفلت از خدا و شرک به

اوست. قل الله ینجّیکم منها و من کلّ کرب ثمّ انتم تشرکون

65- قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِّنْ
تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ
نُصِرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ

ترجمه :

بگو: او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پایتان عذابی بر شما بفرستد یا
شما را به صورت گروه های گوناگون با هم درگیر کند، و طعم تلخ جنگ و
خونریزی را توسط یکدیگر به شما بچشاند. بنگر که چگونه آیات را گونه گونه
بازگو می کنیم، باشد که بفهمند.

66- وَكَذَّبَ بِهٖ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

و قوم تو این قرآن را تکذیب کردند، با آنکه سخن حقی است، بگو: من
وکیل و عهده دار ایمان آوردن شما نیستم.

نکته ها :

لبس به معنای آمیختن، و شیع جمع شیعه، به معنای گروه است.
در آیه ی قبل، قدرت نجات بخش الهی مطرح شد، اینجا قدرت قهر و
عذاب او.

امام باقر علیه السلام فرمودند: مراد از عذاب آسمانی، دود و صیحه و مراد از
عذاب زمینی، فرورفتن در آن و مراد از یلبسکم شیعا، تفرقه در دین و بدگویی و
کشتن یکدیگر است. ⁽¹³⁹⁾ شاید آن حضرت در مقام بیان بعضی از نمونه ها بوده
اند نه تمام مصادیق، زیرا مثلا عذاب فوق شامل فشار طاغوت ها که حاکم بر
مردمند و عذاب تحت شامل قهری بدنبال نافرمانی مردم از رهبر حق که از مردم
و در مردم و هم سطح آنان است نیز می شود.

تعبیر گوناگونی در قرآن خطاب به پیامبر اکرم ﷺ، این مضمون را بیان می کند که پیامبر مسئولِ ابلاغِ دینِ خداست، نه اجبار مردم به ایمان آوردن. از جمله: ما جعلناک علیهم حفیظاً⁽¹⁴⁰⁾. لستَ علیهم بمصیطر⁽¹⁴¹⁾، ما أنتَ علیهم بجبار⁽¹⁴²⁾، ما علی الرسول الاّ البلاغ⁽¹⁴³⁾، أفانتَ تکره الناس⁽¹⁴⁴⁾، لا اکراه فی الدین⁽¹⁴⁵⁾، إن أنتَ الاّ نذیر⁽¹⁴⁶⁾ و قل لستُ علیکم بوکیل.

پیام ها :

- 1- یکی از وظایف پیامبر، یادآوری قدرت بی مانند خداوند است. قل هو القادر
- 2- شرک، زمینه ساز دریافت انواع عذاب هاست. ثم انتم تشرکون قل هو القادر...
- 3- خداوند، هم نجات بخش است، هم عذابگر، آنکه آگاهانه سراغ غیر خدا می رود، باید منتظر عذاب باشد. قل هو القادر علی أن یبعث...
- 4- تفرقه و تشتت، از عذاب های الهی و در کنار عذاب آسمانی و زمینی مطرح شده است. یلبسکم شیعاً
- 5- گاهی مردم، به وسیله ی مردم و با دست یکدیگر عذاب و تنبیه می شوند. یدیق بعضکم بأس بعض
- 6- مبلّغان دینی باید از روشهای گوناگون برای ارشاد مردم بهره گیرند. أنظر کیف نصرّف الا یات
- 7- اگر مفهومی را در قالب های متنوع ارائه دادیم، به تأثیرات بیشتری امیدوار باشیم نصرّف الا یات لعلّهم یفقهون
- 8- چون راه شما حقّ است، از تکذیب مردم نگران نباشید. و هو الحقّ
- 9- تو مسئول وظیفه هستی، ضامن نتیجه نیستی. لستَ علیکم بوکیل

67- لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

ترجمه :

برای هر خبری (که خداوند یا پیامبرش به شما می دهد) وقتی مقرر است (که در آن واقع می شود) و به زودی خواهید دانست.

نکته ها :

در آیه ی قبل گفته شد: خداوند قدرت دارد از هر سو بر شما عذاب نازل کند، این آیه می فرماید: اگر عذابی بر کفار لجوج نازل نشد، عجله نکنید، زیرا برای تحقق هر خبری زمانی معین است.

پیام ها :

1 - تحقق همه ی خبرها و برنامه های الهی، قطعی و بر اساس حکمت و زمان بندی معین است. (هیچ حادثه ای بدون برنامه و هدف و تصادفی نیست)
لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ

2- گرچه مجبور به ایمان آوردن نیستید، ولی فکر عاقبت و فرجام کار خودتان باشید. و سوف تعلمون

3- زود قضاوت نکنید و مهلت دادن های الهی را نشانه ی غفلت خدا از خودتان نپندارید. سوف تعلمون

68- وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

ترجمه :

و هرگاه کسانی را دیدی که در آیات ما (به قصد تخطئه)، کندوکاو می کنند، از آنان روی بگردان تا (مسیر سخن را عوض کرده) وارد مطلب دیگری شوند و اگر شیطان تو را به فراموشی انداخت، پس از توجه، (دیگر) با این قوم ستمگر منشین.

نکته ها :

خوض به معنای کندوکاو و گفتگو به قصد تمسخر و تحقیر است، نه برای فهم و درک حقیقت. (147)

بعد الذکری ممکن است به معنای تذکر دادن دیگری، یا به معنای متذکر شدن خود انسان باشد.

سؤال : پیامبران الهی معصوم هستند، پس چگونه در آیه سخن از نفوذ شیطان در پیامبر مطرح شده است ؟ **ینسینک الشیطان**

پاسخ : تأثیر شیطان در به فراموشی کشاندن، مسأله ای فرضی است، مثل آیه **ی لئن اشرکت لیحبطن عملک** (148) یا **یا آیه ولو تقول علینا بعض الاقاول** (149) یعنی اگر مشرک شوی، یا اگر به ما نسبتی ناروا بدهی، نه اینکه چنین شده است. و ممکن است مراد اصلی آیه، پیروان پیامبرند، نه خود ایشان، همان گونه که در فارسی ضرب المثلی است که به در می گوئیم که دیوار بشنود.

مشابه این مطلب، در سوره ی نساء آیه 140 نیز آمده است : **اذا سمعتم آیات اللّٰه یکفر بها و یستهزأ بها فلا تقعدوا معهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره...** اگر شنیدید که به آیات الهی کفر می ورزند یا مسخره می کنند با آنان منشینید تا سخن را عوض کنند.

در روایات متعددی از پیامبر ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام از همنشینی با اهل گناه، یا شرکت در جلسه ای که گناه می شود و انسان قدرت

جلوگیری از آن را ندارد نهی شده است، حتی اگر آنان از بستگان انسان باشند. حضرت علی علیه السلام به فرزندش وصیت کرد: خداوند بر گوش واجب کرده که راضی به شنیدن گناه و غیبت نشود. (150)

رسول خدا صلی الله علیه و آله با استناد به این آیه فرمودند: کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، در مجلسی که در آن امامی سبّ می شود و یا از مسلمانی عیب جویی می گردد نمی نشیند. (151)

حضرت علی علیه السلام مجالسه الاشرار تورت سوء الظنّ بالاخیار همنشین با بدان، سبب سوء ظنّ به نیکان می شود. (152)

پیام ها :

- 1- غیرت و تعصّب دینی خود نسبت به مقدّسات را به دشمنان نشان دهید. **إذا رأیت الذّین یخوضون فی آیاتنا فأعرض عنهم**
- 2- اعراض از بدی ها و مبارزه ی منفی با زشتکاران، یکی از شیوه های نهی از منکر است. **فأعرض عنهم**
- 3- توجّه و گوش دادن به سخنان باطل (و دیدن و خواندن کتب و برنامه های گمراه کننده) نکوهیده است. (153) **یخوضون فی آیاتنا فأعرض عنهم** البته در مواردی که برای آگاهی و ردّ و پاسخ دادن توسط اهل فن باشد، منعی ندارد.
- 4- به جای هضم شدن در جامعه، یا گروه و مجلس ناپسند، وضع آن را تغییر دهید. **حتّی یخوضوا فی حدیث غیره**
- 5- اعلام براءت و محکوم کردن لفظی کافی نیست، باید به شکلی برخورد کرد. **فاعرض... فلا تقعد**
- 6- مجالست با ظالمان نارواست، پس پرهیز کنیم. **فلا تقعد**

7- شرط تکلیف، توجه و آگاهی است. **إِنَّمَا يَنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ** (فراموشی، عذر پذیرفته ای است)

8- سخن گفتن به ناحق درباره ی آیات قرآن، (از طریق استهزا، تفسیر به رأی، بدعت و تحریف) **ظلم** است. **الظالمين**

69- **وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرِي لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ**

ترجمه :

کسانی که پروا پیشه کردند، به گناه ستمکاران بازخواست نخواهند شد، ولی باید آنان را پند دهند تا شاید پرهیزکار شوند.

نکته ها :

آیه ی تحریم همنشینی با یاوه گویان و مسخره کنندگان که نازل شد، عده ای گفتند: پس به مسجدالحرام هم نباید برویم و طواف نیز نکنیم، چون دامنه ی استهزاشان تا آنجا هم کشیده شده است. این آیه نازل شد که حساب مسلمانان با تقوی که به مقدار توان تذکر می دهند جداست، آنها مسجدالحرام را ترک نکنند. (154)

شرکت در جلسه ی اهل گناه به قصد نهی از منکر وارشاد، مانعی ندارد، البته برای آنان که با تقوا و نفوذ ناپذیرند، وگرنه بسیاری برای نجات غریق می روند و خود غرق می شوند.

شد غلامی که آب جو آرد آب جو آمد غلام ببرد

پیام ها :

1 - رعایت اهمّ و مهمّ در مسائل، از اصول عقلی و اسلامی است. شنیدن موقّتی یاوه ها به قصد پاسخگویی یا نجات منحرفان، جایز است. **و ما علی الذین یتقون من حسابهم من شیء**

2- تقوا وسیله ی حفاظت و بیمه ی انسان در مقابل گناه است. (مثل لباس ضد حریق، برای مأموران آتش نشانی) **و ما علی الذین یتقون**

3- از همنشینی با یاوه سرایان پرهیز کنیم و سخنانشان را استماع نکنیم، ولی اگر به ناچار چیزی به گوش ما، رسید مانعی ندارد. **ما علی الذین یتقون...من شیء**

4- علاوه بر تقوای خود، باید به فکر متقی کردن دیگران نیز باشیم.

70- **و ذالذین اتخذوا دینهم لعباولهوا و غرتهم الخیوه الدنیا و ذکر به ان تُبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعَدَلَ كُلٌّ عَدْلًا لَا يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ**
ترجمه :

و کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا مغرورشان کرده است، رها کن و به وسیله ی قرآن پندشان ده تا مبادا به کیفر آنچه کسب کرده اند به هلاکت افتند، در حالی که جز خدا هیچ یاور و شفیی ندارند، و اگر (انسان در آن روز) هرگونه عوضی (برای کیفر) پردازد از او پذیرفته نمی شود، آنان کسانی هستند که به سزای آنچه کسب کرده اند به

هلاکت افتادند برای آنان شرابی از آب سوزان و عذابی دردناک به کیفر کفرشان خواهد بود.

نکته ها :

مراد از رها کردن منحرفان در جمله ی **ذُرِّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ...**، اظهار تنفر و قطع رابطه کردن با آنان است، که گاهی هم به نبرد با آنها می انجامد، نه اینکه تنها به معنای ترک جهاد با آنان باشد.

کلمه ی **تُبَسَّلُ** به معنای محروم شدن از خوبی و به هلاکت رسیدن است. به بازی گرفتن دین، هر زمانی به شکلی خود را نشان می دهد، گاهی با اظهار عقائد خرافی، گاهی با قابل اجرا نداشتن احکام، گاهی با توجیه گناهان و گاهی با بدعت و تفسیر به رأی و پیروی از متشابهات و... است.

پیام ها :

1 - غیرت دینی، سبب طرد افراد بی دین و بایکوت کردن مخالفان مکتب در جامعه است. **ذُرِّ الَّذِينَ...چنانکه در آیات دیگری نیز می خوانیم : فاعرض عنهم** ⁽¹⁵⁵⁾، **ذره م یأکلوا ویتمتعوا** ⁽¹⁵⁶⁾ و **لا تحزن علیهم** ⁽¹⁵⁷⁾

2- دلبستگی و فریفته شدن به دنیا، زمینه ی به بازی گرفتن دین است. **الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا...غرتهم الحیاة الدنیا**

3- تذکر و موعظه، سبب نجات از قهر و عذاب الهی است. و **ذکر به**

4- در تذکر و هشدار باید از قرآن بهره گرفت. و **ذکر به**

5- به دنیا مغرور نشویم که در قیامت جز خداوند چیزی به کمک ما نمی آید. **لیس لها من دون الله ولیّ و لا شفیع**

6- عامل بدبختی های انسان، خود او و عملکرد اوست. **بما کسبت...بما کسبوا...عذاب الیم بما کانوا یکفرون**

71- قل اندر عوا من دون الله ما لا ينفعنا و لا يضرنا و تُردُّ عَلَيَّ
 أَعْقَابَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا اللَّهَ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيْطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانًا لَهُ
 أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى ائْتِنَا قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَأْمُرْنَا
 لِنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

ترجمه :

بگو: آیا غیر خداوند، چیزی را بخوانیم که سود و زیانی برای ما ندارد و پس
 از آنکه خداوند هدایت‌مان کرد، به عقب باز گشته (و کافر) شویم؟ همچون کسی
 که شیاطین او را در زمین از راه به در برده اند و سرگردان مانده است در حالی
 که برای او یارانی (دلسوز) است که او را به هدایت دعوت کرده (و می گویند):
 نزد ما بیا (و حق را بپذیر ولی او گوشش بدهکار نیست). بگو هدایتی که از
 سوی خدا باشد هدایت واقعی است و ما مأموریم که برای خدای جهانیان تسلیم
 باشیم.

72- وَأَنْ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و (به ما امر شده که) نماز برپا دارید و از خداوند پروا کنید، و اوست آنکه
 همگان نزدش محشور می شوید.

نکته ها :

در آیه ی 72، از میان همه ی وظایف به نماز، و از میان همه ی عقائد به
 معاد اشاره شده است و این اهمیت آنها را می رساند.

در یکتاپرستی، آرامش و تمرکز است، ولی در شرک و چندتاپرستی، گیجی
 و تحیر. «أرباب متفرقون خیر أم الله الواحد القهار»⁽¹⁵⁸⁾ آیا چند ارباب گوناگون
 بهتر است یا یک خدای قهار؟ خداوند هم یکی است: **قل هو الله احد** و هم زود

راضی می شود یا سریع الرضا، ولی غیر خدا هم زیادند و هم هر کدام توقعات گوناگونی دارند و زود راضی نمی شوند.

پیام ها :

- 1 - با سؤال وجدان ها را تحریک کنید. **قل أَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ**
- 2- شرک، غیر منطقی است، چون انگیزه ی پرستش، کسب سود یا دفع ضرر است و بت ها قادر به هیچ نفع و ضرر رساندن نیستند. **لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا**
- 3- از غریزه ی منفعت خواهی مردم، در راه تبلیغ و تربیت آنان استفاده کنیم. **لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا**
- 4- شرک، نوعی عقب گرد و ارتجاع اعتقادی است. **نَرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا**
- 5- شرک، مایه ی سرگردانی و تحیر است. **حیران**
- 6- در برابر انحرافات، باید موضع گیری صریح و مکرر داشت. **قل أَدْعُوا... قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ... قُلْ**
- 7- تسلیم خدا شدن، مایه ی رشد خودماست. **لُنَسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ**
- 8- نماز، همراه تقوی کارساز است. **اقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوا**
- 9- ایمان به معاد و رستاخیز، عامل پیدایش تقوی در انسان است. **وَاتَّقُوا وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ**

73- **وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ**

ترجمه :

و او کسی است که آسمان ها و زمین را به حق آفرید و روزی که بگوید: موجود شو، بی درنگ موجود می شود، سخن او حق است. (و روز قیامت)

روزی که در صور دمیده می شود، حکومت تنها از اوست، دانای غیب و شهود است و اوست حکیم و آگاه.

نکته ها :

در قرآن دو نوع دمیدن در صور آمده است : یکی ویرانگر و دیگری برانگیزنده ی مردم برای رستاخیز. در این آیه، یک بار آن مطرح شده است، اما در آیه 68 سوره ی زمر، دمیدن در دو صور مطرح است : **و نُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ**

اگر در آیات قبل، سخن از تسلیم بودن در برابر خدا و اقامه ی نماز بود، اینجا علت آن ذکر شده که آفرینش به دست اوست، او آگاه و حکیم است و از هر چیز با خبر است.

امام صادق عليه السلام درباره ی عالم الغیب و الشهادة فرمودند: غیب آن است که هنوز نیامده و شهادت آنچه که بوده است می باشد. ⁽¹⁵⁹⁾

پیام ها :

1 - آفرینش، حکیمانه و هدفدار است. **بِالْحَقِّ الْبَتَّةَ** به این نکته در آیات متعددی اشاره شده است، از جمله : **و ما خلقنا السموات و الارض و ما بينهما باطلا** ⁽¹⁶⁰⁾

2- برای اراده ی خداوند، هیچ مانعی نیست. **کن فیکون**

3- غیب و شهود، نهان و آشکار، برای خداوند یکسان است. **عالم الغیب و**

الشهادة

4- مبنای حکومت الهی بر حکمت و علم است. **له الملك... و هو الحکیم**

الخبیر

5- در قیامت، جلوه و نمود قدرت الهی بر همه آشکار می شود، چون آنجا اسباب و وسائل کارساز نیست. **له الملك**

74- **وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَعِزَّنِي بِمَا أَنَا عَبْدٌ لِّأَلِهَةٍ أُخْتَلِفُ فِيهَا الْكَلِمَ وَ قَوْمِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ**

ترجمه :

و (یاد کن) آن هنگام که ابراهیم به پدرش آزر گفت : آیا بتان را خدایان می گیری ؟ بی شک تو و قومت را در گمراهی آشکار می بینم.

نکته ها :

کلمه ی **أب** بطور طبیعی به معنای پدر است، ولی به معنای جدّ مادری، عمو و مربّی هم گفته می شود. چنانکه فرزندان یعقوب به پدران و عموی پدر خود حضرت اسماعیل نیز اب گفتند: **نَعْبُدُ الْهَيْكَلِ وَ الْهَيْكَلِ اِبْرَاهِيمِ وَ اِسْمَاعِيلِ وَ اسحاق** (161) و پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز فرمود: **أَنَا وَ عَلِيٌّ أَبَا هَذِهِ الْأُمَّةِ** (162)، من و علی، پدران این امتیم. آزر، عموی ابراهیم بود، نه پدرش. پدران ابراهیم همه موحد بوده اند.

از علمای اهل سنت نیز، طبری، آلوسی و سیوطی می گویند: آزر پدر ابراهیم نبوده است. به علاوه، ابراهیم به پدر و مادر خویش دعا کرد: **رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَ لَوَالِدِي... (163)** در حالی که مسلمان حقّ ندارد برای مشرک طلب مغفرت کند، هرچند فامیل او باشد.

از مجموع اینها برمی آید که **أب** در این آیه به معنای پدر نیست. به علاوه نام پدر ابراهیم عَلِيٌّ در کتب تاریخ، تاریخ ذکر شده است، نه آزر. (164)

استغفار حضرت ابراهیم برای عمویش آزر نیز قبل از روشن شدن روحیه ی کفر او و به خاطر وعده ای بود که به او داده بود، و چون فهمید که حقیقتاً نیست، از او تبری جست و جدا شد. **فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ (165)**

پیام ها :

- 1- خویشاوندی، مانع نهی از منکر نیست. **اذ قال ابراهیم لاییه...**
 - 2- ملاک در برخورد، حق است نه سن و سال. **قال ابراهیم لاییه** (حضرت ابراهیم به عموی خود که سن بیشتر داشته، آشکارا حق را بیان کرده و هشدار داده است.)
 - 3- در شیوه ی دعوت به حق، باید از بستگان نزدیک شروع کرد. **لاییه و** باید از مسائل اصلی سخن گفت. **أَتَّخِذُ اصْنَامًا آلِهَةً**
 - 4- سابقه ی شرک و بت پرستی، به پیش از رسالت حضرت ابراهیم بازمی گردد. **أَتَّخِذُ اصْنَامًا**
 - 5- اکثریت، سابقه و سن، باطل را تبدیل به حق نمی کند و همه جا ارزش نیست. **أَرَاكُ وِ قَوْمِكُ فِ ضَلَالٍ**
 - 6- بت پرستی، انحرافی است که وجدان های سالم و عقل، از آن انتقاد می کنند. **أَتَّخِذُ اصْنَامًا...ضَلَالٍ مَبِينٍ**
 - 7- گرچه ابراهیم **عَلَيْهِ السَّلَامُ** حلیم بود، **إِنَّ اِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ (166)** و پیامبر باید حتی با فرعون هم نرم حرف بزند، ولی لحن برخورد حضرت ابراهیم در این آیه، به خاطر اصرار عمویش بر کفر بود. **إِنِّي اِرَاكُ وِ قَوْمِكُ فِ ضَلَالٍ مَبِينٍ**
- 75- **وَكَذَلِكَ نُرِيَّ اِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَوَاتِ وِ الْاَرْضِ وِ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ**

ترجمه :

و اینگونه ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا (یقین پیدا کند و) از اهل یقین باشد.

نکته ها :

درباره ی ملکوت، بزرگان سخنانی گفته اند که برخی را در اینجا نقل می کنیم :

کلمه ی ملکوت از ملک است و واو و تاء برای تأکید و مبالغه به آن افزوده شده است. ملکوت آسمان ها یعنی مالکیت مطلق و حقیقی خداوند نسبت به آنها و مشاهده ملکوت یعنی مشاهده اشیا از جهت انتساب آنها با خداوند. دید ملکوتی یعنی درک توحید در هستی و باطل بودن شرک. (167)

عوالم هستی به چهار بخش تقسیم شده است : لاهوت (عالم الوهیت که جز خدا کسی از آن آگاه نیست)، جبروت (عالم مجردات)، ملکوت (عالم اجسام) و ناسوت (عالم کون و فساد و تغییر و تحولات). (168)

عالم ملکوت، عالم اسرار و نظم و شگفتی ها و جهان غیب است. (169)

ملکوت آسمان ها، عجایب آنها است. (170)

ابراهیم با دیدن ملکوت آسمان ها و زمین، بیشتر با سنت، خلقت، حکمت و ربوبیت الهی آشنا شد. به فرموده ی امام باقر علیه السلام خداوند به چشم ابراهیم علیه السلام، قدرت و نوری بخشید که عمق آسمان ها و عرش و زمین را مشاهده می کرد. (171)

استدلال محکم و برخورد علمی با دیگران، نیازمند ایمان قلبی است. حضرت ابراهیم هم پس از یقین، **لیکون من الموقنین** وارد استدلال می شود که در آیات پس از این می آید. (172)

حرف واو در جمله ی ولیکون من الموقنین رمز آن است که دید ملکوتی چند هدف داشته که یکی از آن اهداف، به یقین رسیدن حضرت ابراهیم بوده است.

پیام ها :

1 - آنکه حق را شناخت و به آن دعوت کرد و از چیزی نهراسید، خداوند دید ملکوتی به او می بخشد. (همچون حضرت ابراهیم، به مقتضای آیه قبل) و کذلک نُرِی ابراهیم ملکوت...آری، یک جوان هم می تواند با رشد معنوی، به دید ملکوتی دست یابد. چون طبق تفاسیر متعدد، ابراهیم در آن زمان نوجوان بود.

2- انبیا، از هدایت ویژه ی خداوند برخوردارند. و کذلک نُرِی ابراهیم

3- یقین، عالی ترین درجه ی ایمان است. و لیکون من الموقنین

4- به یقین رسیدن، نیاز به امداد الهی دارد. نُرِی...الموقنین

76- فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا

أُحِبُّ الْأَفْلِينَ

ترجمه :

پس چون شب بر او پرده افکند ستاره ای دید، گفت : این پروردگار من است. پس چون غروب کرد، گفت : من زوال پذیران را دوست ندارم.

نکته ها :

در زمان ابراهیم عليه السلام ستاره پرستی رایج بوده و ستاره را در تدبیر هستی مؤثر می پنداشتند.

سؤال : آیا پیامبر بزرگی همچون حضرت ابراهیم حتی برای یک لحظه می تواند ستاره یا ماه و یا خورشید را بیپرستد؟

پاسخ : مجادله و گفتگوی حضرت ابراهیم با مشرکان، از باب مماشات و نشان دادن نرمش در بحث، برای رد عقیده ی طرف است، نه اینکه عقیده ی قلبی او باشد زیرا شرک با عصمت منافات دارد. گفتن کلمه ی یا قوم در دو آیه ی بعد نشانه ی مماشات در گفتن هذا ربّی است، به همین دلیل وقتی غروب ماه و خورشید را می بیند، می گوید: من از شرک شما بیزارم، و نمی گوید از شرک خودم (آیه 78).

به علاوه در آیه ی قبل خواندیم که خداوند، ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان داد و او به یقین رسید و آغاز این آیه با حرف فاً شروع شد، یعنی نتیجه آن ملکوت و یقین این نوع استدلال بود.

موجودی که طلوع و غروب دارد، محکوم قوانین است نه حاکم بر آنها. ابراهیم، ابتدا موقتاً پذیرش آن را اظهار می کند تا بعد با استدلال ردّ کند.

پیام ها :

1 - یکی از شیوه های احتجاج، اظهار همراهی با عقیده ی باطل و سپس ردّ کردن آن است. **هذا ربّی**

2- بیدار کردن فطرت ها، فعال کردن اندیشه ها و توجّه به احساسات، از بهترین شیوه های تبلیغ است. **لا أُحِبُّ الاَفلین**

3- محبوب واقعی کسی است که محدود به مکان، زمان و موقت نباشد. **لا أُحِبُّ الاَفلین**

4- معبود، باید محبوب و عبادت باید عاشقانه باشد، روح دین، عشق است. **لا أُحِبُّ الاَفلین**

77- فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ

ترجمه :

پس (بار دیگر) چون ماه را در حال طلوع و درخشش دید، گفت : این پروردگار من است. پس چون غروب کرد، گفت : اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود، قطعاً از گروه گمراهان می بودم.

نکته ها :

کلمه ی بازغ از بزغ، به معنای شکافتن و جاری ساختن خون است. اما در اینجا گویا طلوع خورشید و ماه، پرده ی تاریکی شب را می شکافد و سرخی کم رنگی در اطراف خود پدید می آورد. (173)

ابراهیم عليه السلام هم با ستاره پرستان برخورد کرد، هم با ماه و خورشید پرستان. (174) به گفته ی بسیاری از مفسران، گفتگوی حضرت ابراهیم با مشرکین منطقه ی بابل بود.

انسان در هر فرضیه ای که به بن بست رسید، باید بدون لجاجت، مسیر را عوض کند. بر خلاف مشهور که می گویند: مرد آن است که روی حرف خود بایستد و پافشاری کند، این آیه به ما می گوید: مرد آن است که حرفش حق باشد، گرچه با تغییر موضع باشد.

پیام ها :

پیام های 1 و 2 و 3 آیه ی قبل، در اینجا نیز موضوعیت دارد.

4- در انتقاد، باید از روش گام به گام بهره گرفت. در آیه ی قبل فرمود: من آفلین را دوست ندارم. ولی اینجا می فرماید: پرستش ماه، انحراف و ضلالت است.

5- در راه شناخت، باید به فیض و هدایت الهی تکیه کرد و بدون آن، نمی توان به سرچشمه ی زلال معارف رسید. ⁽¹⁷⁵⁾ **لئن لم یهدنی ربّی**

6- در درون انسان، گمشده ای است که گاهی در پیدا کردن آن، سراغ مصداق های گوناگون (و گاهی انحرافی) می رود. **هذا ربّی** در دو آیه پی در پی آمده است.

7- انبیا هم به هدایت الهی نیازمندند. **لئن لم یهدنی ربّی**

8- هدایتگری از شئون ربوبیت است. **یهدنی ربّی**

78- **فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ
يَقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ**

ترجمه :

پس چون خورشید را برآمده دید گفت : اینست پروردگار من، این بزرگتر (از ماه و ستاره) است. اما چون غروب کرد، گفت : ای قوم من ! همانا من از آنچه برای خداوند شریک قرار می دهید بیزارم.

نکته ها :

در این آیه نیز ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام در مقام بحث و گفتگو است، نه در مقام بیان عقیده ی شخصی، و همچنان که گذشت کلمه ی یا قوم و نیز مِمَّا تُشْرِكُونَ (شرک می ورزید، نه می ورزم) دلیل آن است که خود آن حضرت، ماه و خورشید و ستاره را نمی پرستیده است. ⁽¹⁷⁶⁾

پیام ها :

پیام های 1 و 2 و 3 آیه 76، در اینجا نیز مورد استفاده است.

4- کوچکی و بزرگی اجسام مهم نیست، همه آنها چون متغیّر و ناپایدارند،

پس نمی توانند خدا باشند. **هذا أكبر**

- 5- شیوه ی تعلیم حقّ یا انتقاد از باطل، باید گام به گام باشد. ابتدا نفی ستاره و ماه و در نهایت خورشید. **فَلَمَّا رَأَى السَّمْسُ... قَالَ**
- 6- برائت از شرک، فریاد ابراهیمی است. **إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَشْرِكُونَ**
- 7- برائت از شرک است، نه از افراد. **مِمَّا تَشْرِكُونَ**، نه منکم.
- 8- برائت جستن، باید پس از بیان برهان و استدلال باشد. (اول افول و غروب را مطرح کرد، بعد برائت از شرک را). **فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ...**

79- **إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ**

ترجمه :

من از سر اخلاص روی خود را به سوی کسی گرداندم که آسمان ها و زمین را پدید آورد و من از مشرکان نیستم.

نکته ها :

عبور از افول و ناپایداری و رسیدن به ثبات، جلوه ای از دید ملکوتی است که خداوند به حضرت ابراهیم داده است.

حَنِيفٌ از حنَف، به معنای خالص و بی انحراف، و گرایش به راه حقّ و مستقیم است.

فَطَرَ که به معنای آفریدن است، در اصل، مفهوم شکافتن را دارد. شاید اشاره به علم روز داشته باشد که می گوید: جهان در آغاز، توده ی واحدی بوده، سپس از هم شکافته و کرات آسمانی یکی پس از دیگری پدید آمده است. (177)

پیام ها :

1 - همین که راه حقّ برای ما روشن شد، با قاطعیّت اعلام کنیم و از تنهایی

نهراسیم. **إِنِّي وَجَّهْتُ**

- 2- کسی که از پرستش بت هایی جزیی، مادّی، محدود و فانی بگذرد، به معبودی کَلّی، معنوی، بی نهایت و ابدی می رسد. **لَلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**
- 3- در جلوه ها غرق نشوید که دیر یا زود، رنگ می بازند، به خدا توجّه کنید که جلوه آفرین است. **فَطَّرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ**
- 4- انسان می تواند به جایی برسد که عقائد باطل نسل ها و عصرها را درهم بشکند. **وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ**
- 5- توحید ناب، همراه با برائت از شرک است. **وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ**

80- وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحِبُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدِينِ وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَنْ يُشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

ترجمه :

و قومش با وی به گفتگو و ستیزه پرداختند، او گفت : آیا درباره ی خدا با من محاجّه و ستیزه می کنید؟ و حال آن که او مرا هدایت کرده است و من از آنچه شما شریک او می پندارید بیم ندارم، مگر آنکه پروردگارم چیزی بخواهد، (که اگر هم آسیبی به من برسد، خواست خداست، نه بت ها) علم پروردگارم همه چیز را فراگرفته، پس آیا پند نمی گیرید؟

پیام ها :

1 - اهل باطل، تعصّب دارند. **حاجّه قومه** (آنگونه که اگر بدهکار را آرام بگذارند طلبکار می شود، قوم منحرف هم به جای شرم از شرک خود، قد علم کرده احتجاج می کنند)

2- تعصّب و پافشاری اهل باطل، شگفت آور است. **أتُحِبُّونِي فِي اللَّهِ**

3- موحد، حتی اگر تنها باشد، از مقابله با یک جمعیت نگرانی ندارد.

أتُحِبُّونِي فِي اللَّهِ...و لا اخاف...

4- حقّ جویی از انسان است ولی هدایت از خداست. **هَدَانِ** (حتی انبیا نیاز

به هدایت الهی دارند)

5- آنکه مشمول هدایت الهی شود، بیم ندارد. **هَدَانِ وَلَا أَخَافُ**

6- نترسیدن از غیر خدا، نشانه ی توحید است. **لا أَخَافُ** (مشرکین، حضرت

ابراهیم را به خطر و انتقام بت ها تهدید می کردند)

7- از ریشه های شرک، گمان ضرر و ترس از آسیب رسانی بت ها و طاغوت ها می باشد. **لا أخاف ما تشرکون** (ترس موهوم از بت ها، سبب پافشاری و تعصب بر بت پرستی بود)

8- تأثیر و نقش هر پدیده ای وابسته به اراده خداوند است. **لا أخاف ما تشرکون به الا ان یشأ ربی**

9- ربوبیت، سزاوار کسی است که احاطه ی علمی دارد. **وسع ربی کلشیء علماً**

10- حقیقت، امری فطری و وجدانی است که برای شناخت آن، تذکر کافی است. **أفلا تتذکرون**

81- **وکیف أخاف ما أشرکتکم ولا تخافون انکم أشرکتکم بالله ما لم ینزل به علیکم سلطاناً فای الفرقین أحق بالامن ان کنتم تعلمون**
ترجمه :

و چگونه از چیزی که شریک خدا ساخته اید بترسم و حال آنکه شما آنچه را که خدا هیچ دلیلی درباره ی آن بر شما نازل نکرده است شریک او گرفته و نمی ترسید؟ اگر می دانید (بگویید که) کدام یک از ما دو دسته به ایمنی (در قیامت) سزاوارتر است ؟

نکته ها :

کلمه ی سلطان، به معنای دلیل و حجت و برهان است.
بر خلاف آنان که ترس را انگیزه ی اعتقاد به خداوند می دانند، این آیه، ترس را انگیزه ی شرک می داند.

پیام ها :

1 - از تهدیدات موهوم، نهراسید. **کیف أخاف ما أشرکتکم**

- 2- امنیّت روحی، در پرتو توحید حاصل می گردد. **کیف أخاف ما أشرکتُم**
- 3- عقائد دینی باید بر اساس دلیل و برهان باشد. **کیف ما أشرکتُم باللّٰه ما لم يُنزل به علیکم سلطانا**
- 4- در بحث و مناظره، نباید تعصّب مردم را تحریک کرد. **فأیّ الفریقین و**
نفرمود: ما در امان و شما در خطرید.
- 5- علم صحیح، وسیله راهیابی به خداست، اگر آن را درست به کار گیریم،
به نتایج صحیح می رسیم. **ان کنتُم تعلمون**

82- **الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا ءِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ**

ترجمه :

کسانی که ایمان آورده و ایمانشان را به ستم و شرک نیالودند، آنانند که
برایشان ایمنی (از عذاب) است و آنان هدایت یافتگانند.

83- **وَتِلْكَ حُجَّتُنَا ءَاتَيْنَهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَىٰ قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَأٍ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ**

این (نوع استدلال) حجّت ماست که در برابر قومش به ابراهیم دادیم، هر
کس را که بخواهیم (و شایسته بدانیم) به درجاتی بالا می بریم. همانا
پروردگارت حکیم و داناست (و بر اساس علم و حکمت مقام انسان ها را بالا
می برد).

نکته ها :

آیات قبل درباره ی توحید و شرک بود و این آیات به منزله ی جمع بندی
آیات گذشته است، چنانکه امام علیه السلام فرمود: مراد از ظلم در این آیه شرک است.

(178)

در بعضی روایات مراد از ظلم را شک و تردید گرفته اند. (179) البتّه شک گاهی غیر اختیاری و مقدّمه ی تحقیق است، ولی گاهی جنبه بهانه و تشکیک دارد که این نوع دوّم، ظلم است. (180)

امام باقر علیه السلام فرمود: این آیه درباره حضرت علی علیه السلام نازل شد که لحظه ای در طول زندگی به سراغ شرک نرفت. (181)

کلمه ی لبس به معنای پوشاندن است. بنابراین ایمان چون فطری است، نابود شدنی نیست بلکه غبارهایی آن را می پوشاند.

پیام ها :

- 1 - آفت ایمان، ظلم و شرک و به سراغ رهبران غیر الهی رفتن است. **آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم**
- 2- حفظ ایمان، مهمتر از خود ایمان است. **لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن**
- 3- امنیّت و هدایت واقعی، در سایه ی ایمان و عدالت است. **آمنوا... لهم الأمن و هم مهتدون** (نه مؤ منانِ ظالم، هدایت یافته اند و نه عدالت خواهان بی ایمان)
- 4- تا ایمان خالص نباشد، دلهره است. **و لم یلبسوا... بظلم... لهم الأمن**
- 5- علم و حکمت دو شرط لازم برای تدبیر و مدیریت است. **ان ربک حکیم علیم** (با توجّه به اینکه کلمه ربّ در لغت به معنای مدیر و مربّی آمده است)
- 6- موحدی که با برهان و دلیل در برابر انحراف های جامعه بایستد، دارای درجاتی است. **درجات**
- 7- درجات الهی، حکیمانه به افراد داده می شود. **نرفع درجات... حکیم**

84- وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

ترجمه :

و ما به او (ابراهیم)، اسحق و یعقوب را بخشیدیم و یکایک آنان را هدایت کردیم و نوح را پیش از آنان هدایت کرده بودیم. و از نسل او (ابراهیم)، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را (نیز هدایت کردیم) و ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.

نکته ها :

در این آیه و دو آیه بعد، جمعا نام 17 نفر از پیامبران آمده است و این ترتیب، نه به حسب زمان است و نه به حسب رتبه، شاید هم تقسیم آنها در این سه آیه بر این اساس باشد که در آیه 84 نام پیامبرانی آمده است که حکومت داشتند. در آیه ی 85 پیامبرانی که فقیر بودند و از زندگی دنیا بهره ای نداشتند و در آیه ی 86 پیامبرانی که گرفتاری های ویژه ای داشتند. (182)

در ضمیر ذرّیّته دو احتمال است : یکی آنکه ضمیر به حضرت ابراهیم برگردد، چون آیات پیش درباره ی اوست و اکثر این افراد از نسل اویند، روایت نیز همین را می فرماید. دیگر آنکه به نوح عَلَيْهِ السَّلَام برگردد، چون ضمیر به نام او نزدیکتر است و از نسل او پیامبرانی همچون لوط بوده اند.

پیام ها :

- 1- فرزند صالح، هدیه و موهبت الهی است. وهبنا نجزی
- 2- پیامبرزادگی به تنهایی سبب افتخار نیست، ذرّیه ابراهیم، خودشان کمالاتی داشتند و از هدایت الهی برخوردار بودند. کلا هدینا

- 3- سنتِ هدایت و بعثت، همواره جریان داشته است. ونوحا هدینا من قبل
4- الطاف الهی بی حساب و جهت به کسی داده نمی شود. کذلک نجزی

المحسنین

85- وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصَّالِحِينَ

و زکریّا، یحیی، عیسی و الیاس را (نیز هدایت کردیم و) همه از شایستگانند.

86- وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ

ترجمه :

و اسماعیل و یسع و یونس و لوط را (نیز هدایت کردیم) و همه را بر جهانیان
برتری دادیم.

87- وَمِنْ ءَابَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ

مُسْتَقِيمٍ

واز پدران و ذریّه و برادرانشان، کسانی را (مورد لطف قرار داده و به خاطر
لیاقتشان آنان را به نبوت) برگزیدیم و به راه راست هدایتشان کردیم.

نکته ها :

برخی گمان کرده اند که ذریّه تنها به نوه های پسری گفته می شود، در حالی
که حضرت عیسی که پدر نداشت و تنها از طرف مادر به ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ منسوب
بود، در این آیه از ذریّه حضرت ابراهیم به شمار آمده است. و من ذرّيته... عیسی
امام صادق و امام کاظم 8 به استناد همین آیه، اهل بیت علیهم السلام را که از
طرف مادر به پیامبر می رسند، ذریّه رسول الله و ابناً رسول الله دانسته اند. (183)

فخررازی نیز در تفسیر خود، این نکته را پذیرفته است. در تفسیر المنار هم

حدیثی از صحیح بخاری نقل شده که رسول خدا ﷺ کلمه ی ذریّه را درباره امام حسن علیه السلام به کار برده است.

در اینکه یَسَع نام مستقلی است، یا اینکه مضارع وسع است (مثل یحیی) و یا اینکه همان یوسع است که با تغییراتی از عبری به عربی وارد شده، اقوالی است. برخی خواسته اند از کلمه ی مِّن در مِّن آبائِهِم استفاده کنند که در میان پدران انبیا افراد منحرف هم بوده اند ولی لحن آیات، در مقام برگزیدگی پدران برای نبوت است. نه در مقام کفر و ایمان آنان. ⁽¹⁸⁴⁾

88- ذَلِكْ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ترجمه :

آن هدایت خداست، هر کس از بندگانش را که بخواهد به آن هدایت می کند و اگر شرک ورزند، قطعاً آنچه انجام داده اند از دستشان خواهد رفت.

پیام ها :

1- هدایت واقعی، هدایت خداوند است. هدایت های دیگر، سراب است.

ذَلِكْ هُدَى اللَّهِ

2- هدایت، کار خداست. حتی پیامبران، از خود راه هدایتی ندارند. **یهدی به**

مَنْ يَشَاءُ

3- شرک، عامل محو و باطل شدن کارهاست. **لو اشركوا لَحَبِطَ**

4- در سنت الهی، تبعیض نیست. حتی اگر پیامبران شرک ورزند، تنبیه می

شوند، چون اصالت با حق است، نه اشخاص. (با توجه به اینکه آیات قبل

مربوط به انبیا است). **ولو اشركوا**

5- انبیا معصومند و غبار شرک هرگز بر دامانشان نمی نشیند. در آیه، فرض شرک به عنوان فرض محال آمده است. **لَوْ**

6- در جهان بینی الهی، ارزش کارها در اخلاص آنهاست. اگر اخلاص نباشد، چیزی باقی نمی ماند. **وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ**

89- **أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَوًّا فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ**
ترجمه :

آنان کسانی بودند که کتاب آسمانی و حکومت و قضاوت و مقام نبوت به آنان دادیم. پس اگر این مشرکان به آنها کفر ورزند و نپذیرند (ناراحت نباش، چرا که) ما گروهی دیگر را که به آن کافر نیستند می گماریم.

نکته ها :

کلمه ی حُکْم، هم به معنای حکومت و زمامداری است، هم به معنای قضاوت و داوری و هم به معنای درک و عقل. در مفردات راغب، معنای اصلی آن منع و جلوگیری ذکر شده و چون عقل و قضاوت و حکومت صحیح مانع اشتباه و خلافند، به آنها حُکْم اطلاق شده است.

در تفسیر المنار و روح المعانی از مفسران نقل شده که مراد از (قومی که کفر نمی ورزند و حق را پذیرفته و حمایت می کنند) ایرانیانند. ⁽¹⁸⁵⁾

امام صادق علیه السلام فرمود: اصحاب صاحب این امر، محفوظ هستند، اگر همه ی مردم از او دور شوند، خداوند اصحاب او را می آورد. آنان همان کسانی هستند که خداوند درباره ی آنان فرمود: **فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَوًّا فَقَدْ وَكَلْنَا...** ⁽¹⁸⁶⁾

پیام ها :

1 - پیامبران، حقّ حکومت و قضاوت دارند. آتیناهم الكتاب و الحكم و

النبوة

2- نیکوکاری، صلاح پیشگی و راه یافتن به راه مستقیم، از اوصاف انبیاست.

نجزی المحسنین.... کلُّ من الصالحین.... هدیناهم الی صراط مستقیم... آتیناهم

الكتاب

3- هر مکتب طرفداران و مخالفانی دارد و میان آنان نیز ریزش است و هم

رویش. گاهی طرفدار، مخالف و یا مخالف، طرفدار می شود. مسلمان، مرتدّ و

کافر، مسلمان می شود. **فإن یکفر بها هوّ لأ فقد وکلنا بها قوماً**

4- با کفر گروهی، مکتب حقّ بی طرفدار نمی ماند. وقتی راه، حقّ و الهی

باشد، آمد و رفت افراد نباید در انسان اثر کند. **فإن یکفر بها هوّ لأ فقد وکلنا بها**

قوماً

90- **أولئک الذین هدی اللّهُ فبهديهم اقتده قل لا أسئلكم علیه أجراً**

إن هوّ إلا ذکرى للعلمین

آنان کسانی اند که خداوند هدایتشان کرده، پس به هدایت آنان اقتدا کن. (ای

پیامبر! به مردم) بگو: من بر این (رسالت و دعوت) از شما مزدی طلب نمی کنم،

این قرآن جز تذکری برای جهانیان نیست. (و خواست من جز پندگرفتن اهل

عالم نیست).

نکته ها :

حرف ه در اقتده، ضمیر نیست، بلکه ها سکت است و برای وقف به کار می

رود.

پیام ها :

- 1- پیروی از هدایت پیامبران، اقتدا به هدایت الهی است. **هَدَى اللّٰهُ فِیْهِدَاهُمْ**
اقتده
- 2- نام و یاد و راه اولیای خدا باید زنده بماند و نوآوری ها نباید ارزش های پیشین را از یاد ببرد. **فِیْهِدَاهُمْ اِقتده**
- 3- ارزش انسان به خط فکری و سیره ی عملی اوست. (فرمود: **فِیْهِدَاهُمْ**
اقتده، و نفرموده : بهم **اقتده**)
- 4- نسخ ادیان گذشته، به معنای بطلان اصول و کلیات آنها نیست، خط کلی انبیا باید تداوم یابد. **فِیْهِدَاهُمْ اِقتده**
- 5- موفق ترین انسان باید از کمالات و اخلاق نیک و روش استوار پیشینیان بهره مند شود. **فِیْهِدَاهُمْ اِقتده**
- 6- اهداف تمام انبیا، یکی است. (زیرا اقتدا به انبیایی که اهداف متضادی دارند ممکن نیست). **فِیْهِدَاهُمْ اِقتده**
- 7- دلیل و نتیجه ی پیروی، باید هدایت یافتگی باشد. **هَدَى اللّٰهُ فِیْهِدَاهُمْ**
اقتده
- 8- مبلّغ نباید به دنیاطلبی، گرایش داشته و به آن متهم شود. **قُلْ لَا اَسْئَلُكُمْ**
- 9- یکی از تفاوت های پیامبران با دیگر مدّعیان آن است که هدف پیامبران، مادیات نیست. **لا اَسْئَلُكُمْ**
- 10- انبیا، مایه ی یادآوری انسان های فراموشکار و غافلند. **ذِکْرِی**
- 11- اسلام، دین جهانی است. **ذِکْرِی لِّلْعَالَمِیْنَ**
- 91- **وَأَمَّا أَنْزَلَ اللّٰهُ عَلَی بَشَرٍ مِّنْ شَیْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْکِتَابَ الَّذِی جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَ هُدًی لِّلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِیسَ تُبَدُّونَهَا وَ تَخْفُونَ کَثِیرًا**

وَعَلَّمْتُمْ مَا لَمْ تَعَلَّمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ
يَلْعَبُونَ

ترجمه :

خداوند را آنگونه که شایسته ی اوست نشناختند، چرا که گفتند: خداوند بر هیچ بشری، چیزی نازل نکرده است. بگو: کتابی را که موسی آورد و نور و هدایت برای مردم بود، چه کسی نازل کرد؟ کتابی که آن را ورق ورق کرده (و به دلخواه خود) بخشی را آشکار و بسیاری را پنهان می سازید، و آنچه را شما و پدرانتان نمی دانستید، (از طریق همان کتاب آسمانی تورات)، به شما آموخته شد. (ای پیامبر!) بگو: خدا (بود که آنها را نازل کرد)، سپس رهایشان کن تا در یاوه گویی های خود غوطه ور باشند.

نکته ها :

گروهی از یهود با اینکه به نزول وحی بر حضرت موسی عقیده داشتند، اما از سر لجاجت می گفتند: خداوند بر هیچ پیامبری کتابی نازل نکرده است. این آیه می فرماید: حرف شما با عقیده شما تناقض دارد. اگر خداوند بر هیچکس وحی نمی فرستد، پس تورات را که به آن عقیده دارید چه کسی نازل کرده است ؟

پیام ها :

1 - فرستادن پیامبران و کتب آسمانی، لطفی از سوی خدا به بندگان است. کسانی که آنان را انکار می کنند، در واقع منکر لطف، رحمت و حکمت الهی اند.
ما قدروا الله...

2- به شبهاتی که القا می شود باید پاسخ داد. قالوا...قل

3- تورات اصلی، نور و هدایت بوده است. نورا و هدی

4- در تورات مطالبی بوده که علمای یهود آنها را کتمان کرده اند. **تخفون**

کثیرا

5- مبلغان دینی باید بدون مصلحت اندیشی بی مورد، معارف و حقایق

مکتب را برای مردم بیان نمایند. **ماقدروا الله...تخفون کثیرا**

6- بدون وحی، دست انسان از معارف بسیاری کوتاه است. **عَلِمْتُمْ مَا لَمْ**

تعلموا...

7- وظیفه ی انبیا، ابلاغ است، نه اجبار. **قل الله تم ذرهم**

8- احتجاج باید به قدر ضرورت باشد نه بیشتر. این آیه که خود نوعی

احتجاج است می فرماید: اکنون که نمی پذیرند آنان را رها کن. **ذرهم**

92- **وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبَارَكٌ مُّصَدِّقٌ لِّلَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ**

الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاةٍ

تِهِمْ يُحَافِظُونَ

ترجمه :

این مبارک کتابی است که نازل کرده ایم، تصدیق کننده آنچه (از کتب

آسمانی) که پیش از آن آمده است، (تا مردم را به پاداش های الهی مژده دهی) و

اهل مکه و کسانی را که اطراف آن هستند هشدار دهی و (البته) آنان که به

آخرت ایمان دارند به آن (قرآن) نیز ایمان خواهند آورد و همانان بر نمازهای

خود محافظت دارند.

نکته ها :

در این آیه، لتنذر همراه با واو آمده است، و **لِتُنذِرَ** شاید اشاره به این باشد که

قرآن، غیر از انذار، هدف های دیگری نیز دارد.

با آنکه انبیا مبشّران هدایت و نجاتند، ولی چون دفع ضرر مقدّم بر جلب منفعت است و نیاز روحی انسان به انذار بیشتر است، در قرآن کلمه نذیر و مشتقات آن، بیش از بشیر و مشتقات آن به کار رفته است.

پیام ها :

1 - قرآن، در بردارنده ی همه برکات است. (همچون : هدایت، عبرت، شفا، رشد، عزّت) مبارک

2- قرآن، هماهنگ با کتب آسمانی دیگر و تصدیق کننده آنهاست و این نشانه ی وحدت هدف و الهی بودن آنهاست. مصدّق

3- در تبلیغ باید از اُمّالقری و مراکز مهم شروع کرد و سپس به اطراف پرداخت. لتنذر اُمّالقری و من حولها

4- عقیده به قرآن و قیامت، در کنار هم است. یؤ منون بالآخرة یؤ منون به

5- روشن ترین مظهر ایمان، نماز است. علی صلاتهم یحافظون

6- ایمان به آخرت، از عوامل مراقبت بر نماز است. یؤ منون بالآخرة...علی

صلاتهم یحافظون

93- مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ ءَايَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ

ترجمه :

و کیست ظالم تر از آنکه بر خدا دروغی بست و یا گفت : به من وحی شده، در حالی که چیزی به او وحی نشده است. و نیز آن کس که گفت : به زودی من هم مثل آنچه خدا نازل کرده نازل می کنم. و (ای پیامبر!) اگر ببینی زمانی را که ستمگران در سكرات مرگ قرار گرفته و فرشتگان (برای قبض روح آنان) دست

های (قدرت) خویش را گشوده و فرمان جان دادن می دهند (و می گویند): امروز به خاطر نسبت های ناروا که به خداوند می دادید و از آیات او سرپیچی می کردید، به عذاب خوارکننده کیفر داده خواهید شد.

نکته ها :

در شأن نزول این آیه چنین آمده است : شخصی به نام عبد بن سعد از نویسندگان وحی بود. رسول خدا ﷺ او را به خاطر خیانتی طرد کرد. او هم مردم را جمع کرده و می گفت : من نیز می توانم آیاتی مثل قرآن بیاورم. بعضی هم شأن نزول آیه را ادعای پیامبری مسیلمه کذاب دانسته اند که در اواخر عصر پیامبر ﷺ پیش آمد و آیه را مدنی پنداشته اند که به امر پیامبر در اینجا گنجانده شده است.

غَمَرَات از غمره، به معنای شداید لحظه ی مرگ است که انسان را در کام خود فرومی برد.

برخی از مدعیان پیامبری عبارت بودند از: مسیلمه در یمن، أسود عنسی در یمن، طلیحه اسدی در بنی اسد. (187)

امام صادق علیه السلام فرمود: مراد از عذاب هون، مرگ در حال تشنگی است. (188)

امام باقر علیه السلام کسانی را که بی جهت ادعای امامت کنند، از مصادیق این آیه دانسته اند. (189)

پیام ها :

1 - افترا به خداوند ظلم فرهنگی است و ادعای رهبری از سوی ناهلان، بزرگ ترین ظلم است. **وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افترى...أَوْ قَالَ اوحى الیّ**

2- دشمن حقّ، یا حقّ را پایین می آورد، یا خود را بالا می برد. ابتدا می گوید: قرآن افسانه است، اگر موفق نشد، می گوید: من هم می توانم مثل قرآن حرف های جالب بزنم. **سَأَنْزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ** در جای دیگر می خوانیم: **لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا** (190)

3- مدعیان ناهل و دروغین مناصب دینی، بدجان می دهند. **وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ...**

4- کیفرهای اخروی از لحظه ی مرگ شروع می شود، به کافران می گویند: جان بده، بمیر، **أَخْرَجُوا أَنْفُسَكُمْ** که همراه با نوعی تحقیر است.

5- روح انسان از جسم او مجرد و مستقلّ است. **أَخْرَجُوا أَنْفُسَكُمْ**

6- کیفر توهین به وحی و دین، عذاب مهین و خوارکننده است. **تَجْزُونَ عَذَابَ**

الهُون

94- **مُونَا فَرَدَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَأَى ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَوْا لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ**
ترجمه :

به راستی همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم، اکنون نیز (به هنگام مرگ یا قیامت) تک و تنها نزد ما آمدید و همه ی اموالی را که به شما دادیم پشت سر گذاشتید و آن شفیعان را که در (تعیین سرنوشت) خودتان شریکان خدا می پنداشتید، همراه شما نمی بینیم. به راستی (پیوندهای) میان شما گسسته و آنچه (از شریکان و شفیعان که به نفع خود) می پنداشتید از (دست) شما رفت.

نکته ها :

این خطاب، در لحظه ی مرگ یا هنگام قیامت، با مشرکان صورت می گیرد.

خَوَّلْنَا از خَوْلٌ، به معنای چیزی است که نیاز به سرپرست دارد و معمولاً به اموال گفته می شود. **خَوَّلْنَاكُمْ** به معنای تملیک و اعطاست.

پیام ها :

1 - در قیامت، انسان، تنهاست. **جِئْتُمْنَا فُرَادَى**

2- معاد، جسمانی است. **كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ**

3- مشرکان به چهار چیز تکیه داشتند: قوم و قبیله، مال و دارایی، بزرگان و اربابان و بت ها و معبودان.

این آیه، بی ثمری هر چهار تکیه گاه را در قیامت مطرح می کند:
فُرَادَى بدون قوم و قبیله.

تَرَکْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ بدون مال و ثروت و دارایی.

مَا نَرَى مَعَكُمْ شُفْعَاءَ بدون یار و یاور.

ضَلَّ عَنْكُمْ محو تمام قدرت های خیالی.

4- گمان های بی پایه، اساس بسیاری از گمراهی هاست. **شُفْعَاكُمُ الَّذِينَ**

زعمتم

5- در قیامت، حقایق ظاهر و سراب ها، محو می شوند. **ضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ**

تزعمون

95- **إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ**

الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمْ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ

ترجمه :

همانا خداوند، شکافنده ی دانه و هسته است، زنده را از مرده بیرون می آورد و بیرون آورنده ی مرده از زنده است. آن است خداوند شما، پس چگونه (از حق) منحرف می شوید؟

نکته ها :

فالق از فلق به معنای شکافتن است. حَبَّ و حَبَّة، به دانه های خوراکی و غذایی مثل گندم و جو گفته می شود. نَوَى به معنای هسته است. از علف بی جان، حیوان جاندار و از حیوان جاندار، شیر بی جان پدید می آید. از هسته بی جان، درخت زنده، و از درخت رشدیافته، هسته ی بی جان خارج می شود.

یکی از مصادیق آیه به گفته روایات آن است که گاهی از انسان های بی ایمان، افراد مؤمن پدید می آید و از انسان های با ایمان، گاهی فرزندان کافر به وجود می آید. ⁽¹⁹¹⁾ **يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ**

پیام ها :

- 1 - کاشتن دانه و هسته، کار انسان است، ولی شکافتن و رویاندن، کار خداست. **إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى**
- 2- دَقَّتْ در آثار طبیعی، از بهترین راه های خداشناسی است. **فالِقُ الْحَبِّ...مُخْرِجُ الْمَيِّتِ...ذَلِكُمْ اللَّهُ**
- 3- رزق و روزی انسان، از راه همین دانه ها و بذرهاست که خداوند رویانیده است، پس به سراغ چه کسی می رویم؟ **فَأَنَّى تَوَفَّكُونَ**

96- **فَالِقُ الْأَصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ**

ترجمه :

(خداوند)، شکافنده ی سپیده دم است، و شب را مایه ی آرامش قرار داد و خورشید و ماه را اسباب شمارش (ایام). این است اندازه گیری خداوند قدرتمند دانا.

نکته ها :

اصباح هم به معنای صبح است، هم به معنای سپری کردن شب و وارد صبح شدن، اما در اینجا مراد، هنگام دمیدن سپیده ی صبح است. در آیه ی قبل، سه نشانه از قدرت خداوند در زمین مطرح شد، در این آیه نشانه هایی از قدرت الهی در آسمان ها آمده است. شب و روز دو نشانه از قدرت الهی است که به واسطه ی گردش منظم خورشید و ماه پدید می آیند. شب، برای استراحت است و از کار و تلاش و سفر در شب، نکوهش شده است. ⁽¹⁹²⁾ (از اینکه در این آیه، شب عامل سکون و آرامش شمرده شده، معلوم می شود صبح برای کار و تلاش است.)

امام رضا علیه السلام فرمود: ازدواج را در شب قرار دهید، چون شب و همسر، هر دو وسیله ی سکون و آرامش انسانند. ⁽¹⁹³⁾

پیام ها :

- 1- پیدایش شب و روز، نیاز به قدرت و دانش دارد که این کار را با تقدیر و اندازه گیری دقیق انجام دهد. **فالق الاصباح...تقدیر العزيز العليم**
- 2- خورشید و ماه، وسیله ی نظم و حسابرسی و برنامه ریزی است. ⁽¹⁹⁴⁾
حساباً
- 3- برنامه ریزی دقیق و اجرای کامل، نیاز به علم و قدرت دارد. **تقدیر العزيز العليم**
- 4- تفکر در نظم دقیق کرات آسمانی، راه خداشناسی است. **انّی تؤفکون...فالق الاصباح...**

97- وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

ترجمه :

و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داد تا در تاریکی های خشکی و دریا، به وسیله آنها راه را یابید. قطعا ما نشانه ها را برای قومی که آگاه و دانایند به تفصیل روشن ساختیم.

نکته ها :

علم هیئت، از قدیمی ترین علوم بشری است و انسان از ستارگان در سفرهای صحرائی و دریایی بهره می برده است. این وسیله ابزاری مطمئن، همیشگی، دست نخورده، طبیعی، عمومی و بی هزینه است.

اسلام به مظاهر طبیعت، توجه خاصی دارد. نام برخی سوره ها از اشیای طبیعی است. عبادات اسلامی نیز با طبیعات گره خورده است، همچون : وقت شناسی، قبله شناسی، خسوف و کسوف و نماز آیات، اوّل ماه و هلال. اینها سبب آشنایی مسلمانان با علم هیئت و ایجاد رصدخانه هایی در بغداد، دمشق، قاهره، مراغه و اندلس و نگارش کتاب هایی در این زمینه به دست مسلمانان شد.

خداوند برای سفرهای دریایی و صحرائی که در عمر انسان ها به ندرت پیش می آید، خداوند راهنما قرار داده است، آیا می توان پذیرفت که برای حرکت دائمی انسان ها و گم نشدنشان در مسیر حق، راهنما قرار نداده باشد؟ و این بیانگر لزوم رسالت و امامت برای هدایت بشر می باشد.

در احادیث مراد از ستارگان هدایت کننده، رهبران معصوم و اولیای خدا بیان

شده است. (195)

پیام ها :

1 - ستارگان، مخلوق خدا و وسیله ی راهیابی اند، (نه آنگونه که برخی پنداشتند خالق و مدبرند). **جعل لکم النجوم لتهدوا بها**

2- نظام ستارگان آسمان چنان دقیق است که می توان راه های زمینی را با آن پیدا کرد. **لتهدوا بها**

3- شناخت وزن و حجم و میزان فاصله و سرعت حرکت و مدار ستارگان و کلاً علم ستاره شناسی و نجوم، به تنهایی انسان را به خدا نمی رساند، باید انسان اراده کند و بخواهد که از این راه، خدا را بشناسد. **لقوم یعلمون**

(آری، تنها نگاه به آینه برای اصلاح سر و صورت کافی نیست، بلکه اراده و تصمیم و اقدام برای اصلاح نیز لازم است، چه بسیارند آینه فروشانی که دائماً به آینه نگاه می کنند، ولی حتی یقه ی خود را صاف نمی کنند).

98- **وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا**

الآيَاتِ لِقَوْمٍ يُفْقَهُونَ

ترجمه :

و اوست کسی که شما را از یک نفس آفرید، پس برخی قرار یافته (و به دنیا آمده اند) و برخی (در پشت پدرها و رحم مادرها) به امانت گذاشته شده اند. ما آیات خویش را برای گروهی که می فهمند به تفصیل بیان کردیم.

نکته ها :

در تعبیر انشأ دو نکته نهفته است : 1 ابتکار 2 تربیت مستمر، در آفرینش انسان هم نوآوری و ابتکار است، هم تربیت مستمر. آری، آفریدن تقلیدی یا آفریدن و رها کردن، چندان ارزشی ندارد.

در باره ی تعبیر مستقر و مستودع، معانی دیگری هم گفته شده است، از جمله : شما دارای روح پایدار و جسم ناپایدارید، شما دارای ایمان پایدار و یا ناپایدارید، شما از نطفه ی زن که در رحم پایدار است و نطفه ی مرد که ناپایدار است پدید آمده اید، مستقر در زمین و ودیعه ی در قبر تا روز قیامت هستید، نعمت ها گاهی پایدار است و گاهی ناپایدار. در دعایی از امام صادق علیه السلام نقل شده که پس از نماز عید غدیر، از خدا خواسته شود نعمت هایش را برای ما مستدام بدارد، چون خود فرموده است : **فمستقر و مستودع.** (196)

پیام ها :

- 1- اصل و ریشه ی همه ی شما یکی است، پس این همه اختلاف و برتری طلبی و تبعیض چرا؟ **من نفس واحدة**
- 2- این همه تنوع و نوآوری در خلقت انسان ها تنها از یک نفس، نشانه ی عظمت خداوند است. **و هو الذی انشاکم من نفس واحدة**
- 3- همه ی داده ها پایدار نیست. تا نعمت و امکانات هست، بهترین استفاده و بهره را ببریم. **فمستقر و مستودع**
- 4- انسان تا اهل فهم نباشد، از معارف بهره نمی برد. **قد فصلنا الایات لقوم یفقهون**

99- **و هو الذی انزل من السما ما فاخرجنا به نبات کل شی فاخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا مترا راکباً و من النخل من طلعها قنوان دانیة و جنت من اغاناب والزیتون والرمان مشتبهاً و غیر متشبه انظروا الی ثمره إذا اثمر وینعه ان فی ذلکم لآیت لقوم یؤمنون**

ترجمه :

و او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، پس به وسیله ی آن، هر گونه گیاه برآوردیم و از آن سبزه ها خارج ساختیم. از آن (سبزه ها) دانه های برهم نشسته و چیده شده بیرون آوریم. و از شکوفه ی خرما خوشه هایی نزدیک بهم (پدید آوریم) و نیز باغ هایی از (انواع) انگورها و زیتون و انار (پرورش دهیم) که برخی شبیه به هم و برخی غیر متشابهند. به میوه ی آن، آنگاه که بار دهد و آنگاه که میوه می رسد بنگرید. همانا در آن، نشانه هایی برای گروه با ایمان است.

نکته ها :

در آیه ی قبل فرمود: همه ی انسان ها از نفسِ واحدند، در این آیه می فرماید: همه ی گیاهان و درختان و میوه ها نیز از یک سرچشمه اند و آن آب باران است.

متراکب از ریشه ی رکوب، میوه های سوار بر هم و دانه های درهم فشرده است. طلع خوشه ی سر بسته خرماست و قنوان، رشته های باریک که بعداً خوشه های خرما را تشکیل می دهد. دانیة، خوشه های به هم نزدیک و یا نزدیک به زمین، به خاطر سنگینی بار آن است. مراد از متشابه، یا درختانی است که شباهت ظاهری به هم دارند مثل زیتون و انار و یا میوه هایی است که شبیه به یکدیگرند.

در این آیه و دو آیه قبل سه تعبیر پی در پی آمده است: **لقوم یعلمون، لقوم یفقهون و لقوم یؤمنون** که رمز آن در پیام 4، بیان گردیده است.

پیام ها :

1 - مایه ی رویش همه ی گیاهان و نباتات، آب باران است. **من السماء ماء**

فأخرجنا به نبات کل شیء

- 2- هم نزول باران، هم رویاندن گیاه و میوه، کار خداست. **أَنْزَلَ...نَخْرَجَ**
- 3- رابطه ی انسان با میوه ها فقط رابطه ی مادی و غذایی نباشد، بلکه رابطه ی فکری و توحیدی هم باشد. **أَنْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ...فِي ذَلِكُمْ لآيَاتٍ**
- 4- بهره گیری از ستارگان، علم و کارشناسی لازم دارد. **لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ**، درک اینکه کاروان بشری همه از یک نفس است و این کاروان، به صورت پایدار و ناپایدار در جریان است درک عمیق می طلبد. **لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ**، درک اینکه از گیاه و باران و میوه باید بهره ی معنوی برد و از انتساب همه ی هستی به خدا نباید غافل بود، ایمان می طلبد. **لِقَوْمٍ يُوْمِنُونَ**

100- **وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ**

ترجمه :

و آنان برای خدا شریکانی از جنّ قرار دادند، در حالی که آنان را نیز خدا آفریده است و از روی نادانی برای خداوند، پسران و دخترانی ساخته و پرداختند. خداوند برتر و منزّه است از آنچه آنان درباره ی او وصف می کنند.

نکته ها :

خلق، ایجاد چیزی از روی حساب است و خرق، پاره کردن چیزی بی رویه و بی حساب. خرقوا یعنی بدون دقّت و مطالعه مطلبی را اظهار کردن، یا بدون حساب ساختن و و بی دلیل ادّعا کردن است. ⁽¹⁹⁷⁾

به گفته ی قرآن، مسیحیان، حضرت عیسی را و یهودیان حضرت عزیر را پسر خدا می دانستند. ⁽¹⁹⁸⁾ جمعی هم ملائکه را فرزندان خدا می پنداشتند. زردشتیان، اهریمن را که از جنّ بود رقیب خدا قرار داده و همه ی بدی ها را به او منسوب می کردند، برخی عرب ها هم میان خدا و جنّ، نسبتی فامیلی معتقد

بودند. جعلوا بينه وبين الجنة نسباً¹⁹⁹) این آیه همه ی آن گمان ها را باطل
شمرده و می فرماید: خداوند از همه ی این اوصاف، منزّه و برتر است.

پیام ها :

1 - جهل، ریشه ی خرافه گرایی است. خرقوا...بغیر علم (عقائد انسان نسبت
به خداوند باید بر اساس علم باشد).

2- چگونه مخلوق، شریک خالق می شود؟ شرکاً...و خلقهم

3- ازدواج و فرزند آوری، تأمین یک کمبود و نقص است و خداوند از این
عیب ها، منزّه است. سبحانه

101- بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنِّي يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَحِيبَةً
وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

(او) پدید آورنده ی آسمان ها و زمین است، چگونه برای او فرزندی باشد،
در حالی که برای او همسری نبوده است و او هر چیز را آفریده و به هر چیز
دانا است.

102- ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَأَعْبُدُوهُ وَهُوَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

ترجمه :

آن است خداوند، پروردگار شما، معبودی جز او نیست، آفریدگار هر چیز
است، پس او را پرستید و او نگهبان و مدبّر همه چیز است.

نکته ها :

کلمه ی بدیع به معنای آفریدن ابتکاری است (نه تقلیدی).

آنکه آسمان ها و زمین را بدون تقلید و نقشه ی قبلی آفرید، چه نیازی به فرزند و همسر دارد؟ او با یک اراده، آنچه را بخواهد خلق می کند.

خالق کلّ شیء توحید در خلق است و هو علی کلّ شیء وکیل توحید در امر است. له الخلق والامر⁽²⁰⁰⁾.

پیام ها :

- 1 - آفریدگار جهان، توانمند است و نیازی به همسر و فرزند ندارد. بدیع السموات
 - 2- خدایی را که قرآن معرفی می کند، با خدایی که دیگران عقیده دارند مقایسه کنید. ذلکم الله
 - 3- در عقیده ی اسلامی، آفریدگار و پروردگار یکی است. ربکم...خالق کلّ شیء (اما مشرکین، خالق را الله می دانند، ولی عقیده به چندین ربّ دارند).
 - 4- خالقیت مطلقه ی خدا، دلیل توحید است. لا اله الا هو خالق کلّ شیء
 - 5- هم آفرینش به دست خداست، هم بقا و ثبات هر چیز به اراده ی اوست.
- خالق وکیل
- 6- ربوبیت و خالقیت خدا، فلسفه ی پرستش است. ربکم...خالق کلّ شیء
- فاعبدوه

103- لَا تَدْرِكُهُ الْاَبْصَرُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْاَبْصَرَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

ترجمه :

چشم ها او را در نمی یابد، ولی او چشم ها را در می یابد و او نامرئی و دقیق و باریک بین و آگاه است.

نکته ها :

کلمه ی بَصَرَ هم به معنای چشم است و هم به معنای بصیرت. ⁽²⁰¹⁾ بنابراین آیه را می توان چنین معنا کرد: نه چشم ظاهری، خداوند را می بیند و نه دل به عمق معرفت او راهی دارد.

لطیف چند معنی دارد: 1 آنکه عطای خود را کم بشمارد و طاعت مردم را بسیار،

2- دقیق، رسیدگی پنهانی به امور و باریک بینی، 3 خالق اشیای ظریف و ناپیدا.

4- اهل مدارا و رفاقت، 5 پاداش دهنده ی اهل وفا و بخشاینده ی اهل جفا. امام رضا علیه السلام فرمود: لایقع الاوهام و لایدرک کیف هو، افکار و اوهام بر خداوند احاطه ندارد و ذات او آنگونه که هست قابل ادراک نیست. ⁽²⁰²⁾

خداوند، هرگز دیدنی نیست. همین که حضرت موسی از زبان مردم درخواست دیدن خدا را نمود، پاسخ شنید: **لَنْ تَرَانِي** ⁽²⁰³⁾ هرگز مرا نخواهی دید. برخی از اهل سنت گفته اند: خدا در قیامت دیده می شود و به آیاتی همچون **الِي رَبِّهَا نَاطِرَةٌ** ⁽²⁰⁴⁾ استدلال می کنند. ⁽²⁰⁵⁾ غافل از آنکه خداوند، جسم و ماده نیست و مراد از نظر به خداوند، نگاه با چشم دل است، زیرا دیدن با چشم، در جایی است که چیزی دارای جسم، مکان، محدودیت، رنگ و... باشد و همه ی اینها نشانه ی نیاز و عجز است که خداوند از این نقص ها مبرا می باشد.

امام علی علیه السلام می فرماید: نه تنها چشم او را نمی بیند، بلکه وهم و فکر نیز نمی تواند بر او احاطه پیدا کند. ⁽²⁰⁶⁾ سعدی در ترسیم این مطلب می گوید:

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم و از آنچه گفته اند و شنیدیم و خوانده ایم
مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما همچنان در اوّل وصف تو مانده ایم

مراد از جمله ی **یدرک الابصار**، علم او به دیده های انسان است، مانند سمیع و بصیر که به معنای علم او به شنیدنی ها و دیدنی هاست.

پیام ها :

- 1 - خداوند، جسم مادّی نیست. **لاتدرکه الابصار**
- 2- هیچ کس از ذات خداوند آگاه نیست. **هو اللطیف**
- 3- هیچ پرده و مانعی جلوی علم خدا را نمی گیرد. **هو اللطیف الخبیر**
- 4- با اینکه زشتی های ما را می داند باز هم به ما لطف دارد. **وهو اللطیف**

الخبیر

5- خداوند به همه ی لطائف و رموز هستی آگاه است. **هو اللطیف الخبیر**

104- **قَدْ جَأَكُمْ بِصَائِرٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا**

وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

ترجمه :

همانا از سوی پروردگارتان، مایه های بینش و بصیرت، (کتب آسمانی و دلائل روشن) برای شما آمده است. پس هر که بصیرت یافت، به سود خود اوست و هر کس کوری گزید، به زیان خویش عمل کرده است و من نگهبان و ضامن (ایمان شما به اجبار) نیستم.

نکته ها :

از آیه ی 95 تا اینجا در معرفّی خدا و انتقاد از شرک بود، این آیه به منزله ی نتیجه و خلاصه ی آیات گذشته است.

مشابه این آیه در قرآن زیاد است که نتیجه ی ایمان و کفر، خوبی و بدی، یا

بصیرت و کوردلی انسان را متوجّه خود او می داند. همچون :

لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ (207)

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَأَ فَعَلَيْهَا (208)

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِنَفْسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا (209)

پیام ها :

- 1 - با نزول قرآن، راه عذری بر هیچ کس باقی نمانده است. قد جاکم بصائر
- 2- مردم در انتخاب راه، آزادند. مَنْ أَبْصَرَ... وَمَنْ عَمِيَ
- 3- آگاه کردن مردم، از شئون ربوبیت الهی است. بصائر من ربکم
- 4- سود ایمان و زیان کفر مردم، به خودشان برمی گردد نه خدا.

فلنفسه... فعلیها

- 5- کیفر گروهی از مردم، نشانه باطل بودن تعالیم انبیا نیست، بلکه نشانه ی کوردلی خود آنان است. و مَنْ عَمِيَ

6- وظیفه ی پیامبر، ابلاغ است نه اجبار. ما أنا علیکم بحفیظ

105- وَ كَذَلِكَ نُنْصِرُ الْآيَاتِ وَ لِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَ لِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ

يَعْلَمُونَ

ترجمه :

و بدین سان آیات را در شکل های گوناگون بیان می کنیم، (تا وسیله هدایت شود ولی کافران ایمان نیاورده) و گویند: تو (تزد کسی) درس خوانده ای! (بگذار بگویند، ولی ما) برای کسانی بیان می کنیم که اهل فهم و علم باشند.

نکته ها :

کفار برای باز کردن راه تکذیب پیامبر می گفتند: این حرف ها از خودش نیست، از دیگری آموخته است. دَرَسْتَ چنانکه در موارد دیگر نیز می گفتند: **أَمَّا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ (210)** انسانی به او یاد داده است، **أَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ (211)** گروهی دیگر کمکش کرده اند.

پیام ها :

1 - تنوع در شیوه ی بیان و استدلال و آموزش، راه پذیرش را بازتر می کند. **نصرف الایات**

2- مخالفین به اهمیّت قرآن اعتراف دارند و می گویند: این معارف را از کسی آموخته و نمی گویند حرفها بی محتوی است. **دَرَسَتْ**

3- در مقابل آیات الهی، برخی با تهمت و انکار ایستادگی می کنند. **دَرَسَتْ**، ولی برخی که اهلند، ارشاد می شوند. **لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ**

ادباً بَطَّ . فطرد به كف لا خش ع در باغ، لاله روید ودر شوره زار، خَس ت. _____ سی ز

106- **إِ تَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ**

الْمُشْرِكِينَ

ترجمه :

تنها آنچه را از سوی پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن، معبودی جز او نیست و از مشرکان روی بگردان.

نکته ها :

در آیه ی قبل، تهمت مشرکان به پیامبر مطرح شد که می گفتند: کلام تو وحی نیست، بلکه آموخته از دیگران است. اینجا به پیامبر دلداری می دهد که تو کار خویش را بکن و به حرف مخالفان اعتنایی نداشته باش.

شیوه های برخورد با مخالفان، در موارد مختلف متفاوت است، از جمله :

گاهی سلام کردن است. **إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا** (212)

گاهی سکوت و عدم برخورد است. **ذَرَهُمْ** (213)، **حَسْبُنَا اللَّهُ** (214)

گاهی اعراض و بی اعتنایی است. **أَعْرِضْ عَنْهُمْ** (215)

گاهی درشتی و غلظت است. و اغلظ علیهم (216)

گاهی مقابله به مثل است. فأعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم (217)

پیام ها :

1 - رهبران الهی نباید با تهمت ها و تحقیرها و تحلیل های ناروای دشمنان،

در راه خود سست شوند. اَتَّبِعْ مَا يُوْحَىٰ إِلَيْكَ

2- گاهی بشر چنان سقوط می کند که پیامبر اکرم ﷺ نیز به فرمان الهی از

او روگردان می شود. وَأَعْرَضَ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

107- وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ

عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

ترجمه :

و اگر خداوند می خواست (همه به اجبار ایمان می آوردند و) شرک نمی

ورزیدند (ولی سنت الهی چنین نیست) و ما تورا بر آنان نگهبان قرار ندادیم و

تو وکیل (ایمان آوردن) آنان نیستی.

نکته ها :

مشیت و خواست خداوند دو گونه است : خواست تشریحی و خواست

تکوینی. خداوند از نظر تشریحی، هدایت همه ی مردم را خواسته است و لذا

پیامبران و کتب آسمانی را فرستاده است، اما از نظر تکوینی خواسته است که

مردم بر اساس اراده و اختیار خود، راه را انتخاب کنند، نه آنکه مجبور به

پذیرش دین باشند.

پیام ها :

1 - اراده و خواست خداوند، تخلف ندارد. لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا

- 2- مشیّت و اراده الهی بر آزاد گذاشتن انسان هاست و وجود مشرکین، نشانه ای از این آزادی است. **ولو شاء الله ما اشركوا**
- 3- پیامبران الهی، مربّی و معلّم مردمند نه زندانبانانی که با زور و تحمیل، دستور دهند. **ما جعلناك عليهم حفيظا**
- 4- پیامبر، نه مسئول دفع بلا از مشرکان و نه مسئول جلب منفعت برای آنان است. **ما جعلناك عليهم حفيظا و ما انت عليهم بوكيل**
- 5- انبیا ضامنِ وظیفه اند نه نتیجه. با آن همه تلاش، گروه بسیاری مشرک ماندند. **و ما أنت عليهم بوكيل**
- 6- پیامبر، برای هدایت مردم سوز و گداز داشت. **و ما أنت عليهم بوكيل**

108- **وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِم مَّرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ**

ترجمه :

و به (معبود) کسانی که غیر خدا را می خوانند ناسزا نگوئید که آنان نیز از روی جهل و دشمنی به خداوند ناسزا می گویند. ما این گونه عمل هر امتی را برایشان جلوه دادیم. سپس بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است، پس خداوند آنان را به آنچه می کردند خیر می دهد.

نکته ها :

خداوند، انسان را چنان آفریده که چه کارهای خوب و چه کارهای بد، کم کم در روح او تأثیر می گذارد و به آن عادت می کند. از این رو، زینت دادن کارها گاهی به خدا نسبت داده شده، **زینّا**، که خالق این تأثیر است، و گاهی به

شیطان نسبت داده شده که از طریق وسوسه و وعده، زشت ها را زیبا جلوه می دهد. **زین لهم الشیطان** (218)

حضرت علی علیه السلام در جنگ صفین به سربازان خود توصیه می کرد که به پیروان معاویه دشنام و ناسزا نگویند، بلکه سیمای آنان را مطرح کنند که بهتر از دشنام است. (219)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: از مصادیق دشنام به خدا، دشنام به ولی خداست. (220)

حساب لعن و نفرین و برائت، از حساب دشنام و ناسزا جداست. لعن و برائت که در آیات دیگر قرآن از سوی خداوند اعلام شده، در واقع بیانگر اظهار موضع ما در برابر ستمگران و مشرکان است که بیزاری خود را از راه آنان اعلام می کنیم. **لعنة الله على الظالمين** (221)، **برائة من الله...** (222)

پیام ها :

1 - احساسات خود را نسبت به مخالفان کنترل کنیم و از هرگونه بد دهنی و ناسزا پرهیزیم. **لا تسبوا**

2- به بازتاب برخوردهای خود توجه کنیم. **لا تسبوا... فیسبوا الله**

3- با فحش و ناسزا، نمی توان مردم را از مسیر غلط باز داشت. **لا تسبوا**

4- ناسزاگویی، عامل بروز دشمنی و کینه و ناسزا شنیدن است.

لا تسبوا... فیسبوا... عدوا

5- دشنام، یا نشانه نداشتن منطق است، یا نداشتن ادب و یا صبر. (مسلمان

با پرهیز از ناسزا، باید نشان دهد که صبر و منطق و ادب دارد.) **لا تسبوا**

6- هر کاری که سبب توهین به مقدسات شود، حرام است. **فیسبوا الله**

7- استفاده از حربۀ ی دشنام و ناسزا، در نهی از منکر و تبلیغات و مناظرات ممنوع است. **لاتسبّوا**

8- کاری که سبب کشیده شدن دیگران به گناه و حرام می شود، حرام است. **لاتسبّوا... فیسبّوا** (223)

9- گاهی انسان ناخودآگاه در گناه دیگران شریک می شود، آنجا که مقدمات گناه دیگران را فراهم کند. **فیسبّوالله**

10- از سنت های الهی، زیبا جلوه کردن اعمال امت ها در نظر آنان است. **زینا لكل أمة عملهم** (هر امتی اعمال خود را هرچند ناحق باشد، زیبا می پندارد)

11- جلوه نمایی و زیبایدن، نشانه ی حقانیت نیست. **زینا لكل أمة عملهم**

12- آگاه کردن مردم از کرده های خویش در قیامت، از شئون ربوبیت الهی است. **الی ربهم مرجعهم فینبهم...**

109- **وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِّيُؤْمِنُوا بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ**

ترجمه :

و با سخت ترین سوگندهایشان به خدا قسم یاد کردند که اگر معجزه و نشانه ای برایشان بیاید، قطعاً به آن ایمان خواهند آورد. بگو: معجزات، تنها نزد خداست (و به دست اوست) و چه می دانید (بلکه ما می دانیم) که اگر معجزه ای هم بیاید، (باز هم) آنان ایمان نخواهند آورد.

نکته ها :

گروهی از کفار قریش، نزد پیامبر آمده، گفتند: تو هم مانند موسی و عیسی معجزاتی بیاور تا به تو ایمان آوریم، حضرت پرسید: چه کنم؟ گفتند: کوه صفا را تبدیل به طلا کن، مردگان ما را زنده کن، خدا و فرشتگان را نشانمان بده و

آنگاه سوگند یاد کردند که در این صورت ایمان خواهند آورد. آیه نازل شد که معجزه دست خداوند است و طبق حکمت انجام می گیرد، نه هوس های مردم. (224)

معجزه به مقدار اتمام حجّت لازم است، نه به مقدار ارضای تمایلات هر فرد. بگذریم که برخی پیشنهادهای مثل دیدن خدا خلاف عقل است و چنان نیست که نظام هستی بازیچه ی هوس های مشرکان باشد.

پیام ها :

1 - مشرکین مکه، الله را قبول داشتند و به آن سوگند یاد می کردند. **أقسموا**

بالله

2- فریب سوگندهای دروغین مخالفان را نخورید. **واقسموا بالله جهد ايمانهم**

3- برهان خواهی آری، تسلیم شدن در برابر هوسها هرگز. **انما الايات**

عندالله

4- معجزات پیامبران، به دست خداست. **انما الايات عندالله**

5- لجاجت، درد بی درمانی است که صاحبان آن، با دیدن هر نوع معجزه،

باز هم ایمان نمی آورند. **لايؤ منون**

110- **وَتَقَلَّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَرَ هُمْ كَمَا لَمْ يَأْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَدَرْتَهُمْ**

فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

همان گونه که در آغاز ایمان نیاوردند، این بار نیز دلها و چشم هایشان را دگرگون و واژگون می کنیم و آنان را در طغیانشان رها می سازیم تا سرگردان بمانند.

پیام ها :

1 - وارونه شدن دل افراد لجوج، سنت خداوند است. **وَتَقَلَّبُ أَفْئِدَتَهُمْ**

- 2- ایمان به خدا و رسالت نیاز به قلب سالم دارد. **و نُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ**
- 3- گناه و لجاجت، دید و بینش انسان را دگرگون می سازد. **و نُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ**
- 4- کسی که با دیدن معجزات اولیه ایمان نیاورده، نباید تقاضای معجزات دیگری کند. **لَمْ يَأْمَنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ**
- 5- گرچه خداوند مقلب القلوب است، ولی این انسان است که با انتخاب ایمان یا کفر زمینه دگرگونی را فراهم می کند. **نُقَلِّبُ... کما لم یؤمنوا**
- 6- طغیان، ریشه ی کفر است. **لم یؤمنوا... طغیانهم**
- 7- کسی را که خداوند رها کند، سرگردان می شود. **نذرهم... یعمهون**

جزء 8

111- **وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ**

ترجمه :

و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان نازل می کردیم و مردگان با آنان سخن می گفتند و همه چیز را (به گواهی صدق و اعجاز) دسته دسته در برابرشان گرد می آوردیم باز هم ایمان نمی آوردند، مگر آنکه خداوند بخواهد (به اجبار ایمان آورند)، ولی بیشترشان نادانی می کنند.

نکته ها :

گویا یکی از درخواست های مشرکان، نزول فرشتگان و سخن گفتن مردگان با آنان بوده است، غافل از آنکه این مشرکان به قدری لجوجند که حتی اگر امور غیبی مثل فرشتگان برای آنان محسوس شود باز هم ایمان نخواهند آورد. سعدی نیز می گوید:

چون بود اصل گوهری قابل تربیت را در او اثر باشد

هیچ صیقل نکو نداند کرد آهنی را که بد گهر باشد
سگ به دریای هفتگانه مشوی چون شود تر، پلیدتر باشد
خر عیسی گرش به مکه بری چون بیاید هنوز خر باشد
قُبُل یا به معنای مقابل است، یا جمع قبیل، به معنای گروه و دسته.

در دو آیه ی قبل، ادعای دروغ مشرکان مطرح شد که می گفتند: اگر معجزه
بیاید ایمان می آوریم، اینجا نمونه آن معجزات مطرح شده است.

شبهه این آیه، در سوره ی حجر آیات 14 و 15 آمده است: **وَلَوْ فَتَحْنَا
عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرَجُونَ لَقَالُوا إِنَّمَا سُكَّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ
مَسْحُورُونَ** اگر از آسمان دری باز شود و کفار از آن بالا روند، باز هم گویند:
چشم ما را جادو کرده اند.

پیام ها :

1 - برای دل‌های لجوج، هیچ آیه و نشانه ای زمینه ساز ایمان نمی گردد. **ما
كانوا ليؤمنوا**

2- خدا اگر بخواهد، می تواند به اجبار، همه را مؤمن سازد، ولی این خلاف
حکمت اوست. **ما كانوا ليؤمنوا الا ان يشاء الله**

3- جهالت، عامل ایمان نیاوردن به آیات الهی است. **ما كانوا ليؤمنوا...و لكن
اكثرهم يجهلون**

112- **وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي
بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَهُمْ
وَمَا يَفْتَرُونَ**

ترجمه :

ای پیامبر! اینان تنها در برابر تو به لجاجت نپرداختند، بلکه ما این گونه برای هر پیامبری، دشمنی از شیطان های انس و جن قرار دادیم. که برخی از آنان حرف های دلپسند و فریبنده را به برخی دیگر مرموزانه القا می کنند. البته اگر پروردگارت می خواست، چنین نمی کردند. (ولی سنت الهی بر آزادی انسان ها می باشد)، پس آنان را و آنچه به دروغ می سازند به خود واگذار.

نکته ها :

در دو آیه ی قبل آمده بود که : ما آنان را به حال خود رها کردیم، نذرهم فی طغیانهم یعمهون اینجا می فرماید: تو نیز آنان را به حال خود رها کن. فذرهم سقوط انسان، از قبول وسوسه ی شیطان شروع می شود، یوسوس فی صدور الناس⁽²²⁵⁾ آنگاه هر که وسوسه در او اثر گذاشت از یاران شیطان می شود، إخوان الشیاطین⁽²²⁶⁾ و در نهایت خودش شیطان می گردد. شیاطین الانس تضاد و درگیری، زمینه ساز تکامل اختیاری است. به همین جهت خداوند، جهان را عالم تراحم و تضاد اختیاری قرار داده است. وکذلک

پیام ها :

- 1 - از عوامل استقامت و پایداری انسان، آگاهی از تاریخ و مشکلات دیگران است. وکذلک
 - 2- مبارزه حق و باطل، در طول تاریخ وجود داشته است. وکذلک
 - 3- رهبر جامعه، باید برای مخالفت ها آماده باشد. وکذلک
 - 4- انتظار ریشه کن شدن مخالفان و بدخواهان را نداشته باشیم. وکذلک
- جعلنا
- 5- از سنت های الهی روبرو شدن انبیا با مخالفان گوناگون است. وکذلک
- جعلنا لكل نبیّ عدواً

6- کفار لجوج، شیطانند. شیاطین الانس...

7- شیاطین انس و جنّ از طریق القا به یکدیگر، با هم ارتباط دارند. یوحی

بعضهم الی بعض...

8- شیاطین، روشهای شیطنت را به یکدیگر می آموزند. یوحی بعضهم الی

بعض

9- مخالفان انبیا، تبلیغات درون گروهی دارند. یوحی بعضهم الی بعض

10- کلمات زیبا و فریبنده، می تواند از عوامل اغفال انسان باشد.

یوحی... زخرف القول غرورا

11- خداوند انسان را آزاد آفریده و دنیا را میدان درگیری ها قرار داده

است. ولو شأ ربك ما فعلوه

12- اختیار و آزادی بشر، در مسیر رشد و تربیت اوست. ولو شأ ربك ما

فعلوه

13- در نظام هستی، یک اراده حاکم است نه دو قدرت، یزدان و اهریمن در

برابر هم نیستند و تلاش های انحرافی از قدرت و سلطه ی الهی بیرون نیست.

ولو شأ ربك ما فعلوه

113- وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَ
لِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ

ترجمه :

و (شیاطین، سخنان فریبنده ی خود را بر مردم می خوانند) تا گوش دل آنان که به قیامت ایمان ندارند، به آن سخنان مایل شود و آن را بیسندند و آنان به دست آورند آنچه را به دنبال به دست آوردنش هستند.

نکته ها :

تَصْغَىٰ از صَغُو، به معنای تمایل است، تمایلی که از راه شنیدن حاصل می شود.

اِقْتِرَاف، به معنای تحصیل و کسب چیزی است.

پیام ها :

1 - وسوسه ها و تبلیغات، به تنهایی عامل انحراف نیست، بلکه گوش دادن و دل سپردن و جذب شدن، مؤثر است. **لتصغى... ليرضوه**

2- ایمان نداشتن به آخرت، سبب تسخیر و نفوذ شیطان است. **لايؤمنون**

بالآخرة

114- أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا
وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
الْمُتَرَبِّينَ

ترجمه :

پس (بگو:) آیا (با این همه دلایل روشن) غیر خدا را به داوری جویم ؟ در حالی که اوست که کتاب آسمانی را به تفصیل به سوی شما نازل کرد، و کسانی

که به آنان کتاب داده ایم، (یهود و نصاری) می دانند که این کتاب، از طرف پروردگارت به حق نازل گشته است، پس به هیچ وجه از تردیدکنندگان مباش.

نکته ها :

حَکَمَ را برخی با حاکم یکی دانسته اند، اما برخی گفته اند: حَکَمَ، داوری است که طرفین دعوا، او را انتخاب کرده باشند، ولی حاکم، هرگونه داور است. (227) در مجمع البیان آمده است : حَکَمَ، کسی است که به حق داوری کند، ولی حاکم، به هر قاضی گفته می شود.

در آیه 111، سخن این بود که اگر مردگان هم با اینان حرف بزنند یا فرشتگان فرود آیند، ایمان نخواهند آورد. در این آیه می فرماید: اهل کتاب، وحی بودن قرآن را می دانند و تقاضای معجزات دیگر، تنها بهانه است. پیامبر ﷺ در راه خود تردیدی ندارد، لذا خطاب لا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُتَمَتِّينَ هشدار به مسلمانان است که نگران حقانیت راه خود نباشند.

پیام ها :

1 - با وجود کتابی همچون قرآن، به سراغ داوری دیگران رفتن، نادرست و قابل توبیخ است. **أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكَمًا** (جز خداوند، کسی حق قانون گذاری و داوری ندارد)

2- خداوند، قرآن را به تفصیل نازل کرده است. **هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا**

3- قوانین و احکام اسلام، ابهام ندارد. **مُفَصَّلًا**

4- یکی از دلایل حقانیت اسلام، بشارت انبیای گذشته در تورات و انجیل است. **الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ** چنانکه در آیه ای دیگر

می فرماید: **يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ ابْنائِهِمْ** ⁽²²⁸⁾ اهل کتاب، پیامبر اسلام را همچون فرزندان خود می شناختند.

5- رهبر باید از قاطعیّتی تردیدناپذیر در راه دعوت خود برخوردار باشد.
فَلَا تَكُونَنَّ...

6- مبدا به خاطر ایمان نیاوردن اهل کتاب، در شما تردیدی پیدا شود، زیرا آنان حقانیت قرآن را خوب می دانند و انکارشان به دلیل لجاجت است. **يَعْلَمُونَ**
أَنَّهُ مَنزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

115- **وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَتِهِ وَهُوَ**

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

ترجمه :

و کلام پروردگارت، در صداقت و عدالت به حدّ کمال و تمام رسید. هیچ تغییردهنده ای برای کلمات او نیست و او شنوای داناست.

نکته ها :

مراد از کلمه در این آیه، به دلیل آیه قبل، آیات قرآن است ولی واژه ی کلمه در فرهنگ قرآن و روایات، گاهی به معنای وعده ی حتمی آمده است، و **تَمَّتْ** کلمه **رَبِّكَ الْحَسَنِي عَلِي بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا** ⁽²²⁹⁾ که تحقق وعده ی الهی را نسبت به بنی اسرائیل به خاطر صبرشان بیان می کند. گاهی به معنای دین آمده است، کلمه الله یعنی دین خدا، و گاهی به پیامبر و اولیای الهی اطلاق شده است، چنانکه درباره ی حضرت عیسی **عَلَيْهِ السَّلَامُ** می خوانیم: **كَلِمَتَهُ الْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ** ⁽²³⁰⁾ در روایات نیز از قول ائمه علیهم السلام آمده است که ما کلمات الهی هستیم. نحن الکلمات ⁽²³¹⁾

پیام ها :

1 - قرآن، آخرین کتاب آسمانی و اسلام، آخرین دین الهی است. **تَمَّتْ كَلِمَةَ**

رَبِّكَ

2- قرآن، معجزه ای کامل برای اثبات رسالت پیامبر اکرم است. **تَمَّتْ كَلِمَةَ**

رَبِّكَ

3- قرآن، پاسخگوی همه ی نیازهای هدایتی جوامع بشری است. **تَمَّتْ كَلِمَةَ**

رَبِّكَ

4- اسلام، مکمل ادیان گذشته است. **تَمَّتْ كَلِمَةَ رَبِّكَ...**

5- اتمام دین با بعثت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، جلوه ای از ربوبیت خداوند است. و

تَمَّتْ كَلِمَةَ رَبِّكَ

6- مبنای قوانین و سنت های خداوند در نظام هستی، صدق و عدل است. و

تَمَّتْ كَلِمَةَ رَبِّكَ صِدْقاً وَ عَدْلًا

7- اخبار قرآن، صادق و احکامش بر عدل استوار است. و **تَمَّتْ كَلِمَةَ رَبِّكَ**

صِدْقاً وَ عَدْلًا در آیه ی دیگر می خوانیم : **وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا** ⁽²³²⁾

8- در قرآن، تحریف راه ندارد. **لَا مَبْدَلَ لِكَلِمَاتِهِ**

9- خداوند نیازها را بسیار خوب می داند و با توجه به آن، قرآن را نازل

کرده است. **وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ**

116- **وَإِنْ تَطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ**

يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

ترجمه :

و اگر از بیشتر افراد روی زمین اطاعت کنی، تو را از راه خداوند، منحرف و گمراه می کنند. زیرا آنان جز از گمان پیروی نمی کنند و آنان، جز به حدس و گمان نمی پردازند.

نکته ها :

خَرَصٌ به معنای تخمین و حدس است. چون بعضی از تخمین ها نادرست از آب در می آید، به معنای دروغ هم آمده است. (233)

پیام ها :

1 - راه هدایت و راه قرآن ملاک است، نه راه مردم و اکثریت. و تَمَّتْ كَلِمَةَ رَبِّكَ... و إِنَّ تَطَّعْ أَكْثَرَ...

2- اکثریت، دلیل حقایق نیست. ملاک، حق است نه عدد، پس در پیمودن راه حق از کمی افراد نهراسید. إِنَّ تَطَّعْ أَكْثَرَ...

3- جلب نظر اکثریت، گاهی به قیمت نابودی و انحراف خود انسان تمام می شود. إِنَّ تَطَّعْ أَكْثَرَ... يَضْلُوكَ (در راه خدا حرکت کنیم هر چند خلاف رأی اکثریت باشد)

4- اکثریت، چنان جلوه ای دارد که خدا پیامبر را هم از تبعیت آن بر حذر می دارد. و إِنَّ تَطَّعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضْلُوكَ (انبیا باید تابع وحی باشند، نه آرای مردم)

5- ریشه ی ضلالت ها، اعتماد به حدس و گمان است. يَضْلُوكَ إِنَّ يَتَّبِعُونَ الْأَظْنَ

6- اکثریتی که به جای حق، در پی حدس و هوس باشند، قابل پیروی نیستند. إِنَّ تَطَّعْ أَكْثَرَ... يَضْلُوكَ... يَخْرُصُونَ

7- در انتخاب راه، دلیل وبرهان لازم است، نه حدس وگمان. **إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا**

الظَّنَّ...يُخْرِصُونَ

117- **إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ**

ترجمه :

قطعاً پروردگار تو، خود به کسانی که از راه او گمراه می شوند، داناتر است و او به هدایت یافتگان (نیز) آگاه تر است.

نکته ها :

مهدی، یعنی کسی که از ابتدا به هدایت الهی راه یافته است، مانند امامان معصوم علیهم السلام اما مهتدی کسی است که پس از ضلالت، هدایت شده باشد.

(234)

پیام ها :

1 - بشر نیز علم دارد، اما تنها خدا اعلم است. **هو اعلم** (ضمیر هو میان مبتدا و خبر نشانه ی انحصار است).

2 تربیت، نیاز به آگاهی عمیق دارد. **ربک...اعلم**

3 با تظاهر و نفاق، خود و دیگران را مفریبیم، که خدا همه را بهتر می شناسد. **هو اعلم من یضل...**

4 از اعلم پیروی کنیم، نه اکثریت. **و ان تطع اکثر یضلوك...ان ربك هو اعلم**

118- **فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ**

ترجمه :

پس اگر به آیات الهی ایمان دارید (تنها از) آنچه نام خداوند (هنگام ذبح) بر آن برده شد بخورید.

نکته ها :

بردن نام خداوند هنگام ذبح حیوان، نوعی مصونیت دادن به مادیات و به صحنه آوردن ایمان است. یاد خدا در هر کاری خوب است، اما در ذبح حیوان که گرفتن جان آن مطرح است، ضرورت می یابد.

از نشانه های جامعیت مکتب اسلام این است که در یک مسئله ی جزئی مانند ذبح، همه ی جوانب آن را مطرح کرده است : هم مکتب (نام خدا)، هم وسیله (آهن)، هم شیوه ی بریدن رگ ها، هم امت (مسلمان بودن کسی که ذبح می کند) و هم جهت (قبله) و هم موارد مصرف. فکلوا مما ذکر اسم الله

پیام ها :

1 - غذا و خوراک مؤ من باید جهت الهی داشته باشد. فکلوا مما ذکر اسم

الله

2- نام خداوند، مهر جواز مصرف و پروانه ی استفاده از گوشت حیوانات

قابل مصرف است. فکلوا ممّا ذکر اسم الله علیه...

3- برای تحکیم پایه های توحید، از هر فرصتی، حتی ذبح حیوان باید

استفاده کرد. آری توحید، تنها یک مسأله ی ذهنی نیست. فکلوا ممّا ذکر اسم

الله علیه

4- تغذیه ی حلال و التزام به احکام، شرط ایمان است. ان کنتم باياته مؤ

منین

119- وَمَا لَكُمْ اَلَّا تَاْكُلُوْا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا

حَرَّمَ عَلَیْكُمْ اِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ اِلَيْهِ وَاِنَّ كَثِيْرًا لَّيُضِلُّوْنَ بِاَهْوَاٰئِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ

اِنَّ رَبَّكَ هُوَ اَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِيْنَ

ترجمه :

و شما را چه شده که از آنچه که نام خداوند بر آن برده شده است نمی خورید؟ (و بی جهت حلال ما را بر خود حرام می کنید،) در صورتی که خداوند آنچه را بر شما حرام کرده خودش به تفصیل برای شما بیان کرده است، مگر آنچه (از محرّمات) که به خوردن آن مضطّر شدید، همانا بسیاری از مردم، دیگران را جاهلانه به خاطر هوس های خود گمراه می کنند. قطعاً پروردگارت به متجاوزان آگاه تر است.

نکته ها :

گروهی با با شبهه افکنی و مقایسه میان حیوان ذبح شده و مرده، مردم را به انحراف کشیده و می گفتند: چرا حیوانی را که ما می کشیم حلال است و آنچه را خدا می کشد، حرام ؟ که این آیه ضمن هوشیار نمودن مردم، پاسخ آنان را نیز می دهد.

پیام ها :

1 - هر کس بدون دلیل حلال های الهی را بر خود حرام کند باید توبیخ شود. **و ما لکم الاّ تأکلوا...** (گویا بعضی از مسلمانان تحت تأثیر سنّت های جاهلی قرار می گرفتند و حلال هایی را بر خود حرام می کردند).

2- خوردن گوشت حیوان هم اگر رنگ الهی داشته باشد حلال، و گرنه حرام است. **ذکر اسم الله**

3- همه ی محرّمات الهی، در مکتب آسمانی اسلام بیان شده است. **و قد فصل لکم ما حرم علیکم** (235)

4- اصل و قانون کلی در خوردنی ها، حلال بودن است و هر چه حرام باشد، خداوند بیان می کند. **فصل لکم ما حرم**

5- احکام اسلام، بن بست ندارد. **الاّ ما اضطرتم الیه**

6- اضطرار، تکلیف را ساقط می کند. **الّا ما اضطررتم الیه**

7- تکلیف های الهی، متناسب با شرایط زمان، مکان و توان انسان است. **الّا**

ما اضطررتم الیه

8- استفاده از خوردنی های حرام، در موارد اضطراری جایز است. **الّا ما**

اضطررتم الیه

9- تعیین حلال و حرام، بر پایه ی دستورات الهی است. **حرّم علیکم**

10- جهل و هواپرستی، از عوامل انحراف است. **لیضلّون بأهوائهم بغیر علم**

11- گمراه ساختن مردم، تجاوز به حقوق جامعه است. **أعلم بالمعتدین**

120- **وَذَرُوا ظَهْرَ الْأِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأِثْمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا**

كَانُوا يَقْتَرِفُونَ

ترجمه :

و گناه آشکار و پنهان را رها کنید، همانا کسانی که مرتکب گناه می شوند، به زودی کیفر کارهایی را که مرتکب شده اند، خواهند دید.

نکته ها :

چه در گذشته چه امروز، مردم تنها از گناه آشکار هراس داشته و دارند. بعضی گفته اند مراد از گناهان پنهان، گناهی است که آثار آن پنهان است، مثل غذاهای حرام که قساوت قلب می آورد.

پیام ها :

1 - گناه، جاذبه و کششی دارد که باید با اراده ی قاطع، از آن دل کند. **و ذروا**

ظاهر الاثم و باطنه

2- اسلام، هم به طهارت ظاهر توجه دارد، هم باطن، هم باید از گناهان

عملی دوری کرد و هم از گناهان قلبی، مانند سوء ظن. **ظاهر الاثم و باطنه**

3- کیفر الهی، برای گناهانی است که با علم و عمد انجام می گیرد. انّ الذین

یکسبون الاثم

4- گرچه شیطان وسوسه می کند، اما انسان با اراده گناه می کند. یکسبون

الاثم

5- قیامت و کیفر آخرت، دور نیست. سیجزون

6- کیفرهای الهی، نتیجه ی عملکرد خود ماست. بما کانوا یقتربون

121- وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَيَّ أَوْلِيَاءَهُمْ لِيَجْذِبُكُمْ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ

ترجمه :

و از آنچه نام خداوند بر آن برده نشده، نخورید، چرا که خوردن آن فسق (و خروج از مدار بندگی) است. همانا شیاطین، به دوستان خود القا می کنند تا به جدال با شما برخیزند (که مثلاً چه فرقی است میان حیوان مرده یا ذبح شده) و اگر از آنان اطاعت کنید، قطعاً شما هم مشرک می شوید.

نکته ها :

چون حرام خواری، قساوت قلب می آورد و زمینه ی گناهان دیگر است، اسلام آن را به شدت منع کرده است.

در آیه 5 سوره ی مائده خواندیم که طعام اهل کتاب برای شما حلال است. این آیه می گوید: گوشت هر حیوانی که نام خداوند بر آن برده نشود حرام است. از آنجا که اهل کتاب، این شرط را رعایت نمی کنند، پس گوشت حیوان آنها برای ما حرام است و مراد از طعام در آن آیه، حبوبات و امثال آن است، نه گوشت. (236)

وسوسه ی شیاطین این گونه است که می گوید: حیوان مرده را خدا کشته و کشته ی خدا بهتر از کشته ی انسان است! پس چرا حیوان مرده، حرام ولی حیوان ذبح شده حلال است؟! غافل از آنکه اجرای فرمان الهی مهم است و حیوان مرده، به خاطر بیرون نیامدن خون های کثیف از بدنش، معمولاً بیماری هایی را همراه دارد. علاوه بر آنکه مردن، خود دلیل بیماری و ناسالم بودن حیوان است.

پیام ها :

- 1 - مسلمان، حتی در مسائل تغذیه باید تعهد دینی را مراعات کند. و
لا تأکلوا ممّا لم یذکر اسم اللّٰه علیہ
- 2- بردن نام خدا به هنگام ذبح، تشریفات نیست، بلکه حکمی لازم الاجراست و ترک آن، فسق است. **إنه لفسق**
- 3- هر کجا ناباوری بیشتر است، تأکید نیز لازم است. چون پذیرفتن شرایط حلال بودن ذبح، برای مردم جاهل سنگین بود، خداوند با چند تأکید مسئله را مطرح کرد. **أنه لفسق** (جمله اسمیه، **إنّ** و حرف لام، نشان تأکید است)
- 4- انسان، در اثر مصرف حرام، زمینه ی پذیرش القائنات شیطانی را پیدا می کند. **و لا تأکلوا... و انّ الشیاطین لیوحون**
- 5- شیطان ها، قدرت وسوسه و القا دارند. **انّ الشیاطین لیوحون**
- 6- وسوسه های شیاطین، تنها در اولیای آنان نافذ است، نه در اولیای خدا. **لیوحون الی اولیائهم**
- 7- پشتوانه ی جدال های انسان، وسوسه ها وهوس هاست. **لیوحون... لیجادلوکم**

8- جدال در احکام الهی، از حربه ها و القائات شیطانی است. و ان

الشیاطین... لیجادلوکم

9- جدال در احکام دینی، انسان را به شرک می کشاند.

لیجادلوکم... لمشركون

10- خداپرستانی که در عمل، مطیع غیر خدا می باشند، مشرکند. انکم

لمشركون

122- أَوْ مَن كَانَ مَيِّتًا فَأُحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ

كَمَن مَّثَلَهُ فِي الظُّلْمَةِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ

ترجمه :

و آیا آنکه (به واسطه ی جهل و شرک) مرده بود، پس او را (با هدایت خویش) حیات بخشیدیم و برای او نوری (از ایمان) قرار دادیم که با آن در میان مردم راه خود را بیابد، مثل او مثل کسی است که در ظلمت های (جهل و شرک) قرار دارد و از آن بیرون آمدنی نیست ؟ این گونه برای کافران، کارهایی که می کردند جلوه داده شده بود.

نکته ها :

این آیه درباره ی ایمان آوردن حضرت حمزه، عموی پیامبر نازل شده است، که چون از اذیت و آزار ابوجهل نسبت به رسول خدا ﷺ و مکتب او آگاه شد، به حمایت از پیامبر سراغ ابوجهل رفت و با مشت بر سر او کوبید. آنگاه گفت : من از امروز، به محمد ایمان می آورم.

از آن پس تا زمان شهادت، یک افسر رشید و با ایمان برای اسلام بود.

در تعبیر قرآنی، مرگ، هم بر مرحله قبل از نطفه گفته شده است: **کنتم امواتا فأحیاءکم** (237) هم به گمراهی: **أَوْ مَنْ كَان مِيتَا هَم** به منطقه ی بی گیاه و خشک: **فسقناه الی بلد مِیت** (238) هم به مرگ موقت: **فقال لهم اللّٰه موتوا ثمّ أحياءهم** (239) و هم به مرگ حقیقی: **أَنَّک مِیت و أَنهم مِیتون** (240).

امام باقر علیه السلام فرمود: نوری که در میان مردم راه را از چاه نشان می دهد، امام و رهبر آسمانی است. (241)

پیام ها :

- 1 - حیات و مرگ واقعی انسان، ایمان و کفر اوست. **میتا فأحییناه**
- 2- ارشاد و هدایت، کار خداست، هر چند خود انسان زمینه ی هدایت را فراهم می کند. **فأحییناه**
- 3- استفاده از تمثیل، سؤال و مقایسه، در تبلیغ و تربیت مؤثر است. **أومن کان...کمن مثله...**
- 4- مؤمن، هرگز به بن بست نمی رسد. او در جامعه هم بینش دارد و هم حرکت. **نورا یمشی به فی الناس**
- 5- وقتی نور نباشد، ظلمت ها انسان را فرامی گیرد. **فی الظلمات لیس بخارج منها**
- 6- حق، یکی و باطل بسیار است. (کلمه ی نور مفرد آمده، ولی کلمه ی ظلمات جمع آمده است)
- 7- جز نور ایمان و هدایت الهی، برای بشر نجات بخشی نیست. **لیس بخارج منها**
- 8- زیبا پنداشتن اعمال، مانع رشد و خروج انسان از تاریکی است. **لیس بخارج منها کذلک زین للكافرين**

9- کارهای انسان بی ایمان، در دید و تفکر او مؤثر است. **کذلک زین**

لکافرین ما کانوا یعملون

10- کارهای پر جاذبه، کفار (مثل ابتکارات و اختراعات و تکنولوژی و تمدن)، چنان برای آنان جلوه کرده که نمی گذارد انحرافات و سقوط انسانیّت خود را درک کنند. **زین للکافرین ما کانوا یعملون**

123- **وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ**

ترجمه :

و ما این گونه در هر دیاری مجرمان بزرگش را می گماریم تا در آن قریه ها و مناطق، حيله (و فسق و فساد) کنند، اما جز به خودشان نیرنگ نمی کنند ولی نمی فهمند (که نتیجه ی حيله، به خودشان باز می گردد).

نکته ها :

در شأن نزول آیه ی قبل، به جنگ و ستیز ابوجهل با پیامبر اسلام اشاره شد، این آیه می فرماید: وجود ابوجهل ها، چیز تازه ای نیست و همیشه و همه جا در مقابل دعوت های حق، چنین مهره های فاسدی بوده است. **و کذلک**

پیام ها :

- 1 - سنّت الهی، پاسخ دادن به مکر و حيله های دشمنان است. **و کذلک**
- 2- تلاش های خوبان و بدان، همه در مدار قدرت الهی است.

جعلنا...مجرمیها

(هم در این آیه که مربوط به مجرمان است و هم در آیه قبل که درباره مؤمنین بود کلمه ی جعلنا بکار رفته است)

3- رهبران فاسد و مفسد، ریشه ی فساد جامعه اند. اکابر مجرمیها لیمکروا

فیها

4- مکر و تزویر، حربه ی رهبران مفسد است. لیمکروا

5- از دست دادن صفا و صداقت و گرفتار شدن به قهر الهی، بزرگ ترین

ضربه ای است که حيله گران به خود می زنند. ما یمکرون الاّ بأنفسهم

6- بدتر از بیماری، جهل به بیماری است و بدتر از حيله، ندانستن اینکه آثار

سوء آن به حيله گر برمی گردد. ما یشعرون

124- وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّى نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلُ
اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ
وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ

ترجمه :

ون آیه و نشانه ای (از سوی خدا برای هدایت آنان) نازل شد گفتند: ما هرگز ایمان نمی آوریم تا آنکه به ما هم مثل آنچه به فرستادگان خدا داده شد، داده شود، (بگو:): خداوند بهتر می داند که رسالت خود را کجا (و نزد چه کسی) قرار دهد. به زودی به آنها که گناه کردند، به سزای آن مکر و نیرنگ ها که می کردند، خواری و عذاب سخت از نزد خداوند خواهد رسید.

نکته ها :

در شأن نزول آیه گفته اند که ولید بن مغیره، مغز متفکر کفار، می گفت : چون سن و ثروت من بیش از محمد ﷺ است، پس باید به من هم وحی شود. البته چنین حرفی از ابوجهل هم نقل شده است.

درباره ی جمعی از سران کفر که در جنگ بدر کشته شدند، وعده ی الهی عملی شد و ذلت به آنان رسید.

پیام ها :

- 1 - سردمداران قدرتمند، به دلیل خود برترینی، استکبار نموده ودعوت اسلام را نمی پذیرند. **قالوا لن نؤ من حتی نؤ تی مثل ما اوتی**
- 2- ملاک گزینش های الهی، علم او به شایستگی هاست. **اللّٰه اعلم**
- 3- نتیجه ی استکبار در برابر حقّ، ذلّت و خواری است. **لن نؤ من...سیصیب**
الذین اجرّموا صغار عند الله

125- **فَمَنْ يُرِدِ اللهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ**

ترجمه :

خداوند هر که را بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام می گشاید و هر که را (به خاطر اعمال و خصلت های خلافش) بخواهد گمراه کند، سینه اش را (از پذیرفتن ایمان) سخت قرار می دهد، گویا به زحمت در آسمان بالا می رود. خداوند این چنین پلیدی (کفر) را بر کسانی که ایمان نمی آورند قرار می دهد.

نکته ها :

رسول خدا ﷺ فرمود: نشانه ی شرح صدر چند چیز است : الانابة الى دارالخلود والتجافی عن دار الغرور والاستعداد للموت قبل نزول الفوت توجّه و گرایش خاضعانه به سوی آخرت و دوری از دنیای حيله گر و آمادگی برای مرگ قبل از آنکه فرصت را از دست بدهد. (242) امام سجاد عليه السلام نیز در شب 27 رمضان دعایی را که متضمّن همین خواسته است، مکرّر می خواند. (243)

مراد از هدایت و ضلالت الهی، فراهم کردن اسباب هدایت برای شایستگان و از بین بردن اسباب، برای ناهلان است.

منظور از صدر، روح و دل است. مراد از شرح صدر، گسترش افق عقل و فکر بلندی روح، برای پذیرش حق و هدایت است و این نیازمند گذشتن از هوسها و تمنیات دل است. آنکه شرح صدر نداشته باشد، همواره در لاک خود می ماند و بیرون نمی آید. نتیجه ی شرح صدر، بصیرت و نورانیت همراه با قلب رقیق و حقیق پذیر است.

این آیه یکی از معجزات علمی قرآن است که عوارض صعود به آسمان را بیان کرده و می فرماید: کسی که حاضر به پذیرش حق نگردد، روحش تنگ و کم ظرفیت می شود، همانند کسی که می خواهد به آسمان برود که به علت سنگینی و فشردگی هوا و نبود اکسیژن، سینه اش تنگ و تنفسش سخت می شود.

امام رضا علیه السلام فرمود: نشانه ی سعه صدر، تسلیم خدا بودن، اطمینان به او داشتن و دلگرم شدن به وعده های الهی است و نشانه ضیق صدر، تردید و اضطراب است. ⁽²⁴⁴⁾

از سنت های الهی آن است که برای پاکدلان حقیق پذیر، شرح صدر قرار دهد و لجویان گریزان از ایمان را گرفتار سلب توفیق و رجس سازد.

حضرت موسی همین که مأمور تبلیغ شد، در اولین دعای خود از خداوند خواست: **ربّ اشرح لی صدی** ⁽²⁴⁵⁾ ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بدون درخواست، خداوند به او سعه ی صدر عطا کرد. **ألم نشرح لك صدرك** ⁽²⁴⁶⁾.

پیام ها :

1 - قبول حق، ظرفیت و زمینه درونی می خواهد. **یشرح صدره للاسلام**

- 2- شرح صدر، موهبتی الهی است. **یشرح صدره للاسلام**
- 3- خروج از مدار فطرت و عقل، عامل خفقان و تنگی روح و روان می گردد. **یصعد فی السماء**
- 4- منحرفان هر چند به ظاهر، خود را در گشایش و آرامش ببینند، ولی در واقع گرفتار تنگناها و فشارند. **ضیقا حرجا**
- 5- بی حوصلگی و کم ظرفیتی، نوعی رجس و پلیدی روح است. **یجعل صدره ضیقا...الرجس**
- 6- کسی که به حق ایمان نیاورد، به تدریج آلوده می شود. **کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لایؤمنون**

126- **وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ**

ترجمه :

و این راه پروردگار تو است که مستقیم است، قطعاً ما آیات خود را برای قوم و گروهی که پند می پذیرند به تفصیل بیان کرده ایم.

نکته ها :

کلمه ی هذا، ممکن است اشاره به کلمه ی اسلام باشد که در آیه ی قبل آمده بود.

پیام ها :

- 1 - جز راه خدا، راه های دیگر بیراهه است. **وهذا صراط ربك مستقيماً**
- 2- برای تذکر، تفصیل و تنوع و تکرار لازم است. **فصلنا...یذکرون**
- 3- خداوند، حجت را بر همه تمام کرده است، اگر اهل توجه باشند، آیات و نشانه های حق، با بیان های مختلف روشن شده است. **لقوم یذکرون**

4- توجه دائمی به تذکرات الهی، راه دستیابی به صراط مستقیم است. هذا

صراط ربك...لقوم یذکرون

127- لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ترجمه :

سرای سلامت نزد پروردگارشان، تنها برای آنان است و او به پاداش اعمالی که انجام می دادند، سرپرست و پشتیبان و دوست آنان است.

پیام ها :

1 - در بهشت، خشونت، رقابت، حسرت، تهمت، حسد، کینه، دروغ، اندوه و

هیچ گونه مرگ و مرض و فقر راهی ندارد. **دار السلام**

2- برتر از نعمت امنیّت و سلامت، در سایه ی لطف مخصوص پروردگار

بودن است. **دار السلام عند ربهم**

3- خداوند خود امور رهروان راه مستقیم را به عهده دارد. **و هو ولیهم**

4- رسیدن به ولایت الهی، در سایه ی عمل و تلاش انسان است. **و هو ولیهم**

بما كانوا یعملون

128- سَتَكْفُرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ

بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَّلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوِيكُمْ خَلِدِينَ فِيهَا

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

ترجمه :

(به یاد آورید) روزی که خداوند، همه آنان را گرد می آورد (سپس به جنیان

خطاب می فرماید:) ای گروه جن! از انسان ها (پیروان) بسیاری یافتید. و

دوستان ایشان از نسل بشر گفتند: پروردگارا! ما انسان ها و شیاطین از یکدیگر

بهره گرفتیم و اینک به سرانجامی که برایمان قرار داده بودی رسیدیم. خداوند می فرماید: آتش جایگاهتان است که همیشه در آن خواهید بود، مگر آنکه خداوند بخواهد (که گروهی از شما را ببخشد). همانا پروردگار تو حکیم و داناست.

نکته ها :

در آیات قبل، به کارهای شیاطین و وسوسه هایشان اشاره شد، در اینجا سرنوشت وسوسه پذیری از شیاطین را که دوزخ است، بیان می کند. ضمناً به گفته قرآن، شیطان از جنّ است و جنّی که مردم را گمراه کرده همان شیطان است.

پیام ها :

- 1 - به عاقبت کار خود بیندیشیم. **ویوم** (هر کجا کلمه یوم در آغاز آیه بکار رفته، مراد یادآوری چنین روزی است).
- 2- جنّ، مکلف و مختار است و مورد خطاب و توبیخ و کيفر و پاداش قرار می گیرد. **یا معشر الجنّ**
- 3- شیطان، به گمراه کردن گروه کم راضی نیست و گروه زیادی از انسان ها را منحرف کرده است. **قد استکثرت من الانس در آیه ای دیگر می فرماید: ولقد اضلّ منکم جبلاً کثیراً أفلم تکونوا تعقلون** (247)
- 4- دادگاه قیامت، علنی است. **یحشرهم، یا معشر الجنّ**
- 5- در قیامت، جنّ اغواگر پاسخی در برابر توبیخ ندارد و تنها پیروان انسانی او سخن می گویند. **یا معشر الجنّ... قال اولیاءهم من الانس**
- 6- بهره گیری انسان و جنّ از یکدیگر طرفینی است. **استمتع بعضنا ببعض**
- 7- در قیامت، انسان و جنّ، یکجا جمع و محشور می شوند. **جمعیا**

8- پیروی از وسوسه های شیطانی، به تدریج انسان را به ولایت پذیری از او

وامی دارد. **اولیاء هم**

9- همه ی منحرفان، کیفر یکسان ندارند و باقی ماندن در آتش، وابسته به

اراده ی خداوند است. **الّا ماشاء الله**

10- احکام دادگاه الهی، بر مبنای علم و حکمت است. **حکیم علیم**

129- وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

ترجمه :

و بدین گونه بعضی ستمگران را بر بعضی مسلط می کنیم، (تا کیفری باشد) برای آنچه عمل می کردند.

نکته ها :

در آیه 127 خواندیم که سرپرست آنان که به راه مستقیم می روند، تنها خداست. در این آیه می خوانیم که سرپرست گروهی از مردم به خاطر عملکردشان ستمگرانند.

طبق روایات، کیفر ترک کنندگان امر به معروف و نهی از منکر، متخلفان از ادای خمس و زکات و یاری کنندگان به ظالمان، تسلط ستمگران بر آنان است. (248) در حدیث می خوانیم: هر گاه خداوند از کار قومی راضی باشد، کارشان را به نیکان می سپارد و اگر ناراضی باشد، کارشان را در دست بدان قرار می دهد. (249)

پیام ها :

- 1 - همان گونه که شیاطین جن بر انسان مسلط می شوند، برخی از ظالمان نیز بر بعضی دیگر تسلط می یابند. **کذلک**
- 2- کام جویی های حرام، زمینه ساز حکومت های باطل و سلطه ی ظالمان است. **استمتع بعضنا ببعض...نؤلی بعض الظالمین بعضا**
- 3- تنها حاکمان ظالم نیستند، محکومان ترسو و ساکت و عیاش هم ظالمنند. **بعض الظالمین بعضاً**
- 4- سبب سلطه ی ستمگران، رفتار خود مردم است. **نؤلی...بما کانوا یکسبون**

130- لَأَنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَىٰ أَنفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

ترجمه :

در قیامت به آنان گفته می شود: ای گروه جن و انس! آیا پیامبرانی از خودتان به سویتان نیامدند تا آیات مرا بر شما بخوانند و شما را از دیدار این روز بیمتان دهند؟ گویند: ما علیه خودمان گواهی می دهیم و زندگی دنیا آنان را فریب داد و بر علیه خود شهادت دادند که کافر بوده اند.

نکته ها :

از آیات قرآن استفاده می شود که حضرت محمد ﷺ، برای جن نیز فرستاده شده و آنان نیز قرآن را می فهمند، گروهی هم ایمان می آورند. ⁽²⁵⁰⁾ به گفته ی برخی مفسران (مثل آلوسی، قرطبی، طبرسی و سید قطب) رسولان جن، وحی را از طریق رسولان انس دریافت کرده و به نژاد خود می رساندند. زیرا کلمه ی رسول به غیر انسان هم گفته می شود، مثل: **اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا** ⁽²⁵¹⁾

در این آیه، دو اقرار از سوی کافران آمده است، یکی گواهی به آمدن پیامبران، دوّم اعتراف به کفر خویش.

مواقف در قیامت مختلف است؛ گاهی در موقفی کفار ابتدا انحراف خود را انکار می کنند، مثل آیه 23 همین سوره: **وَاللَّهُ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ**، آنگاه که فهمیدند قیامت جای انکار نیست، به گناه خود اعتراف می کنند.

پیام ها :

- 1- جنّ و انس هر دو مکلف به پذیرش دعوت انبیایند و رسولان برای هر دو نژاد آمده اند. الجنّ والانس
- 2- انذار، قوی ترین اهرم تربیت و وظیفه ی مهم پیامبران است. و ینذرونکم
- 3- قوی ترین ضامن اجرای احکام الهی برای اصلاح فرد و جامعه، ایمان به معاد است. ینذرونکم لقا یومکم هذا
- 4- قیامت، جای کتمان و انکار نیست، لذا انسان ها علیه خود اقرار می کنند. شهدوا علی انفسهم
- 5- دنیاخواهی، عامل بی اعتنایی به دعوت های انبیاست. غرتهم الحیاة... (فریفته شدن به دنیا، موجب فراموشی آخرت است).
- 6- علاقه ی افراطی به دنیا، انسان را به کفر می کشاند. غرتهم الحیاة الدنیا... انهم کانوا کافرین

131- ذَلِكَ اَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَاَهْلُهَا غَفُلُونَ

ترجمه :

این (اتمام حجّت و هشدار) برای آنست که پروردگارت هرگز از روی ستم، آبادی هایی را که اهلش (از شناخت حق) غافلند نابود نمی کند. (خداوند ابتدا مردم را از غفلت و جهل بیرون می آورد و با پیامبرانش به آنان هشدار می دهد و سپس اگر قبول نکردند هلاکشان می کند).

نکته ها :

سنتّ خداوند آن است که راه حقّ را با فرستادن انبیا و هشدارهای مختلف به مردم نشان می دهد و حقایق را بیان کرده، اتمام حجّت می کند. در آن صورت اگر بی اعتنایی کردند، کیفر می دهد. این قانون و سنتّ کلیّ در آیات

متعددی مطرح شده است، از جمله : و ما أهلكنا من قرية إلا لها منذرون (252) ما
هیچ قریه ای را هلاک نکردیم مگر آنکه مردم آنجا بیم دهندگانی داشتند. و ما
كُنَّا مَعذِبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (253) ما تا پیامبری نفرستیم، عذاب نمی کنیم.

پیام ها :

- 1 - کیفر دادن گناهکار، از شئون ربوبیت خداوند است. رَبِّكَ مهلك القرى
- 2- عقاب بدون بیان و هشدار، ظلم و قبیح است. مهلك القرى بظلم و اهلها

غافلون

132- وَلِكُلِّ دَرَجَةٍ مِمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

ترجمه :

و برای هر کس بر اساس آنچه انجام داده اند درجاتی است، و پروردگار تو
از آنچه می کنند غافل نیست.

نکته ها :

مراد از درجات در این آیه، درجات رشد نیست، بلکه شامل درجات سقوط
نیز می شود.

پیام ها :

- 1 - خداوند، عادل است و مرتبه ی هر کس را طبق عملکرد خود او قرار
می دهد. درجات مِمَّا عملوا

2- سعادت و شقاوت انسان، بسته به اعمال اوست. مِمَّا عملوا

3- انسان باید بهوش باشد، زیرا تحت نظر خداست. و ما رَبِّكَ بغافل عَمَّا

يعملون

133- وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ آخَرِينَ

ترجمه :

و پروردگار تو بی نیاز و صاحب رحمت است. اگر بخواهد، شما را می برد و پس از شما هر که را بخواهد جایگزین می کند، همان گونه که شما را از نسل قوم دیگری پدید آورد.

134- إِنْ مَا تُوْعَدُونَ لَاتِ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

به راستی آنچه وعده داده می شوید، آمدنی است و شما نمی توانید (خدا را) ناتوان سازید (و از کیفر و عدل او بگریزید).

پیام ها :

1 - تنها خداوند بی نیاز مطلق است، پس هرگز خود را بی نیاز نبینیم. رَبُّكَ الْغَنِيُّ در جای دیگر می فرماید: **يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ** (254) ای مردم! همه شما نیازمند خدایید و تنها اوست که بی نیاز و ستوده است.

2- گناهکاران، باید در همین دنیا هم بترسند، زیرا محو آنان توسط قدرت الهی بسیار ساده است. **يُدْهِبْكُمْ**

3- ریشه ی ظلم (که در دو آیه قبل آمده بود)، یا نیاز است، یا سنگدلی و هیچ یک از این دو در خدا وجود ندارد. **الغنيّ ذوالرحمة**

4- شرط مرّبی خوب، بی نیازی و عطوفت است. **رَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ**

5- بقای اجتماعات بشری، به مشیّت الهی بستگی دارد. **إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ**

6- بود و نبود انسان ها، نفع و زیانی برای خداوند ندارد. **الغنيّ...إِنْ يَشَاءُ**

يُدْهِبْكُمْ

7- خداوند از عبادات ما بی نیاز است، دستورهای عبادی، عامل رشد خودماست. **الغنی**

8- رحمت خداوند، فراگیر است، ولی گاهی بشر کار را به جایی می رساند که خداوند همه را نابود می کند. **ذوالرحمة... یذهبکم**

9- وعده های الهی قطعی است، نه شوخی. **ان ما توعدون لآت**

10- مجرم در قیامت نمی تواند با قدرت الهی در افتد. **و ما انتم بمعجزین**

135- **قُلْ يَوْمَ اَعْمَلُوا عَلٰی مَكَانَتِكُمْ اِنِّیْ عَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ مَنْ تَكُوْنُ لَهُ عَقِبَةُ الدَّارِ اِنَّهٗ لَا یَفْلِحُ الظَّالِمُوْنَ**

ترجمه :

بگو: ای قوم من! بر جایگاه و سیرت خویش عمل کنید که من نیز (بر اساس سیرت خویش) عمل می کنم و به زودی خواهید دانست که سرانجام آن سرای از کیست، همانا ستمکاران رستگار نمی شوند.

پیام ها :

1 - پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، چون به راه خود یقین دارد، مأمور است در برخوردهای خود، ثبات و قاطعیت خود را به دیگران اعلام کند. **قل یا قوم اعملوا علی مکانتکم انّی عامل...**

2- سربچی مردم، وظیفه ی پیامبران را عوض نمی کند. **انّی عامل**

3- سرنوشت مردم، وابسته به عملکرد خودشان است. **اعملوا... فسوف**

تعلمون

4- ملاک موفقیت، حسن عاقبت و سرانجام کار است، نه جلوه ها و

تلاشهای زودگذر. **عاقبة الدار**

5- ظالم، رستگار نمی شود. **انّه لا یفلح الظالمون**

6- سرپیچی از راه خدا و انبیا ظلم است. **الظالمون**

136- **لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ
وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ
يَصِلُ إِلَى شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ**

ترجمه :

و (بت پرستان) از آنچه خداوند از کشت و چهارپایان آفریده است، سهمی را برای خدا قرار دادند و به پندار خودشان گفتند: این قسمت برای خداست و این قسمت برای (بت هایی که هم) شریکان (خدایند، هم شریک اموال) ما پس آنچه سهم شرکا و بت ها بود به خدا نمی رسید، ولی هرچه سهم خدا بود به شرکا می رسید، چه بد است آنچه داوری می کنند!

نکته ها :

آنان که از مدار تربیت انبیا بیرون رفته و به وادی خیال می روند، حرف ها و تصمیم هایشان نیز خیالی و بی منطق است و خود را مالک همه چیز می دانند و تقسیم بندی می کنند. یکبار پسران را سهم خود و دختران را سهم خدا می دانند. **الکم الذکر و له الانثی** ⁽²⁵⁵⁾ یکبار هم غلات و حیوانات را بین خدا و بت ها تقسیم می کنند. مشرکان می پنداشتند سهم بت ها غیر قابل تغییر است و آن را خرج بتکده ها و خدمه آنها می کردند، و سهم خدا را نیز به این بهانه که خدای آسمان ها بی نیاز است، هنگام کم و کسر آمدن ها خرج بتخانه ها می کردند. نه خرج کودکان، فقرا و مهمانان.

پیام ها :

1 - در کشاورزی و دامداری، گرچه انسان نقش دارد، اما زارع و خالق اصلی خداست. **لله مِمَّا ذَرَأَ** در آیه ای دیگر می فرماید: **ءانتم تزرعونه أم نحن الزّارعون** (256)

2- قانون زکات و تقسیم درآمد و منافع، در عقائد انسان های قبلی نیز بوده است، هر چند به صورت خرافی. **هذا لله... هذا لشركائنا**

3- مشرکان با آنکه بت ها را شریک خدا می پنداشتند، ولی برای خداوند موقعیت ویژه ای از عزت و غنا قائل بودند و تلفات را از سهم خدا کم می کردند و می گفتند: او نیازی ندارد. **ما كان لله فهو يصل الى شركائهم**

4- رسالت انبیا، مبارزه با خرافات است. **سأ ما يحكمون**

137- **وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَائِهِمْ لِيُرِدُّوهُمْ وَيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ**
ترجمه :

و بدین سان (بت ها و خادمان بت ها که) شریکان آنها (در اموالشان محسوب می شدند)، کشتن فرزند را برای بسیاری از مشرکان (به عنوان قربانی برای بت ها) زیبا جلوه دادند تا آنان را به هلاکت کشیده و آیین آنان را مشتبه سازند. و اگر خداوند می خواست چنین نمی کردند (و به اجبار جلو آنان را می گرفت)، پس آنان را با دروغ هایی که می بافند واگذار.

نکته ها :

همان گونه که تقسیم کشت و دام، میان خدا و شریکان، در نظر مشرکان جلوه داشت، عشق به بت و فرزندکشی در پای بت را هم وسوسه های شیطانی در نظرشان آراسته بود.

يُرْدُوهُمْ : از اردأ به معنای هلاک کردن است.

مشرکان یا می گویند: دختر ننگ است و زنده به گورش می کنند، ايمسکه
علي هون⁽²⁵⁷⁾ یا می گویند: خرجی ندارم و باید نابود شود، خشية املاق⁽²⁵⁸⁾ یا
آن را نوعی قرب به بت ها می دانند، که همه ی اينها نوعی تزیین است.

پیام ها :

1 - بینش غلط و خرافی، سبب می شود که انسان، فرزند خود را پای بت
سنگی و چوبی قربانی کرده و به آن افتخار نماید. زین...قتل اودلاهم
2- مجرمان، حتی برای فرزندکشی هم توجیه درست می کنند تا روان و
وجدان خود را آرام کنند. زین
3- در انتقاد، انصاف را مراعات کنیم. لکثیر من المشركين نه آنکه همه چنین
اند.

4- توجیه گناه و آراستن زشتی ها، عامل هلاکت و سقوط است.

زین...لیردوهم

5- خرافه گرایی، سبب التقاط و آمیختگی دین با شبهات است. و لیلبسوا

6- پیامبر، مسئول ابلاغ است نه اجبار، اگر مردم گوش نکردند، آنان را رها

کرده و به سراغ دل های آماده می رود. فذرهم

7- افکار و رفتار منحرفان، نباید حقجویان را دلسرد کند. فذرهم و ما

یفترون

8- شریک پنداشتن برای خداوند، افترا به اوست. فذرهم و ما یفترون

138- وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَمٌ وَحَرْتٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَأَ بِزَعْمِهِمْ
وَأَنْعَمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَمٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ
سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتُرُونَ

ترجمه :

و مشرکان (به پندار خویش) گفتند: اینها، دام ها و کشت هایی ممنوع است، کسی نخورد مگر آن (خادمین بتکده ها) که ما بخواهیم. و چهارپایانی است که (سوار شدن بر) پشت آنها حرام است و چهارپایانی که نام خدا را (هنگام ذبح) بر آن نمی برند (این احکام را) به دروغ به خدا نسبت می دادند. خداوند به زودی آنان را به کیفر آنچه به او افترا می بستند جزا خواهد داد.

نکته ها :

حِجْرٌ به معنای منع است و تحجیر یعنی منطقه ای را سنگ چین کردن و مانع شدن از ورود دیگران برای تصاحب آن. حِجْر اسماعیل نیز جایی است که با دیوار سنگی جدا شده است. عقل را هم حِجْر گویند، چون انسان را از زشتی ها باز می دارد. **هل فی ذلک قسم لیدی حِجْر** (259)

در دو آیه ی قبل، عقائد خرافی مشرکان درباره ی سهم خدا و بت ها از کشاورزی و چهارپایان مطرح بود. در این آیه چگونگی مصرف سهم بت ها بیان شده که احدی حق استفاده ندارد، مگر خادمین بت ها و بتکده ها.

با توجه به این آیه، مشرکان چهار انحراف داشتند: 1 ممنوع شمردن بعضی از چهارپایان. 2 ممنوع شمردن بعضی از محصولات کشاورزی. 3 ممنوع کردن سواری برخی از چهارپایان. 4 نبردن نام خدا به هنگام ذبح حیوانات.

قرآن، هدف آفرینش چهار پایان را سوار شدن بر آنها و مصرف از گوشت آنها می داند: **جعل لکم الانعام لتركبوا منها و منها تأکلون** (260) و تحریم بهره

برداری از چهارپایان را، از بدعت های جاهلی می شمرد که در آیه 103 سوره ی مائده نیز بیان شده است.

اسلام، آیین جامعی است که حتی انحراف در بهره گیری از حیوانات را هم تحمل نمی کند. وقتی قرآن، از بی مصرف ماندن حیوان و تحریم سوارشدن بر آن نکوهش می کند، به طریق اولی از بی مصرف ماندن انسان ها، منابع، سرمایه ها و استعدادها بیشتر نکوهش می کند.

پیام ها :

1 - احکام دین باید منسوب به خدا باشد، نه بر پایه ی گمان، خیال، قیاس و استحسان. **قالوا... بزعمهم... افتراً علیه**

2- مبارزه با خرافات، یکی از وظایف اصلی پیامبران است. **افتراً علیه**

سیجزیهم

3- تحریم حلال ها و تحلیل حرام ها، افترا بر خداست. **هذه انعام و حرث**

حجر... افتراً

4- بدعت گذاران، در انتظار کیفر قوانین موهوم خود باشند. **سیجزیهم**

139- **وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَمِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَى**

أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُنْ مِيتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ وَصَفَهُمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

ترجمه :

و (از دیگر عقائد خرافی مشرکان، این بود که می)گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان (نذر شده برای بت ها) است، (اگر زنده به دنیا آید) مخصوص مردان ماست و بر زنان ما حرام است و اگر مرده به دنیا آید، پس همه (زن و مرد) در آن شریکند، خداوند به زودی آنان را به سزای این گونه توصیف های باطل کیفر خواهد داد. همانا او حکیم و داناست.

نکته ها :

آشنایی با خرافات دوران جاهلیت، انسان را با زحمات رسول خدا برای هدایت آنان آشنا ساخته، روح قدرشناسی را در انسان، زنده و شکوفا می کند.

پیام ها :

1 - تبعیض بی جا میان زن و مرد، عملی جاهلی و مطرود است. **خالصة**

لذکورنا و محرّم علی ازواجنا

2- در جاهلیت، تحقیر زن تا آن حد بود که در برخی موارد از حیوان سالم بهره ای نداشت و فقط در گوشت حیوان مرده شریک بود. **شرکاً**

3- جزا و کیفر الهی، بر اساس علم و حکمت اوست. **سیجزیهم...حکیم علیم**

140- **قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ**

اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

ترجمه :

به یقین زیان کردند کسانی که فرزندان خود را سفیهانه و از روی جهل کشتند، و آنچه را خداوند روزی آنان ساخته بود با افترا بر خدا حرام کردند، آنان گمراه شدند و هدایت یافته نبودند.

نکته ها :

ابن عباس از بزرگان صدر اسلام می گوید: هر که می خواهد میزان جهالت اقوام دوران جاهلی را بداند، همین آیات سوره ی انعام که بیانگر خرافات و اعتقادات بی اساس مشرکان است، را بخواند. ⁽²⁶¹⁾

جاهلان عرب، به گمان تقرّب به بت ها، یا به جهت حفظ آبرو، دختران خود را گاهی قربانی بت ها یا زنده به گور می کردند.

پیام ها :

1 - جهالت و سفاهت، عامل خسارت است. (خسارت هایی چون : از دست دادن فرزند، از دست دادن عاطفه، فقدان نعمت های حلال، کسب دوزخ و کیفر الهی). **قد خسر**

2- خسارت واقعی، فدا شدن انسان در راه باطل است. (چه قربانی بت شدن، چه فدای خیال و غیرت نابجا) **قد خسر**

3- تحریم نابجای حلال ها، افترا بر خداوند است. **وحرّموا ما رزقهم الله افتراً**

4- انجام هر کاری و تحریم هر چیزی، یا دلیل شرعی می خواهد یا عقلی. **بغیر علم افتراً علی الله**

5- با خرافات، با شدیدترین وجه مقابله و برخورد کنیم.

141- و هو الذی انشا جنت معروشت و غیر معروشت والنخل و الزرع مختلفاً اكله والزیتون والرمان متشبهاً و غیر متشبه کلوأ من ثمره إذا اثمر وءاتوا حقه يوم حصاده و لا تسرفوا إنه لا یحب المسرفین
ترجمه :

و اوست کسی که به وجود آورد باغهایی با داربست و بی داربست، و درخت خرما و کشتزار با خوردنی های گوناگون، و زیتون و انار، (برخی میوه ها) شبیه به همدند و برخی شباهتی با هم ندارند. همین که باغها ثمر داد، از میوه اش بخورید و روز درو کردن و میوه چیدن حق آن (محرومان) را بدهید و اسراف نکنید، چرا که خداوند، اسراف کاران را دوست ندارد.

نکته ها :

جَنّات، باغ های پر درخت و زمین های پوشیده از زراعت است. معروش، درختی است که نیاز به داربست دارد. اُكْل به معنای مأكول و خوراکی است. در آیه 99 همین سوره خواندیم: **أَنْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ** هنگامی که درخت بار آورد، با دَقَّتْ به آن نگاه کنید. در این آیه می خوانیم که **كَلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ**، هنگامی که بار داد، بخورید. نتیجه اینکه: خوردن باید با تَأَمَّل و دَقَّتْ باشد، نه غافلانه.

امام باقر علیه السلام پس از تلاوت این آیه فرمود: شخصی زراعتی داشت که تمام محصولاتش را صدقه می داد و خود و عیالش بی چیز می ماندند. خداوند این عمل را اسراف خواند. ⁽²⁶²⁾

این آیه، درس خداشناسی را همراه با اجازه مصرف خوارکی ها و رسیدگی به طبقات محروم و انفاق به آنان و اعتدال داشتن و زیاده روی نکردن در مصرف و انفاق را بیان می کند. **انْشَأْ، كَلُوا، آتُوا، لَا تَسْرِفُوا** چنانکه در جای دیگر نیز می خوانیم: **وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يَسْرِفُوا وَ لَمْ يَقْتُرُوا وَ كَانُوا بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا** ⁽²⁶³⁾

امام صادق علیه السلام ذیل این آیه فرمودند: حتّی اگر مسلمان یافت نشد، حق برداشت را به مشرک فقیر پردازید ⁽²⁶⁴⁾ در روایتی دیگر فرمود: این حق برداشت، غیر از زکات است. ⁽²⁶⁵⁾

امام صادق علیه السلام فرمود: میوه را در شب برداشت نکنید و شبانه درو نکنید تا فقیران نیز بتوانند حاضر شوند و چیزی بگیرند. ⁽²⁶⁶⁾

در سوره ن والقلم نیز می خوانیم که خداوند باغ کسانی را که تصمیم گرفتند شبانه و به دور از چشم فقرا میوه ها را بچینند و به آنها ندهند، سوزاند.

پیام ها :

- 1 - تنوع میوه ها و محصولات کشاورزی، آن هم از یک آب و خاک، نشانه قدرت الهی است. **انشأ...مختلفاً أکله**
 - 2- خداوند برای خود در محصولات، حقی قرار داده است. **آتوا حقه** (آری، نور و هوا، آب و خاک، توان و نیرو و فکر و استعداد، همه و همه از آن خداوند است و او بر همه حق دارد.)
 - 3- در انفاق نیز میانه رو باشیم. **و آتوا حقه یوم حصاده و لاتسرفوا**
 - 4- اسلام، دین اعتدال است، هم تحریم نابجا را ممنوع می کند (در آیه قبل) و هم مصرف بی رویه را. **لاتسرفوا**
 - 5- شرط مصرف، پرداخت حق محرومان است. **کلوا...آتوا حقه**
 - 6- مقدار مصرف، محدود به عدم اسراف است. **کلوا...لا تسرفوا**
 - 7- هنگام برداشت محصول، به یاد محرومان باشیم. **یوم حصاده**
 - 8- تولید و محصول را در زمانی برداشت کنیم تا زمینه ی بهره برداری دیگران هم باشد. **یوم حصاده**
 - 9- هنگام رسیدن و برداشت محصول، آمادگی انسان برای انفاق بیشتر است، پس فرصت را از دست ندهیم. **آتوا حقه یوم حصاده**
 - 10- میوه ی نارس نخورید و میوه را تازه مصرف کنید. **کلوا من ثمره اذا اثمر**
 - 11- اسراف کار، مبعوض خداوند است. **انه لایحب المسرفین**
- 142- **وَمِنَ الْاَنْعَمِ حَمُولَةً وَفَرَشًا کُلُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّیْطٰنِ اِنَّهٗ لَکُمْ عَدُوٌّ مُّبِیْنٌ**
- ترجمه :

و بعضی از چهارپایان بارکش و بعضی غیر بارکش و مثل فرش (به زمین نزدیک) اند (و یا از کرک و پشم آنها برای فرش استفاده می شود) از آنچه خداوند روزی شما ساخته بخورید و از گام های (وسوسه انگیز) شیطان پیروی نکنید، چرا که او دشمن آشکار شماست.

نکته ها :

در آیه ی قبل به نعمت های خداوند در محصولات کشاورزی اشاره شده و در اینجا به دامداری و انواع بهره هایی که انسان از حیوانات می برد. مراد از کلمه فرش، چهارپایانی مثل گوسفند است که به خاطر نزدیکی بدنشان به زمین، به منزله فرش هستند، یا اینکه از پشم و کرک و موی آنها فرش می بافند.

بیشتر مفسران، کلمه ی حَمُولَة را به معنای حیوانات باربر دانسته اند، و فرش را حیوانات غیر باربر معنا کرده اند.

پیام ها :

1- هستی و آفریده هایش، مسخر انسان است. **حمولة و فرشا**
2- قانون کلی در حیوانات، حلال بودن مصرف آنهاست، مگر آنکه دلیلی بر حرمت باشد. **كلوا مما رزقكم الله**

3- تحریم حلال ها، از گام های شیطانی است. **كلوا... و لا تتبعوا خطوات**

الشیطان

4- تنها توصیه به خام خواری که امروز در میان گروه کثیری رواج دارد و نهی از مصرف گوشت، ممنوع است. **و من الانعام... كلوا مما رزقكم الله**

5- نسبت به خوردنی ها باید مواظب باشیم. **كلوا... و لا تتبعوا چنانکه اولین** اهرم شیطان برای گمراه کردن حضرت آدم، غذا بود.

6- سر سفره ی خداوند، از دشمن او پیروی نکنیم. کَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ و

لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

7- سیاست شیطان، انحراف تدریجی است، نه دفعی. خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ

143- تَمَيِّةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّانِّ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ ءَازْكَرَيْنِ
حَرَّمَ أُمَّ الْإُنثَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيْنِ نَبَّؤُنِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ
صَادِقِينَ

ترجمه :

(خداوند برای شما حلال کرده است) هشت زوج از حیوانات را. از گوسفند
دو زوج (نر و ماده) و از بز، دو زوج (به کسانی که از پیش خود، بعضی
چهارپایان را تحریم می کنند) بگو: آیا خداوند نرهای آنها را حرام کرده یا ماده
های آنها را یا آنچه را شکم آنها در برگرفته است ؟ اگر راست می گوئید از
روی علم و دانش به من خبر دهید.

144- نُثَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنثَيْنِ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ
وَصَّكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ
عِلْمٍ إِنْ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

و از شتر دو زوج (نر و ماده) و از گاو دو زوج (نر و ماده) را (برای شما
حلال کرده است) بگو: آیا خداوند نرهای این دو را حرام کرده یا ماده ها را یا
آنچه را که شکم آن دو در برگرفته است ؟ یا مگر شما شاهد و حاضر بوده اید
که خداوند به حرمت این گوشت ها به شما سفارش کرده است؟! پس کیست
ستمکارتر از کسی که به خداوند، دروغ بندد تا مردم را از روی نادانی گمراه
سازد؟ قطعاً خداوند، گروه ستمکار را هدایت نمی کند.

نکته ها :

کلمه ی زوج هم به مجموع نر و ماده گفته می شود و هم به هر یک از نر و ماده به تنهایی. در این آیه به هر کدام به تنهایی گفته شده و مراد از هشت جفت، هشت عدد است، چهار نر و چهار ماده که چهار تا در آیه 143 و چهار تا در آیه 144 بیان شده است. در آیه 45 سوره ی نجم نیز کلمه ی زوج در یک فرد بکار رفته است، نه در دو تا. **خلق الزوجین الذکر والانتی**

در آیه 6 سوره ی زمر، خلقت هشت نر و ماده ی حیوانات در کنار خلقت انسان بیان شده است. **خلقکم من نفسٍ واحدة، ثمّ جعل منها زوجها وانزل لکم من الانعام ثمانية أزواج**

احتمال دارد که ترتیب نام بردن از حیوانات چهارگانه، اشاره به برتری آنها در مصرف باشد. (گوسفند، بز، شتر و گاو)

در بعضی روایات، ثمانية ازواج به 16 فرد تفسیر شده که این چهار حیوان هر کدام دو نوع یکی نر یکی ماده و هر کدام اهلی و وحشی دارد. امام هادی علیه السلام فرمود: گاو همیشه از نوع گاو وحشی است. ⁽²⁶⁷⁾

پیام ها :

1 - برای خرافه زدایی از دین، باید عقائد حق را بسیار باز و روشن مطرح کرد. **ثمانية ازواج...**

2- در فتوا یا عقیده به حلال و حرام چیزی، علم لازم است. **نبئونی بعلم**

3- حلال بودن نیازی به دلیل ندارد زیرا اصل در خوردنی ها **حلیت** است

بلکه حرام بودن دلیل لازم دارد. **قل الذکرین حرمّ ام الأنتیین...نبئونی بعلم**

4- افترا بر خدا، بزرگ ترین ظلم است. **فمن أظلم ممّن افتری علی الله**

5- دروغ بستن به خدا، مایه ی گمراه ساختن مردم است. **لیضلّ الناس**

6- افترا، انسان را از هدایت پذیری خارج می کند. **لا یهدی**

7- باورها و عقائد یا باید بر اساس علم و عقل باشد که در آیه قبل

خواندیم، **نبتونی بعلم** و یا بر اساس شرع.

145- قُلْ لَا آجِدُ فِي مَا أُوْحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَيَّ طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خَنزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ترجمه :

بگو: در آنچه به من وحی شده، بر کسی که چیزی می خورد هیچ حرامی نمی یابم مگر آن که مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خوک باشد که قطعاً پلید است، یا حیوانی که از روی فسق و نافرمانی به نام غیر خدا ذبح شده باشد. پس هر کس که (به خوردن آنها) ناچار و مضطر شد، به شرط آنکه از روی سرکشی و بیش از حدّ ضرورت نباشد، (مانعی ندارد). همانا خداوند تو آمرزنده و مهربان است.

نکته ها :

میتة، تنها حیوانی نیست که خود به خود مرده باشد، بلکه اگر طبق دستور اسلام، ذبح نشود در حکم مردار و حرام است.

حرمت مردار و خون، چهار مرتبه در قرآن مطرح شده است، دوبار در سوره های مکی⁽²⁶⁸⁾ و دوبار در سوره های مدنی⁽²⁶⁹⁾.

أهلّ از اهلال به معنای بلند کردن صدا هنگام دیدن هلال اول ماه است. سپس به هر صدای بلندی گفته شده است. مشرکان در هنگام ذبح حیوانات، با صدای بلند نام بت ها را می بردند، از این رو أهلّ گفته شده است.

جمله **لا أجد... إلا أن يكون ميتة** در برابر تحریم های جاهلانه مشرکان است وگرنه گوشت بعضی پرندگان و درندگان دیگر نیز حرام است که در این آیه نیامده است و به اصطلاح این حصر، حصر اضافی است نه حقیقی. از نظر اسلام مضطر به کسی می گویند که خود را از راه ستمگری و گردن کشی و گناه مضطر نکرده باشد، **غیر باغ** و تنها به مقدار رفع اضطرار، مجاز است نه بیشتر. و **لاعاد**

پیام ها :

1 - یگانه منبع علم پیامبر ﷺ برای بیان احکام، وحی است. **لا اجد فی ما اوحی الیّ**

2- اصل و قانون اولیه، حلال بودن حیوانات است. **لا أجد**

3- تنها محرّمات ابلاغ شده در آیات و روایات تکلیف آور است، پس اگر با جستجو و تتبع، دلیلی بر حرمت چیزی نیافتیم، برای ما حلال است. **لا أجد**

4- وقتی در مسأله ی خوردن و نخوردن شخص پیامبر هم باید از وحی دستور بگیرد، دیگران چگونه از پیش خود چیزی را حرام می کنند؟ **فی ما اوحی الیّ**

5- دلیل تحریم گوشت خوک، آلودگی و پلیدی آن است. **فانه رجس**

6- احکام تغذیه، برای مرد و زن یکسان است. **طاعم یطعمه** در مقابل آن عقیده خرافی در آیه 139 که برای مردان گوشت همه ی حیوانات را حلال و برای زنان برخی موارد را حرام می دانستند. **خالصة لذكورنا ومحرم علی أزواجنا**

7- در قانون، باید اهمّ و مهمّ رعایت شود. حفظ جان، مهم تر از حرام بودن مصرف مردار است. **فمن اضطرّ**

- 8- در اسلام بن بست نیست، وقتی اضطرار پیش آید مصرف حرام ها مجاز می شود. **فَمَنْ اضْطُرَّ**
- 9- سوء استفاده از قانون در موارد استثنا، ممنوع است و باید به همان مقدار اضطرار، بسنده شود. **غیر باغ ولا عاد**
- 10- خون باقیمانده در گوشت پس از ذبح شرعی حرام نیست. خون ریخته شده حرام است. **دما مسفوحا**
- 11- در جایی که اضطرار به طور قهری پیش آید، می توان از گوشت حرام استفاده کرد، ولی اگر با دست خودمان کاری کردیم که مضطر شدیم استفاده مجاز نمی شود. **أُضْطَرَّ** (به صورت مجهول آمده است)
- 12- وجود قوانین تخفیفی و اضطراری، جلوه ای از مغفرت و رحمت الهی است.

146 رَحِيمٌ وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ
 حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ
 بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ
 ترجمه :

و بر یهودیان، هر (حیوان) ناخن دار را حرام کردیم و از گاو و گوسفند، پیه
 هر دو را بر آنان حرام ساختیم مگر آن مقدار که بر پشت گاو و گوسفند یا
 همراه روده و مخلوط به استخوان است. این (تحریم)، کیفر ماست به خاطر ظلمی
 که مرتکب شدند و قطعاً ما راستگوییم.

نکته ها :

در آیه ی قبل، محرمات در اسلام و در این آیه، محرمات یهود بیان شده، تا
 معلوم گردد که عقائد خرافی مشرکین، با هیچ یک از ادیان آسمانی سازگار
 نیست. (270)

ظُفْرٌ به معنای ناخن است، اما به سُمّ برخی حیوانات که شکاف ندارد (مثل
 سُمّ اسب یا نوک پای شتر) نیز اطلاق شده است، از این رو شتر و حیواناتی که
 سُمّ چاک نیستند، چه چهار پایان چه پرندگان، بر یهود حرام است. (271)

حوايا جمع حاويه، به محتویات شکم گفته می شود. (272)

در آیه ی 160 سوره نساء هم می خوانیم: **فَبِظَلَمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا
 عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ حَرَامٌ** شدن برخی طیبیات بر یهود، به خاطر ظلم های
 آنان بوده است، بگذریم که یهود نیز مانند مشرکین پاره ای از چیزها را بر خود
 حرام کرده بودند. قرآن می فرماید: **كُلِّ الطَّعَامِ كَانَ حَلَالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ**
 اسرائیل علی نفسه (273)

تحریم بعضی خوردنی ها بر یهود، موقت بود و توسط حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ بر طرف شد. چنانکه در جای دیگر می خوانیم: **لَا حَلَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حَرَّمَ عَلَيْكُمْ** (274)

احکام الهی سه نوع است: الف: دارای مصلحت یا مفسده ی واقعی است. مثل اکثر احکام. ب: دارای جنبه آزمایشی است مثل فرمان ذبح حضرت اسماعیل. ج: دارای جنبه ی کیفری است، مثل همین آیه. آری، یکی از عذاب های خدا، تنگناهای معیشتی است.

پیام ها:

1 - گاهی محدود ساختن غذای متخلفان و یاغیان، بلامانع است.

حَرَمْنَا...بِغِيهِمْ

2- کیفر الهی منحصر در آخرت نیست، در دنیا هم هست. **جَزِينَاهُمْ بِبِغِيهِمْ**

147- **فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَ سِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ عَنِ**

الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

ترجمه:

(ای پیامبر!) اگر تو را تکذیب کردند پس بگو: پروردگارتان دارای رحمت گسترده است (اما) عذاب او از قوم تبهکار، دفع نمی شود.

پیام ها:

1 - رهبر باید آماده ی شنیدن تکذیب و تهمت از سوی برخی مردم باشد.

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ...

2- با تکذیب کنندگان، باید برخوردی خیرخواهانه کرد و اگر تأثیر نداشت،

از تهدید استفاده شود. **ذُو رَحْمَةٍ لَا يُرَدُّ بَأْسُهُ**

3- مربی باید دریای رحمت باشد. **رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ**

- 4- بیم و امید، در کنار هم کارساز است. ذورحمة، بأسه
- 5- درهای رحمت الهی حتی به روی مخالفان هم بسته نیست. فان کذبوک ربکم ذورحمة
- 6- رحمت خداوند، پیش از قهر اوست. ذو رحمة...بأسه
- 7- گستردگی رحمت الهی، مانع کیفر کردن او نیست. ربکم ذو رحمة...و لا یرد بأسه هرچند کیفر او نیز در مسیر تربیت انسان و از رحمت و ربوبیت او سرچشمه می گیرد.

148 سيقول الذين اشركوا لوشا الله ما أشركنا ولا آباؤنا ولا حرمنا من شيءٍ كذاب لك كذب الذين من قبلهم حتى ذاقوا بأسنا قل هل عندكم من علم فتخرجوه لنا إن تتبعون إلا الظن وإن أنتم إلا تخرصون

ترجمه :

به زودی کسانی که شرک ورزیده اند، خواهند گفت : اگر خدا می خواست، نه ما و نه پدرانمان شرک نمی آوردیم و هیچ چیزی را (از سوی خود) حرام نمی کردیم. کسانی که پیش از آنها بودند (نیز پیامبران قبلی را) اینگونه تکذیب کردند تا آنکه طعم قهر و عذاب ما را چشیدند. بگو: آیا برای شما دانشی هست ؟ آن را برای ما آشکار کنید! شما جز از گمان و خیال پیروی نمی کنید و شما جز حدس زن و دروغگویانی بیش نیستید.

نکته ها :

در این آیه یک خبر غیبی از آینده مطرح است که مشرکان چه خواهند گفت، سيقول الذين اشركوا آن آینده به وقوع پیوست و آنچه پیشگویی شده بود آنان گفتند. و قال الذين اشركوا⁽²⁷⁵⁾

این بهانه که اگر خدای خواست، ما و پدرانمان مشرک نمی شدیم بارها توسط مشرکان مطرح شده است، چنانکه در آیه 35 سوره ی نحل و آیه 20 سوره زخرف نیز آمده است.

سؤال : این آیه سخن مشرکان را نقل می کند که اگر خدا از شرک ما راضی نیست، چرا ما را از آن باز نمی دارد؟ پس شرک ما مورد رضای خداست !
پاسخ : انجام هر کار از هر کسی، از مدار قدرت خداوند بیرون نیست، لکن اراده و مشیّت خداوند آن است که انسان راه خود را آزادانه انتخاب کند. دولت که آب و برق و گاز را به منزل ما می آورد، این امکانات، دلیل راضی بودن دولت به سوءاستفاده ما نیست. خداوند به انسان عقل و وحی عطا کرده و راه حقّ و باطل را به او نشان داده و او را در انتخاب آزاد گذاشته، ولی اراده و اختیار، نشانه ی راضی بودن او به خلاف ما نیست.

خداوند، خواهان ایمان اختیاری مردم است نه اجبار آنان به ایمان آوردن. در قرآن بارها آمده است که : اگر خدا می خواست، همه را هدایت می کرد و پیامبر هم حقّ اکراه و اجبار مردم به ایمان را ندارد.

پیام ها :

- 1 - رهبران و اندیشمندان دینی باید خود را برای پاسخگویی به شبهات و بهانه جویی های آینده آماده کنند. **سیقول**
- 2- فرستادن انبیا و کتب آسمانی برای آنست که مردم با آزادی و اختیار، موحد شوند. پس منطق مشرکین (که اگر خدا می خواست با قهر و قدرت مانع شرک ما می شد) غلط است. **لوشأ اللّٰه ما اشركنا**

3- بدتر از گناه، توجیه آن است. مشرکان، شرک خود را توجیه کرده و آن را مشیت الهی می دانستند. **لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اشْرَكْنَا** (جبرگرایی، بهانه ای است برای فرار از مسئولیت)

4- مشرکین، انحراف خود را با تاریخ نیاکان خود توجیه می کردند. **لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا**

5- عقیده به جبر، از توجیهاات بی اساس منحرفان است. **لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اشْرَكْنَا** شیطان هم که رهبر منحرفان است، گمراهی خود را به خدا نسبت داد و چنین گفت: **رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي** (276)

6- مخالفان، همواره با اهرم جبر، به تکذیب پیامبران پرداخته اند. **كذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ**

7- قرآن از مخالفان هم تقاضای حجّت و دلیل می کند. **قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ**

8- آنان که به بهانه ی سرنوشت، از مسئولیت می گریزند، منتظر چشیدن قهر خدا باشند. **ذَاقُوا بِأَسْنَا**

9- طرفداران جبر، منطق ندارند و در پی خیالاتند. **ان تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظن**

10- اگر به جای علم و یقین، در پی ظن و گمان باشیم، گمراه خواهیم شد. **ان انتم الا تخرصون**

149- **قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ**

ترجمه:

بگو: دلیل روشن و رسالتها برای خداوند است، پس اگر می خواست همه ی شما را (به اجبار) هدایت می کرد.

نکته ها :

خداوند، با فطرت توحیدی که در انسان قرار داده و با هدایت انبیا و عقل، حجّت را بر مردم تمام کرده و راه خیر و شرّ و پایان نیک یا بد هر کدام را هم بیان نموده است. برای خطاکاران هم راه توبه و جبران را باز گذاشته است. معجزه های روشن انبیا و شیوه ی نیکوی دعوت و استدلال های محکم آنان وسازگاری دین با فطرت و عقل، حجّت را بر مردم تمام کرده است. و با این همه، مشرکان جز گمان بی اساس، دلیلی بر شرک خود ندارند و اگر راه غیر خدا را بیویند، از خطاها، ضعف ها، محدودیت های علمی و فکری و هوسها پیروی کرده اند.

در روایات آمده که خداوند در قیامت به انسان می فرماید: راه حقّ را می دانستی یا نمی دانستی؟ اگر بگویند: می دانستم، می پرسد: چرا عمل نکردی؟ و اگر بگویند: نمی دانستم، می پرسد: چرا در پی یاد گرفتن نبودی، این است حجّت بالغه ی خدا بر مردم. ⁽²⁷⁷⁾

پیام ها :

- 1 - تنها خداست که حجّت بالغه دارد و همه ی ما در پاسخ او عاجز و تهیدست و مقصّریم. **فَللّهِ الْحِجَّةُ**
- 2- در راه خدا هیچ گونه ابهام و بهانه ای که دستاویز مخالفان باشد نیست، نه در استدلال، نه در سابقه، نه در صفات پیامبر و نه در شیوه ی برخورد با آنان. **فَللّهِ الْحِجَّةُ الْبَالِغَةُ**
- 3- مشیّت خداوند، بر هدایت آزادانه و ارادی انسان و آزادی و اختیار اوست. **فلوشأ لهداکم**
- 4- اراده ی خداوند، تخلف ناپذیر است. **فلوشأ لهداکم**

150- قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

ترجمه :

(ای پیامبر! به کسانی که بهره بردن از حیوانات و زراعت ها را نابجا بر خود حرام کرده اند) بگو: گواهان خود را که گواهی دهند خداوند این را حرام کرده، بیاورید. پس اگر شهادت دادند، تو همراه با آنها گواهی مده و از خواسته های کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند، همان ها که برای پروردگارشان شریک قرار می دهند، پیروی نکن.

نکته ها :

اسلام، دین منطق و آزادی است، در دو آیه ی قبل خداوند از مشرکان پرسید: آیا شما از چیزی اطلاع دارید که ما نداریم؟ **هل عندکم من علمٍ**، در اینجا هم می فرماید: اگر گواه دارید بیاورید. **هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمْ** در این آیه، ابتدا می فرماید: اگر دلیل و گواه دارند بیاورند، سپس می فرماید: اگر هم شهادت دادند، تو قبول نکن (چون صادقانه نیست).
یعدلون از عدل به معنای همتاست. پس **بربهم يعدلون** یعنی برای خداوند، شریک و همتا و شبیه قرار می دهند.

پیام ها :

1 - اسلام، دین منطق و برهان است و از مخالفان خود گواه طلبیده و آنان را به مجادله ی نیکو دعوت می کند. **قل هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمْ**
2- یکی از وظایف مبلغان دینی، برخورد با بدعت هاست. **قل هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمْ...أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا**

- 3- هر گواهی و شهادتی، اعتبار ندارد. **فان شهدوا فلا تشهد معهم**
- 4- مواظب باشیم شرایط و جوّ اجتماع، ما را به اشتباه نیفکند. **فان شهدوا فلا تشهد معهم** (تصدیق کردن و همگام شدن با گواهان ناحق حرام است)
- 5- قوانین بشری اگر برخاسته از هوس های کفّار باشد، قابل پیروی نیست. **لا تتبع أهواؤ الذين كذبوا بآياتنا...**
- 6- انسان های با ایمان نباید از سنت های مشرکان تقلید کنند. **لا تتبع أهواؤ الذين كذبوا بآياتنا...**
- 7- مشرکین، خداوند را خالق می دانند لکن در تدبیر و مدیریت امور هستی برای او شریک قائلند. **و هم برّبههم يعدلون**

151- **قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم الا تشرکوا به شیئا و بالوالدین احسنا و لا تقتلوا اولادکم من املق نحن نرزقکم و ایاهم و لا تقربوا الفواحش ما ظهر منها وما بطن و لا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ذلکم و صکم به لعلکم تعقلون**

ترجمه :

بگو: بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده بخوانم : چیزی را با او شریک مگیرید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانان را از ترس تنگدستی نکشید. ماییم که به شما و آنان روزی می دهیم، و به کارهای زشت، چه آشکار و چه پنهان، نزدیک نشوید، و نفسی را که خداوند (کشتن آن را) حرام شمرده، جز به حق (مثل قصاص یا دفاع) نکشید، اینهاست آنچه خداوند شمارا به آن توصیه فرموده، باشد که تعقل و اندیشه کنید.

نکته ها :

در این آیه و دو آیه بعد، به چند اصل مهم اشاره شده که از مشترکات همه ی ادیان آسمانی است، در تورات هم (سفر خروج، باب 20) مشابه این دستورها آمده است.

دو نفر از سران مدینه به حضور پیامبر ﷺ رسیدند. همین که حضرت این آیات را خواند، مسلمان شده و درخواست مبلغ کردند. پیامبر نیز مصعب بن عمیر را همراهشان فرستاد. این حرکت زمینه ساز مسلمان شدن مردم مدینه گشت.

قرآن در چهار آیه⁽²⁷⁸⁾ نسبت به پدر و مادر سفارش کرده است و در هر چهار مورد همراه با مسأله ی توحید و نهی از شرک است. همان گونه که در آفرینش اوّل خداست، بعد پدر و مادر. در این آیات هم اوّل توحید است، بعد نیکی به والدین، ضمناً این آیه چون محرّمات را می شمرد، پس ترک احسان به والدین هم حرام است.

پنج دستور این آیه چنان به یکدیگر پیوند دارند که گویا یک دستورند. **وصّاکم به ضمیر به مفرد است.**

امام صادق علیه السلام فرمود: احسان به والدین، یعنی کاری نکنیم که آنان وادار به درخواست و سوّالی از ما شوند.⁽²⁷⁹⁾

پیام ها :

- 1 - بیان احکام الهی برای مردم، یکی از وظایف انبیاست. **أتل ما حرّم**
- 2 - چون اصل در همه چیز، حلال بودن است، از این رو حلالها شمارش نشده و فقط محرّمات گفته شده است. **أتل ما حرّم**

3- محرمات دین، از سوی خداست و پیامبر از پیش خود چیزی را حرام نمی‌کند. **حَرَّمَ رَبِّكُمْ**

4- ممنوعیت منکرات، جهت تکامل و تربیت انسان است. **حَرَّمَ رَبِّكُمْ**

5- چون شرک، ریشه‌ی مفسد است، در رأس محرمات آمده است. **الَّا**

تَشْرِكُوا

6- بعد از یکتاپرستی، احسان به والدین آمده است. **بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا**

7- دستوره‌های این آیه همه در قالب نهی است، مگر نیکی به پدر و مادر که

در قالب امر است. یعنی نه تنها نیاز دارید، بلکه احسان کنید. **و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا**

8- فرزندکشی و سقط جنین از ترس فقر، عملی جاهلانه است، اگر خدا

ضامن روزی است، چه ترسی از فقر؟ **نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ**

9- هم اصلاح جامعه از مفسد لازم است، هم اصلاح روح از رذایل. **مَا ظَهَرَ**

مِنْهَا وَ مَا بَطَّنَ

10- برخی از گناهان چنان خطرناک است که نزدیک آنها هم نباید رفت.

لَا تَقْرَبُوا

11- دستورات الهی، مطابق عقل یا زمینه شکوفایی آن است. **لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ**

152- **و لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ**

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ

فَاعْدُوا وَكُلُوا وَكَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ

تَذَكَّرُونَ

ترجمه :

به مال یتیم نزدیک نشوید (و در آن تصرفی نکنید) مگر به نیکوترین (طریقه

ای که به صلاح او باشد) تا به حد بلوغ و رشد خود برسد. (در داد و ستدها)

پیمانانه و ترازو را با عدالت تمام دهید. ما هیچ کس را جز به اندازه ی توانش تکلیف نمی کنیم. و هرگاه سخن می گوئید (چه در قضاوت و چه در شهادت) عدالت را رعایت کنید، هر چند (به زیان) خویشاوندتان باشد و به عهد و پیمان خدا وفا کنید. اینها اموری است که خداوند، شمارا به آن سفارش کرده است، باشد که یاد کنید و پند بگیرید.

نکته ها :

خداوند، کارهای خود را به نحو احسن انجام می دهد: **أحسن الخالقین** ⁽²⁸⁰⁾، **أحسن تقویم** ⁽²⁸¹⁾، **نزل أحسن الحديث** ⁽²⁸²⁾ و... از ما هم خواسته که کارهایمان به نحو احسن باشد، **لیبلوکم ایکم احسن عملا** ⁽²⁸³⁾ چه در تصرفات و فعالیت های اقتصادی، **الآ بالتی هی احسن** ⁽²⁸⁴⁾، چه در گفتگو با مخالفان، **جادلهم بالتی هی احسن** ⁽²⁸⁵⁾، چه در پذیرش سخنان دیگران، **یستمعون القول فیتبعون احسنه** ⁽²⁸⁶⁾ و چه بدی های مردم را با بهترین نحو جواب دادن، **ادفع بالتی هی احسن السیئة** ⁽²⁸⁷⁾ که در تمام این موارد، کلمه ی احسن به کار رفته است.

قوم حضرت شعیب، به خاطر کم فروشی گرفتار عذاب شدند. در قرآن نیز سه بار از کم فروشی نهی شده است.

کلمه ی کیل هم به معنای پیمانانه است و هم به معنای پیمانانه کردن. کلمه ی قسط هم می تواند مربوط به اوفوا باشد یعنی پرداخت، عادلانه باشد و هم مربوط به کیل و میزان باشد، یعنی خود پیمانانه و ترازو سالم باشد. البته نتیجه هر دو یکی است.

پیام ها :

1 - چون یتیم مدافعی ندارد و اموالش لغزشگاه است مواظب باشیم. **لا تقربوا**

- 2- برای حفظ حقوق ایتم باید بهترین طریقه ی بهره گیری از اموال و دارایی او انتخاب شود. **بالتی هی أحسن**. جز کسانی که اهلیت اقتصادی و تقوای کافی دارند، نباید دیگران به مال یتیم نزدیک شوند. **لا تقربوا... الا**
- 3- وقتی ایتم به رشد و تجربه ی کافی رسیدند، سلطه ی خود را از آنان بردارید. **حتى يبلغ أشده**
- 4- نظام اقتصادی جامعه ی اسلامی باید بر اساس قسط باشد. **بالقسط**
- 5- اگر اجرای عدالت در حدّ اعلی ممکن نیست، لا اقلّ در حدّ توان و امکان مراعات کنید. **لا نكلّف نفساً الاّ وسعها**
- 6- تمام دستورات و اوامر و نواهی الهی، فوق طاقت انسان نیست. **لا نكلّف نفساً الاّ وسعها**
- 7- بدون قدرت، تکلیفی نیست. **لا نكلّف نفساً الاّ وسعها**
- 8- در اسلام، تکلیف به اندازه ی توان است. هر که توانا تر، تکلیفش هم سنگین تر. **لا نكلّف نفساً الاّ وسعها**
- 9- عدالت، هم در رفتار و هم در گفتار، یک اصل است. **اوفوا الکیل... و اذا قلتم فاعدلوا** (در گواهی ها، وصیت ها، قضاوت ها، صدور حکم ها، انتقادهای ستایش ها، عدالت را مراعات کنیم).
- 10- به پیمان های الهی (که شامل فرمان های عقل و وحی و وجدان و فطرت می شود) وفادار باشیم. (عهد الله هم شامل پیمانی است که خدا با انسان دارد و هم پیمانی که انسان با خدا می بندد) **بعهد الله اوفوا**
- 11- رابطه ی خویشاوندی را بر ضابطه ی حق و عدل، ترجیح ندهیم. **فاعدلوا ولو كان ذا قربی**

153- وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ
عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ترجمه :

و این (دستورها) راه مستقیم من است. پس آن را پیروی کنید و راههای دیگر را پیروی نکنید که شما را از راه خداوند پراکنده کند. این سفارش خداوند به شماست، باشد که تقوا پیشه کنید.

نکته ها :

پیامبر اکرم ﷺ برای توضیح این آیه از روش نمایشی استفاده کرده، با دست مبارک خود خط مستقیمی بر زمین کشیدند و فرمودند: این راه مستقیم است که یکی بیش نیست. سپس خطوطی از راست و چپ آن خط ترسیم کرده و فرمودند: اینها راههایی است که شیطان به آن دعوت می کند. (288)

در پایان سه آیه ی اخیر، سه تعبیر مختلف آمده است :

در پایان آیه 151 که نهی از شرک و قتل و فحشا است. **لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ** آمده است، یعنی زشتی این امور با اندکی تعقل و فکر، برای همه روشن می شود. در آیه ی 152 که به حفظ مال یتیم و رعایت قسط و عدل و وفای به عهد فرمان می دهد، تعبیر **لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ** آمده، یعنی خوبی عدالت را فطرت و نهاد هرکس می پذیرد، تنها باید تذکر داد.

در این آیه نیز که پیروی از دستورهای خداست، **لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ** آمده، یعنی تقوا همان گام نهادن در راه اطاعت و فرمان الهی است.

آنگونه که نور یکی است و ظلمات متعدد، راه مستقیم یکی است و راه های انحرافی متعدد. (صراط مفرد آمده ولی سُبُل جمع)

در روایات می خوانیم که مصداق عینی راه مستقیم، رسول خدا
ﷺ و امامان معصوم علیهم السلام از اهل بیت او هستند. (289)

پیام ها :

1 - اساس همه ادیان الهی، پیروی از راه خدا و دوری از راه دیگران است.

صراطی...فاتبعوه و لا تتبعوا السبل

2- عمل به احکام الهی، سبب وحدت است و به سراغ احکام غیر الهی رفتن،
مایه ی تفرقه می باشد. صراطی مستقیما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فترق بکم
عن سبيله

3- شاید بتوان با توجه به پایان سه آیه ی اخیر، چنین نتیجه گرفت که
مراحل رشد و کمال انسان عبارت است از: تعقل، لعلکم تعقلون، تذکر، لعلکم
تذکرون و تقوا. لعلکم تتقون

154- ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ

شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ

ترجمه :

سپس به موسی، کتاب (تورات) دادیم تا بر کسی که نیکوکار بوده (نعمت
خود را) تمام کنیم، و (این کتاب) بیانگر همه ی مسائل و وسیله هدایت و
رحمت باشد، شاید مردم به دیدار پروردگارشان ایمان بیاورند.

نکته ها :

میان قرآن و تورات، شباهت های فراوانی است. در انجیل، تکیه بر مواعظ
است و در زبور، تکیه بر دعاست، ولی از نظر قوانین، شباهت تورات به قرآن
بیشتر است. از این رو به تورات، امام گفته شده است. و من قبله کتاب موسی

اماما⁽²⁹⁰⁾ در این آیه هم تورات، رحمت، هدایت و بیانگر هر چیز معرفی شده است.

پیام ها :

- 1 - هر کتاب آسمانی نسبت به زمان خودش، کامل است. **تماما**
- 2- تنها نیکوکاران و نیکواندیشان، پیام های کتب آسمانی و قوانین الهی را بهتر می گیرند. **علی الذی أحسن**
- 3- همه ی نیازهای انسان برای رسیدن به تکامل، در کتب آسمانی آمده است. **تفصيلا لكل شيء**
- 4- کتاب آسمانی در مسیر هدایت انسان و رحمت الهی است. **هدی و رحمة**
- 5- یکی از مقاصد کتب آسمانی و پیامبران الهی، ایمان انسان به قیامت است. **لعلهم بلقاء ربهم يؤمنون**

155- **وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ**

ترجمه :

واین (قرآن) کتابی است مبارک که آن را نازل کردیم. پس آن را پیروی نموده و تقوا پیشه کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید.

156- **أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابُ عَلَي طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ**

دِرَاسَتِهِمْ لَعَفَلِينَ

(آن تورات را نازل کردیم) تا نگوید کتاب (آسمانی)، فقط بر دو طایفه ی (یهود و نصاری) که پیش از ما بودند نازل شده است و ما از علوم آنان بی خبر بوده ایم.

نکته ها :

کلمه مبارک از ریشه ی برکت، بر دو امر تأکید می کند: 1 ریشه قوی و ثابت. 2 رشد دائم. قرآن، هم دارای مطالبی اساسی و تغییرناپذیر و استوار است و هم با گذشت زمان، پرده هایی از اسرارش کشف و روز به روز جلوه ی آن بیشتر می شود.

آن تقولوا به معنای لئلا تقولوا است، یعنی : تا نگوئید و بهانه نگیرید.
دراسة به معنای تلاوت و علم است.

پیام ها :

1 - قرآن، تنها کتاب تئوری و نظری نیست، بلکه کتاب سعادت و برنامه ی عمل انسان است. **کتاب...فاتبعوه**

2- سعادت بشر در دو چیز است : اطاعت حق، اجتناب از باطل. **فاتبعوه**

واتقوا

3- خداوند، حجّت را بر مردم تمام کرده است. **کتاب انزلناه...آن تقولوا**

4- دستگاه تبلیغاتی مسلمانان باید برای هر کشور و ملت و زبانی، برنامه های صحیح در سطح جهان آماده کند، تا حجّت بر آنان تمام شود و نگویند ما از حق بی خبر بودیم

157- **أَنْ تَقُولُوا لَوَإِنَّا نَزَّلْنَا عَلَيْنَا أَلْكِتَابَ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةً فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ**

ترجمه :

یا نگوئید اگر کتاب آسمانی بر ما نازل می شد، قطعاً از آنان (یهود و نصاری) هدایت یافته تر بودیم. (برای جلوگیری از این بهانه ها) بی شک از سوی

پروردگارتان دلیل روشن و هدایت و رحمت آمد. پس کیست ستمکارتر از کسی که آیات الهی را تکذیب کند و از آن روی گرداند؟ ما به زودی کسانی را که از آیات ما روی گردانند، به خاطر همین روی گردانی به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد.

نکته ها :

یَصَدْفُونَ از صدف، به معنای اعراض شدید از چیزی بدون تأمل و اندیشه است.

پیام ها :

1 - مشرکین مکه، به هدایت یافتگی پیروان تورات و انجیل اعتراف داشتند، ولی خود را برای دریافت کتاب آسمانی شایسته تر از آنان می دانستند. لکنّا

اهدی منهم

2- نزول قرآن برای همه، اتمام حجّت است. فقد جاأکم بیّنة من ربکم

3- قرآن، پرتوی از ربوبیت خداوند است. بیّنة من ربکم

4- قرآن، کتاب هدایت و رحمت است. هدی و رحمة

5- پیش از آزمایش، مدعی زیاد است، ولی امتحان، صداقت ها را آشکار

می کند. لکنّا اهدی... فمن اظلم ممن کذب...

6- از بزرگ ترین ظلم ها به انسانیت، اعراض از کتب آسمانی است. فمن

أظلم ممن کذب بآیات الله

7- کیفر اعراض از دین حقّ و پشت کردن به آیات الهی، عذاب شدید است.

الذین یصدفون عن آیاتنا سوء العذاب بما کانوا یصدفون

8- عامل اصلی بدبختی های انسان، عملکرد خود اوست. بما کانوا یصدفون

158 هل ينظرون الا ان تاتيهم الملائكة اوياتي ربك او ياتي بعض
 آيات ربك يوم ياتي بعض آيات ربك لا ينفع نفساً إيم نهما لم تكن
 ءأمنت من قبل او كسبت في إيم نهما خيراً قلانتظروا إنا منتظرون

ترجمه :

آیا (با دیدن آن همه آیات و بینات و معجزات، باز هم) جز این انتظار دارند
 که فرشتگان نزد ایشان بیایند، یا خود پروردگارت بیاید، یا بعضی از آیات
 پروردگارت (نشانه های قیامت) بیاید؟! (مگر نمی دانند) روزی که بعضی از
 نشانه های پروردگارت بیاید کسی که پیش از آن ایمان نیاورده یا در مدت
 ایمان خود کار خیری را کسب نکرده، ایمان آوردنش سودی ندهد. بگو: منتظر
 (قهر خدا) باشید که ما هم در انتظاریم.

نکته ها :

در آیه 92 سوره ی اسراً توقّعات نابجای کفار مطرح شده است که می
 گفتند: ما به تو ایمان نمی آوریم مگر آنکه آسمان را بر ما فروریزی، یا خدا و
 فرشتگان را نزد ما آوری. این انتظاراتها در این آیه رد شده است.

پیام ها :

- 1 - کافران لجوج، با دیدن معجزات الهی هم تسلیم نمی شوند. هل ينظرون...
- 2- نتیجه ی طفره رفتن در ایمان، ناکامی است. لا ينفع نفساً ایمانها
- 3- ایمان و عمل، در شرایط آزاد و طبیعی، کارساز است، نه در حال اضطرار
 و ترس جان. يوم ياتي بعض آيات ربك لا ينفع
- 4- عمل صالح بدون ایمان سودبخش نیست. او كسبت في ایمانها خيراً

159- إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

ترجمه :

(ای پیامبر!) تو را با کسانی که دین خود را پراکنده ساخته و گروه گروه شدند، هیچ گونه ارتباطی نیست. (تو مسئول آنان نیستی و) سرنوشت کارشان تنها با خداست، آنگاه او آنان را به عملکردشان آگاه خواهد کرد.

نکته ها :

تفرقه افکنی در دین، یعنی بدعت گذاری و تفسیر دین به رأی خود که در قرآن و حدیث، شدیدترین تعبیرات، درباره این گونه کسان آمده است. به برخی از این نمونه ها توجه کنید:

قرآن می گوید: وای بر آنان که با دست خود مطلبی می نویسند، سپس می گویند: این از طرف خداوند است. (291)

علی عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: هرگاه بدعتی آید، سنتی می رود. (292) و یکی از وظایف انبیا و علما، بدعت زدایی و جلوگیری از تحریف هاست. (293)

در روایات آمده است: توبه ی صاحب بدعت، پذیرفته نمی شود. (294)

خداوند، هیچ عملی را از بدعتگذار قبول نمی کند. (295)

کسی که به بدعتگذار احترام گذارد یا لبخندی بزند، در فروپاشی دین گام برداشته است.

رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: هرگاه در میان امتم اختلاف شد، هر کس طبق سنت و گفته من عمل کند و سراغ راه و روش دیگران نرود، پاداش صد شهید خواهد داشت. (296)

در قرآن، بارها از یهود، به خاطر تحریف هایی که علمایشان در دین پدید آوردند انتقاد شده است. درباره حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام هم می خوانیم: وقتی از کوه طور برگشت و انحراف و گوساله پرستی قوم خود را دید، از فرط ناراحتی الواح تورات را بر زمین افکند و ریش برادرش را که جانشین او بود گرفت و گفت: چرا اُمَّتَم منحرف شدند؟ هارون در پاسخ گفت: ترسیدم اگر برای جلوگیری از انحرافشان شدت عمل به خرج دهم، مردم متفرق شوند و تو بگویی چرا مردم فرقه فرقه شدند (تفرقه ای که با بازگشت تو هم قابل اصلاح نباشد).

این آیات و روایات، مسئولیت سنگین دین شناسان را در حفظ اصالت مکتب و مقابله با انحرافات فکری، در عین حفظ وحدت اجتماعی اُمَّت، بیان می کند.

پیام ها :

1- میان معارف دینی تفاوتی نیست، باید به همه ایمان داشت و عمل کرد، نه فقط بعضی. **انَّ الَّذِینَ فَرَّقُوا دِینَهُمْ**

2- از عوامل تفرقه و جدایی، تغییر و تحریف در مکتب است. **انَّ الَّذِینَ فَرَّقُوا دِینَهُمْ وَ کَانُوا شِیعَا**

3- با آنان که مجموعه ی مکتب اسلام را قبول ندارند، نباید همکاری کرد آنان از اُمَّتِ مُحَمَّد محسوب نخواهند شد. **لَسْتَ مِنْهُمْ فِی شَیْءٍ** آنان مورد تهدید خداوند هستند. **أَنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ**

4- تفرقه افکنی در دین، نوعی شرک است. **فَرَّقُوا دِینَهُمْ... لَسْتَ مِنْهُمْ فِی شَیْءٍ** در آیات 32 و 33 روم آمده است. **وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِینَ. مِنَ الَّذِینَ فَرَّقُوا دِینَهُمْ** از مشرکین نباشید همان کسانی که در دین خود تفرقه به وجود آوردند.

160- مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

ترجمه :

هرکه نیکی آورد، پس برای او پاداشی ده برابر آن است و هرکه بدی آورد، جز مانند آن کیفر نخواهد دید و به آنان هرگز ستم نخواهد شد.

نکته ها :

از کلمه ی جَاءَ استفاده می شود که پاداش و کیفر مورد بحث در این آیه، مربوط به دادگاه قیامت است. وگرنه چه بسا خلافی که با توبه محو یا به نیکی تبدیل شود. **يَبْدَلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ** ⁽²⁹⁷⁾، یا مورد عفو قرار می گیرد. **يَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ** ⁽²⁹⁸⁾، و چه بسا نیکی ها که با ریا و عُجْب و گناهان دیگر محو و حبط شود. پس عملی ملاک است که به صحنه ی قیامت آورده شود. **جَاءَ بِالْحَسَنَةِ...جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ**

گرچه آیه ی مربوط به عمل نیک و بد است، ولی طبق روایت، آنکه نیت خیر کند پاداش دارد ولی نیت سوء تا به مرحله عمل نرسد، کیفر ندارد و این فضل الهی است.

در روایات آمده است : هر که در ماه، سه روز روزه بگیرد، گویا همه ی ماه را روزه گرفته است، زیرا هر روزش ده روز حساب می شود. **عَشْرُ أَمْثَالِهَا** پاداش ده برابر، حداقل است. بعضی اعمال، در بعضی شرایط و برای بعضی افراد، پاداش تا هفتصد برابر بلکه پاداش بی حساب هم دارد. از ده پاداش الهی، فقط یک قسمت مزد است و نه قسمت دیگر فضل. **فِيَوْفِيهِمْ أَجْرُهُمْ وَ يَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ** ⁽²⁹⁹⁾

سؤال : اگر کیفر گنهکار، به اندازه ی گناه اوست، پس چرا یک روز روزه خوردن، شصت روز روزه کفاره دارد؟

پاسخ : مقصود از مثل در آیه، از نظر عدد نیست، بلکه کیفیت و چگونگی است. اهمیت یک روز، روزه ماه رمضان، برابر با 60 روز در غیر ماه رمضان است. مثل شب قدر که در اهمیت، بیش از هزار ماه است. این بیان اهمیت است، نه برتری عددی.

پیام ها :

- 1 - در شیوه ی تربیتی اسلام، تشویق ده برابر تنبیه است. عشر امثالها
- 2- تشویق چند برابر، ظلم نیست ولی کیفر بیش از حد ظلم است. فلا یجزی الا مثلها و هم لا یظلمون
- 3- خداوند، در پاداش با فضل خود رفتار می کند، ولی در کیفر، با عدل. عشر أمثالها... الا مثلها
- 4- عمل انسان همیشه و همه جا همراه انسان است. من جاء بالحسنة... و من جاء بالسيئة

161- قُلْ إِنِّي هَدَيْتَنِي رَبِّيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ
حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

ترجمه :

بگو: همانا پروردگارم مرا به راهی راست هدایت کرده، دینی استوار که همان
آیین حق گرای ابراهیمی است، و او از مشرکان نبود.

نکته ها :

کلمه ی قِيم و قِيم، به معنای راستی، استواری و پایداری است، آری، دینی
استوار و جاوید می ماند که به مسائل مادی و معنوی این جهان و آن جهان
مردم توجه کند.

امام حسین علیه السلام فرمود: هیچ کس جز ما و شیعیان ما، پیرو آیین ابراهیم
علیه السلام نیست. (300)

پیام ها :

1 - سخنان و تعالیم پیامبر، نظر شخصی او نیست، بلکه متن وحی الهی
است، که باید به مردم اعلام کند. **قل**

2- راه مستقیم، راه پیامبر است. **هدانی ربی الی صراط مستقیم**

3- هدایت، تنها کار خداست، انبیا هم با هدایت الهی راه مستقیم را پیدا می

کنند. **هدانی ربی**

4- هدایت، از شئون ربوبیت است. **هدانی ربی**

5- راه ابراهیم علیه السلام، همان یکتاپرستی است، نه افکار شرک آلود. **حنیفاً و ما**

کان من المشرکین (مشرکان، عقائد انحرافی خود را به ابراهیم علیه السلام نسبت می
دادند)

6- بت شکنی و اعراض از شرک، تنها کار پیامبر اسلام نیست، بلکه او به پیروی از حضرت ابراهیم چنین می کرده است. **مَلَّةَ اِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا**

7- اساس ادیان توحیدی در طول تاریخ، یکی بوده است. اسلام، همان آیین حضرت ابراهیم است و تنفر از شرک، راه همه ی پیامبران می باشد. **قُلْ اَنْتَى...مَلَّةَ اِبْرَاهِيمَ و مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ**

162- **قُلْ اِنَّ صَلَاتِى وَنُسُكِى وَمَحْيَاىَ وَمَمَاتِى لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**

ترجمه :

بگو: همانا نماز من و عبادات من و زندگی من و مرگ من برای خداوند، پروردگار جهانیان است.

163- **لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ**

شریکی برای او نیست و به آن (روح تسلیم و خلوص و عبودیت) مأمور شده ام و من نخستین مسلمان و تسلیم پروردگارم.

نکته ها :

روایت شده که رسول اکرم ﷺ در آستانه ی نماز این آیات را می خواند.

(301)

مرگ، بر حیات احاطه دارد و حیات بر نُسُک، و نُسُک بر نماز. بنابراین، نماز، هسته ی مرکزی در درون عبادات است.

اسلام، به معنای تسلیم بودن در برابر امر خداوند است و به همه ی انبیا نسبت داده شده است. حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام خود را مسلمان دانسته است، **أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ** (302) حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام از خداوند می خواهد که او و ذریه اش را تسلیم او قرار دهد. **وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةٌ مُسْلِمَةٌ لَكَ** (303)، حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام نیز از خداوند مسلمان مردن را درخواست می کند:

توفنی مسلماً⁽³⁰⁴⁾ و پیامبر اسلام ﷺ نیز اولین مسلمان است، و انا اول المسلمین
به این معنا که یا در زمان خودش، یا در رتبه و مقام تسلیم، مقدم بر همه است.

پیام ها :

- 1 - راه و روش و هدف خود را در برابر راههای انحرافی، با صراحت و افتخار اعلام کنیم. قل
- 2- با آنکه نماز، جزو عبادات است، ولی، جدا ذکر شده تا اهمیت آن را نشان دهد. **صلاتی و نسکی**
- 3- انسان های مخلص، مسیر تکوینی (مرگ و حیات) و مسیر تشریحی خود (نماز و نسک) را فقط برای خداوند عالمیان می دانند. **ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله**
- 4- آنگونه که در نماز قصد قربت می کنیم، در هر نفس کشیدن و زنده بودن و مردن هم می توان قصد قربت کرد. **محیای و مماتی لله...**
- 5- مرگ و حیات مهم نیست، مهم آن است که آنها برای خدا و در راه خدا باشد. **محیای و مماتی لله**
- 6- آنچه برای خدا باشد، رشد می کند. **لله رب العالمین**
- 7- مرگ و زندگی دست ما نیست، ولی جهت دادن به آن دست ماست. **لله**
- 8- اخلاص در کارها، فرمان الهی است. **بذلک امرت**
- 9- پیشوای جامعه، باید در پیمودن راه و پیاده کردن فرمان الهی، پیشگام باشد. **اول المسلمین**

164- قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ أَبْعَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

ترجمه :

بگو: آیا جز خداوند یکتا پروردگاری بجویم ؟ در حالی که او پروردگار هر چیز است و هیچ کس (کار بدی) جز به زیان خویش نمی کند و هیچ کس بار (گناه) دیگری را بر دوش نمی کشد، بازگشت شما به سوی پروردگارتان است که شما را به آنچه در آن اختلاف می کردید، آگاه می کند.

نکته ها :

موضوع عدل الهی در کیفر و اینکه هیچ کس گناه دیگری را به دوش نمی کشد، نه تنها در اسلام، بلکه به تصریح قرآن، در صُحُفِ اِبْرَاهِيمَ و موسی 8 نیز آمده است. ام لم يُنَبِّأَ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ. و اِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّى. اَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (305)

سؤال : اگر کسی گناه دیگران را بر دوش نمی کشد، پس آنچه در قرآن آمده است که رهبران گمراه و منحرف، گناهان پیروان را هم به عهده می گیرند چیست ؟ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضَلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ (306)

پاسخ : این امر بی دلیل نیست، زیرا سران گمراهی، سبب انحراف دیگران شده اند و در واقع، گناه گمراه کردن و اضلال را به دوش می گیرند.

زن حامله ای که مرتکب زنا شده بود را برای مجازات نزد عمر آوردند و او دستور سنگسار داد. حضرت علی عليه السلام فرمود: گناه طفل در رحم مادر چیست ؟ سپس این آیه را تلاوت فرمود: لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى (307)

پیام ها :

1 - در برخورد با منکران و مشرکان، موضع بر حق خود را قاطعانه اعلام کنیم. **قل أغير الله**

2- وجدان بیدار، بهترین پاسخ دهنده به سؤالات درونی است. **أغير الله أبغی**

3- چون خداوند، یگانه پروردگار همه ی هستی است، پروردگار من هم هست. **و هو ربّ كلّ شیء**

4- کفر و شرک و نیکی و فساد مردم، ضرری به خدا نمی زند، بلکه دامنگیر خودشان می شود. **لا تکسب کلّ نفس الا علیها**

5- در پیشگاه خداوند مسئولیت عمل هر کس، بر عهده ی خود اوست. **لا تزر وازرة وزر اخرى**

6- برپایی قیامت و بازخواست انسان، پرتویی از ربوبیت خداوند است. **ثمّ الی ربکم مرجعکم**

7- دنیا نیز پایانی دارد، **ثمّ الی ربکم مرجعکم** و سرانجام به حقایق آنچه لجوجانه با آن مخالفت کرده ایم، آگاه خواهیم شد. **فینبئکم بما کنتم فیه تختلفون**

165- **وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلْفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ**
ترجمه :

و اوست که شما را جانشینان (یکدیگر در) زمین قرار داد و درجات بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده، بیازماید. همانا پروردگارت زود کیفر است والبته او حتما آمرزنده ومهربان است.

نکته ها :

سوره ی انعام با حمد الهی آغاز شد الحمد لله الذی خلق...و با رحمت الهی پایان می پذیرد. **انه لغفور رحیم**
منظور از خلائی الارض، یا جانشیان خدا در زمین هستند و یا جانشیانی انسان امروز از امت های پیشین.

پیام ها :

- 1- انسان، خلیفه ی خدا و امیر زمین است، نه اسیر هستی. **و هو الذی جعلکم خلائی الارض**
- 2- تفاوت های مردم و آزمایشات الهی، حکیمانه و در مسیر رشد و تربیت انسان است و از ربوبیت خداوند سرچشمه می گیرد. **و هو ربّ کلّ شیء...رفع بعضکم فوق بعض...**
- 3- تفاوت و برتری بعضی در داده های خداوند، ملاک برتری نیست، وسیله ی آزمایش است. **لیبلوکم فی ما آتاکم**
- 4- آنچه را در اختیار داریم، از خدا بدانیم. **فی ما آتاکم**
- 5- معیار و مقدار آزمایش هر کس، به میزان داده ها و امکانات اوست. **لیبلوکم فی ما آتاکم**
- 6- پس از آزمایش، خداوند نسبت به مردودین **سریع العقاب** است و نسبت به قبول شدگان **غفور رحیم**.
- 7- بیم و امید باید در کنار هم باشد. **سریع العقاب...لغفور رحیم**
الحمد لله ربّ العالمین

پی نوشت ها :

- 1- تفسیر الطیب البیان.
- 2- اوستای فعلی، اهریمن را خدای ظلمات و اهورا مزدا را خدای نور دانسته و میان آن دو تضادّ قائل است. تفسیر الکاشف.
- 3- تفسیر نورالتقلین.
- 4- تفسیر عیاشی ؛ بحار، ج 9، ص 355.
- 5- مستدرک الوسائل، ج 15، ص 249.
- 6- کافی، ج 1، ص 147.
- 7- فاطر، 11.
- 8- تفسیر نورالتقلین ؛ توحید صدوق، ص 133.
- 9- اگر علم خداوند نسبت به آشکار و نهان آدمی تفاوت داشت، جمله ی *یعلم تکرار می شد و می فرمود: یعلم سرگم و یعلم جهرکم*
- 10- تفسیر مراغی.
- 11- اقرب الموارد.
- 12- تفاسیر المیزان و کبیر فخررازی.
- 13- تفسیر مجمع البیان ذیل آیه 52 سوره هود.
- 14- حج، 41.
- 15- سبأ، 35.
- 16- علق، 6، 7.
- 17- تفاسیر کبیر فخررازی و نورالتقلین.
- 18- فرقان، 7.
- 19- مؤ منون، 34.
- 20- تفسیر مراغی.
- 21- تفسیر نمونه.
- 22- لیل، 12.
- 23- هود، 6.

- 24- انعام، 12.
- 25- مجادلته، 31.
- 26- كنز العمال، ج 3، ص 162 وتفسير في ظلال القرآن.
- 27- تفسير في ظلال القرآن.
- 28- اعراف، 156.
- 29- شوري، 28.
- 30- اعراف، 57.
- 31- قصص، 73.
- 32- انبياء، 107.
- 33- جاثيه، 20.
- 34- هود، 17.
- 35- اعراف، 72.
- 36- روم، 21.
- 37- روم، 50.
- 38- زمر، 53.
- 39- تفاسير مجمع البيان و نورالتقلين.
- 40- نهج البلاغه، نامه 31.
- 41- تفسير درالمنتور.
- 42- تفسير صافي.
- 43- فاطر، 23.
- 44- عنكبوت، 50.
- 45- تفسير عياشي.
- 46- كافي، ج 1، ص 416.
- 47- فتح، 29.
- 48- مفاتيح الجنان.
- 49- كافي، ج 1، ص 67.
- 50- تفسير مجمع البيان.
- 51- لسان العرب.

- 52- مجادلہ، 18.
- 53- تفسیر کنزالدقائق.
- 54- تفسیر عیاشی.
- 55- صف، 5.
- 56- لسان العرب.
- 57- الغدير، ج 7 و8؛ الصحيح من السيره، ج 1، ص 134142.
- 58- مؤ منون، 100.
- 59- مؤ منون، 107.
- 60- جائیہ، 33.
- 61- زمر، 48.
- 62- طہ، 131.
- 63- مؤ منون، 100.
- 64- انفال، 24.
- 65- بقرہ، 179.
- 66- نحل، 97.
- 67- یونس، 18.
- 68- تفسیر المیزان.
- 69- تفسیر اطيّب البيان.
- 70- تفسیر نورالتقلين.
- 71- مفردات راغب.
- 72- تفسیر عیاشی.
- 73- صافات، 171 173.
- 74- مجادلہ، 21.
- 75- روم، 47.
- 76- غافر، 51.
- 77- حج، 40.
- 78- اسراء، 90.
- 79- اسراء، 93.

- 80- تفسير مجمع البيان.
- 81- انعام، 111.
- 82- جائيه، 4.
- 83- تفسير مراعى.
- 84- نحل، 89.
- 85- هود، 6.
- 86- نساء، 114.
- 87- نساء، 5.
- 88- مائده، 101 ؛ تفسير نورالثقلين.
- 89- نمل، 18.
- 90- نمل، 22.
- 91- نمل، 26 22.
- 92- اسراً، 44.
- 93- نحل، 49.
- 94- نمل، 17.
- 95- نمل، 16.
- 96- تكوير، 5.
- 97- نور، 41.
- 98- تفسير قرطبي.
- 99- عنكبوت، 69.
- 100- ابراهيم، 27.
- 101- انعام، 23.
- 102- تفاسير صافى و نورالثقلين.
- 103- تفسير الميزان.
- 104- بقره، 216.
- 105- نهج البلاغه، حكمت 25.
- 106- تفسير مجمع البيان.
- 107- تفسير عياشى.

- 108- معانى الاخبار، ص 252.
- 109- حاقه، 8.
- 110- واقعه، 65.
- 111- واقعه، 70.
- 112- ملك، 30.
- 113- قصص، 71 72.
- 114- انعام، 46.
- 115- تفسير نورالثقلين.
- 116- يونس، 24 ؛ تفسير روح المعانى.
- 117- احقاف، 24 ؛ تفسير اطيبي البيان.
- 118- انفال، 25.
- 119- هود، 31.
- 120- يس، 11.
- 121- فاطر، 18.
- 122- تفسير الميزان.
- 123- قمر، 25.
- 124- زخرف، 31.
- 125- تفسير اطيبي البيان.
- 126- انفال، 32.
- 127- اعراف، 70 و 77 ؛ هود، 32.
- 128- تفسير الميزان.
- 129- يس، 12.
- 130- تفسير في ظلال القرآن.
- 131- تفسير الميزان.
- 132- رعد، 11.
- 133- زخرف، 80.
- 134- تحريم، 6.
- 135- تفاسير مجمع البيان و نورالثقلين.

- 136- نهج البلاغه، كلام 300.
- 137- تفسير اطيّب البيان.
- 138- تفسير نورالثقلين.
- 139- تفسير نورالثقلين.
- 140- انعام، 107.
- 141- غاشيه، 22.
- 142- ق، 45.
- 143- مائده، 99.
- 144- يونس، 99.
- 145- بقره، 256.
- 146- فاطر، 23.
- 147- تفسير مجمع البيان.
- 148- زمر، 65.
- 149- حاقّه، 44.
- 150- تفسير نورالثقلين.
- 151- وسائل، ج 16، ص 266.
- 152- وسائل، ج 16، ص 365.
- 153- شايد بتوان برای تحریم کتب و برنامه های ضالّه، به این آیه استناد کرد.
- 154- تفسير نورالثقلين.
- 155- سجده، 30.
- 156- حجر، 3.
- 157- نحل، 127.
- 158- يوسف، 39.
- 159- معانی الاخبار، ص 146.
- 160- ص، 27.
- 161- بقره، 133.
- 162- بحار، ج 16، ص 364.
- 163- ابراهيم، 41.

- 164- تفسير الميزان.
- 165- توبه، 114.
- 166- توبه، 114.
- 167- تفسير الميزان.
- 168- تفسير اطيّب البيان.
- 169- قاموس، معجم الوسيط.
- 170- تفسير روح المعاني.
- 171- تفسير نورالثقلين.
- 172- تفسير الميزان.
- 173- تفسير نمونه.
- 174- تفسير نورالثقلين.
- 175- تفسير الميزان.
- 176- تفسير اطيّب البيان.
- 177- تفسير نمونه.
- 178- تفسير نورالثقلين.
- 179- تفسير نورالثقلين ؛ كافي، ج 2، ص 399.
- 180- تفسير راهنما.
- 181- بحار، ج 23، ص 367.
- 182- تفسير الميزان.
- 183- تفسير نورالثقلين.
- 184- تفسير نمونه.
- 185- تفسير نمونه.
- 186- غيبت نعماني، ص 316.
- 187- تفسير مراغي.
- 188- تفسير نورالثقلين.
- 189- تفسير عياشي.
- 190- انفال، 31.
- 191- تفسير نورالثقلين ؛ كافي، ج 2، ص 5.

- 192- تفسیر نورالثقلین.
- 193- تفسیر نورالثقلین.
- 194- شاید از اینکه ماه و خورشید، وسیله ی حساب در این آیه شمرده شده، بتوان استفاده کرد که هم سال شمسی معتبر است، هم سال قمری. و شاید رمز حساب و نظم دقیق یک پارچه باشد، نظیر زید عدل که زید را به تمامه عادل می داند.
- 195- تفسیر کنزالدقائق.
- 196- تفسیر نورالثقلین.
- 197- تفسیر نمونه.
- 198- توبه، 30.
- 199- صافات، 158.
- 200- اعراف، 54.
- 201- مفردات راغب.
- 202- تفسیر برهان.
- 203- اعراف، 143.
- 204- قیامت، 23.
- 205- تفسیر المنار.
- 206- تفسیر صافی.
- 207- بقره، 286.
- 208- فصلت، 46.
- 209- اسراء، 7.
- 210- نحل، 103.
- 211- فرقان، 4.
- 212- فرقان، 63.
- 213- حجر، 3.
- 214- آل عمران، 173.
- 215- مائده، 42.
- 216- توبه، 73.
- 217- بقره، 194.

- 218- انعام، 43.
- 219- نهج البلاغه، كلام 206.
- 220- تفسير الميزان.
- 221- هود، 18.
- 222- توبه، 1.
- 223- تفسير مجمع البيان.
- 224- تفاسير مجمع البيان و نمونه.
- 225- ناس، 5.
- 226- اسراً، 27.
- 227- تفاسير نمونه و المنار.
- 228- بقره، 146 ؛ انعام، 20.
- 229- اعراف، 137.
- 230- نساء، 171.
- 231- بحار، ج 24، ص 174.
- 232- نساء، 87.
- 233- تفسير نمونه.
- 234- تفسير اطيب البيان.
- 235- اين بيان تفصيلی، اشاره به آيه 115 سوره ی نحل است. تفسير الميزان.
- 236- تفسير الميزان.
- 237- بقره، 28.
- 238- فاطر، 9.
- 239- بقره، 243.
- 240- زمر، 30.
- 241- تفسير الميزان.
- 242- تفسير الميزان.
- 243- مفاتيح الجنان.
- 244- تفسير كنز الدقائق.
- 245- طه، 25.

- 246- شراح، 1.
- 247- یس، 62.
- 248- تفسیر اطیب البیان.
- 249- تفسیر کشف الاسرار.
- 250- آیات اول سورہ ی جن و آیہ 28 سورہ ی احقاف.
- 251- حج، 75.
- 252- شعراً، 208.
- 253- اسراً، 15.
- 254- فاطر، 15.
- 255- نجم، 21.
- 256- واقعہ، 64.
- 257- نحل، 59.
- 258- اسراً، 31.
- 259- فجر، 5.
- 260- غافر، 79.
- 261- تفسیر نمونہ.
- 262- تفسیر نورالتقلین.
- 263- فرقان، 67.
- 264- بحار، ج 93، ص 96.
- 265- برهان، ج 1، ص 557.
- 266- کافی، ج 3، ص 565.
- 267- تفسیر برهان، ج 1، ص 558.
- 268- انعام، 145 ونحل، 115.
- 269- بقرہ، 173 و مائدہ، 3.
- 270- تفسیر نمونہ.
- 271- تورات، سفر لاویان، فصل 11.
- 272- تفسیر نمونہ.
- 273- آل عمران، 93.

- 274- آل عمران، 50.
- 275- نحل، 35.
- 276- حجر، 39.
- 277- تفسير نورالثقلين.
- 278- بقره، 83، نساء، 36، انعام، 151 و اسراء، 23.
- 279- كافي، ج 2، ص 157؛ بحار، ج 71، ص 39.
- 280- مؤمنون، 14.
- 281- تين، 4.
- 282- زمر، 23.
- 283- هود، 7.
- 284- انعام، 152.
- 285- نحل، 125.
- 286- زمر، 18.
- 287- مؤمنون، 96.
- 288- تفسير مراعى.
- 289- تفسير نورالثقلين.
- 290- هود، 17.
- 291- بقره، 79.
- 292- بحار، ج 2، ص 264.
- 293- الحياة، ج 2، ص 344.
- 294- بحار، ج 72، ص 216.
- 295- كنز العمال، حديث 1115.
- 296- بحار، ج 2، ص 262.
- 297- فرقان، 70.
- 298- مائده، 15.
- 299- نساء، 173.
- 300- تفسير نورالثقلين.
- 301- تفسير قرطبي.

- 302 - يونس، 72.
- 303 - بقره، 128.
- 304 - يوف، 101.
- 305 - نجم، 38 37.
- 306 - نحل، 25.
- 307 - بحار، ج 76، ص 49.

Contents

- 2 سیمای سوره ی انعام
- 1- أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ 3
- 3 نکته ها :
- 4 پیام ها :
- 2- هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ 4
- 4 نکته ها :
- 5 پیام ها :
- 3- وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ 5
- 5 نکته ها :
- 6 پیام ها :
- 4- وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ 6
- 5- فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ 6
- 6 نکته ها :
- 7 پیام ها :
- 6- لَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّهِمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ تُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ 7
- 7 نکته ها :
- 8 پیام ها :

- 7- وَ لَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ 9
 نكته ها : 9
 پیام ها : 10
- 8- وَقَالُوا لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكَ لَقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ 10
 نكته ها : 10
 پیام ها : 11
- 9- وَ لَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكَ لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَ لَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ 11
 نكته ها : 11
 پیام ها : 12
- 10- وَ لَقَدْ اسْتَهْزَى بِرَسُولٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ 12
 نكته ها : 12
 پیام ها : 13
- 11- قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ 13
 نكته ها : 13
 پیام ها : 14
- 12- قُلْ لَمَن مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ 14
 نكته ها : 14
 پیام ها : 16
- 13- وَ لَهُ مَا سَكَنَ فِي الْآبِلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ 16
 نكته ها : 16

- 17 : پیام ها :
- 14- قُلْ أَغَيَّرَ اللَّهُ اتَّخِذْ وَلِيًّا فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ
 17 : نکتہ ها :
- 17 : پیام ها :
- 15- قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
 18 : نکتہ ها :
- 18 : پیام ها :
- 16- مَنْ يُصْرَفْ عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ
 19 : نکتہ ها :
- 19 : پیام ها :
- 17- وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَى
 20 : نکتہ ها :
- 20 : پیام ها :
- 18- وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ
 21 : نکتہ ها :
- 21 : پیام ها :
- 19- يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ...يَمْسَسْكَ بِخَيْرٍ...وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَ
 أَوْحَى إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ أَتَيْنَكُمْ لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً
 أُخْرَى قُلْ لَا أَشْهَدُ قُلْ إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ
 22 : نکتہ ها :
- 23 : پیام ها :

- 20- الَّذِينَ ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَاهُمْ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ 24
- نکته ها : 24
- پیام ها : 25
- 21- وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ 25
- نکته ها : 25
- پیام ها : 26
- 22- وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ شُرَكَائُكُمُ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ 26
- نکته ها : 26
- پیام ها : 27
- 23- ثُمَّ لَمْ يَكُنْ فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبِّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ 27
- 24- أَنْظِرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ 27
- نکته ها : 27
- پیام ها : 28
- 25- يفترون نَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا ءَايَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَآؤَكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرٌ الْأَوَّلِينَ 28
- نکته ها : 29
- پیام ها : 29
- 26- وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْوَنَ عَنْهُ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ... 30
- نکته ها : 30

- 32..... : پیام ها :
- 27- وَكَلِمَاتٍ تَرَىٰ إِذِ وَقِفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَا لَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بآيَاتِ رَبِّنَا
32..... وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ
- 32..... نكته ها :
- 33..... : پیام ها :
- 28- بَلْ بَدَأَ لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَكَلِمَاتٍ لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ
33..... لَكَذِبُونَ
- 33..... نكته ها :
- 34..... : پیام ها :
- 29- وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ
34..... 30- وَكَلِمَاتٍ تَرَىٰ إِذِ وَقِفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبَّنَا قَالَ
34..... فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ
- 35..... نكته ها :
- 35..... : پیام ها :
- 31- قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا
36..... عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ
- 36..... نكته ها :
- 37..... : پیام ها :
- 32- وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَلَهُوَ وَلِلدَّارِ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ
38.....
- 38..... نكته ها :
- 39..... : پیام ها :

- 33- قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزَنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَكِنَّ الظَّالِمِينَ بَايَتِ
اللهِ يَجْحَدُونَ 39
نكته ها : 39
پیام ها : 40
- 34- وَ لَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ فَصَبْرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأَوْذُوا حَتَّى أَتَهُمُ
نَصْرُنَا وَلَا مَبْدَلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَ لَقَدْ جَاكَ مِنَ نَبَايِ الْمُرْسَلِينَ 41
نكته ها : 41
پیام ها : 42
- 35- وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ
سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَى فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
الْجَاهِلِينَ 43
نكته ها : 43
پیام ها : 43
- 36- إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ 44
نكته ها : 44
پیام ها : 44
- 37- وَقَالُوا لَوْلَا نَزَّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَ
كِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ 45
نكته ها : 45
پیام ها : 46
- 38- وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَطْنَا
فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ 46
نكته ها : 46

- 49..... : پیام ها :
- 39- وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُمُّ وَبُكْمٌ فِي الظُّلُمَاتِ مَن يَشَاءِ اللَّهُ يَضِلُّهُ وَمَن يَشَاءُ
يَجْعَلْهُ عَلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ.....
- 49.....
- 50..... : نكته ها :
- 50..... : پیام ها :
- 40- قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنِ اتَّكُمُ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ اتَّكُمُ السَّاعَةُ أُغَيِّرَ اللَّهُ تَدْعُونَ إِن
كُنْتُمْ صَادِقِينَ.....
- 50.....
- 51..... : نكته ها :
- 51..... : پیام ها :
- 41- بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِن شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ.....
- 51.....
- 52..... : نكته ها :
- 52..... : پیام ها :
- 42- وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ
.....
- 52.....
- 52..... : نكته ها :
- 53..... : پیام ها :
- 43- فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِن قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا
كَانُوا يَعْمَلُونَ.....
- 53.....
- 54..... : پیام ها :
- 44- فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا
أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَعْتَةً فِإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ.....
- 54.....
- 54..... : نكته ها :
- 55..... : پیام ها :

- 45- فَتَقَطَعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ..... 56
- 56..... نكته ها :
- 56..... پیام ها :
- 46- قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَرَكُمْ وَ خَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ..... 57
- 57..... نكته ها :
- 58..... پیام ها :
- 47- قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ..... 59
- 59..... نكته ها :
- 59..... پیام ها :
- 48- وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ..... 60
- 49- وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ..... 61
- 61..... نكته ها :
- 61..... پیام ها :
- 50- قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعْ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ..... 62
- 63..... نكته ها :
- 63..... پیام ها :
- 51- وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ..... 65
- 65..... نكته ها :

- 65..... : پیام ها :
- 52- وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ
- 65.....
- 66..... : نکته ها :
- 66..... : پیام ها :
- 53- وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ.....
- 67..... : نکته ها :
- 67..... : پیام ها :
- 54- وَإِذَا جَاءَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَمٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ
- 68.....
- 55- وَكَذَلِكَ نَفَصَّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَتِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ.....
- 69..... : نکته ها :
- 69..... : پیام ها :
- 56- قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ.....
- 71..... : پیام ها :
- 57- قُلْ إِنِّي عَلَى بَيِّنَةٍ مِّنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُصُّ الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَصْلِينَ.....
- 71..... : نکته ها :
- 72..... : پیام ها :

- 58- قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ
بِالظَّالِمِينَ 73
- 73..... : پیام ها :
- 59- وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ
مِنَ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي
كِتَابٍ مُبِينٍ 74
- 74..... : نكته ها :
- 75..... : پیام ها :
- 60- وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ
مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ 75
- 76..... : نكته ها :
- 76..... : پیام ها :
- 61- وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ
تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ 76
- 77..... : نكته ها :
- 77..... : پیام ها :
- 62- ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَسِيبِينَ 78
- 78..... : نكته ها :
- 79..... : پیام ها :
- 63- قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنَ ظُلْمَتِ الْبُرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لِّئِنْ أَنْجَانَا مِنْ
هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ 80
- 80..... : پیام ها :
- 64- قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ 80
- 80..... : نكته ها :

- 81 : پیام ها :
- 65- قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ
أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ
يَفْقَهُونَ 82
- 82 : نکته ها :
- 66- وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ 82
- 82 : نکته ها :
- 83 : پیام ها :
- 67- لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ 84
- 84 : نکته ها :
- 84 : پیام ها :
- 68- وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي
حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَعُدَّ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ 84
- 85 : نکته ها :
- 86 : پیام ها :
- 69- وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَكِنْ ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ... 87
- 87 : نکته ها :
- 88 : پیام ها :
- 70- و ذر الذين اتخذوا دينهم لعبا ولهوا و غرتهم الخيوة الدنيا و ذكر به ان تُبْسَلَ
نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِنْ تَعَدَلَ كُلُّ قَدْلٍ لَّا
يُؤْخَذُ مِنْهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا
كَانُوا يَكْفُرُونَ 88
- 89 : نکته ها :
- 89 : پیام ها :

- 71- قل اندرعو من دون الله ما لا ينفعنا ولا يضرنا وترد على أعقابنا بعد إذ هدينا الله كالذي استهوته الشيطان في الأرض حيران له أصحاب يدعونه إلى الهدى ائتنا قل إن هدى الله هو الهدى وأمرنا لنسلم لرب العلمين 90
- 72- وأن أقيموا الصلوة واتقوه وهو الذي إليه تحشرون 90
- نكته ها : 90
- پیام ها : 91
- 73- وهو الذي خلق السموات والأرض بالحق ويوم يقول كن فيكون قوله الحق وله الملك يوم ينفخ في الصور علم الغيب والشهادة وهو الحكيم الخبير 91
- نكته ها : 92
- پیام ها : 92
- 74- وإذ قال إبراهيم لأبيه أزرأت اتخذ أصناماً إلهة إنى أرى ك و قومك فى ضل ل مبین 93
- نكته ها : 93
- پیام ها : 94
- 75- وكذلك نرى إبراهيم ملكوت السموات والأرض وليكون من الموقنين .. 94
- نكته ها : 95
- پیام ها : 96
- 76- فلما جن عليه الليل رءا كوكباً قال هذا ربى فلما أفل قال لا أحب الأفلين 96
- نكته ها : 96
- پیام ها : 97
- 77- فلما رء القمر بازغاً قال هذا ربى فلما أفل قال لئن لم يهدنى ربى لا كوتن من القوم الضالين 98
- نكته ها : 98

- 98..... : پیام ها :
- 78- فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَارِغَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَتْ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ.....
- 99..... : نکته ها :
- 99..... : پیام ها :
- 79- إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ.....
- 100..... : نکته ها :
- 100..... : پیام ها :
- 80- وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحِبُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَيْنَا وَلَا أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا لَا أَن يَشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ.....
- 102..... : پیام ها :
- 81- وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ.....
- 103..... : نکته ها :
- 103..... : پیام ها :
- 82- الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ..
- 83- وَتِلْكَ حُجَّتُنَا ءَاتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ.....
- 104..... : نکته ها :
- 104..... : پیام ها :
- 84- وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِن قَبْلُ وَمِن ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ.....
- 106.....

- 106..... : نكته ها :
- 106..... : پیام ها :
- 107..... 85- وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ.....
- 107..... 86- وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيُونُسَ وَكُلُوطًا وَكُلًّا فَضَلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ.....
- 87- وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.....
- 107.....
- 107..... : نكته ها :
- 88- ذَلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ أَشْرَكُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.....
- 108..... : پیام ها :
- 89- أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هُولَاءَ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ.....
- 109..... : نكته ها :
- 110..... : پیام ها :
- 90- أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدْيِهِمْ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْعَالَمِينَ.....
- 110..... : نكته ها :
- 111..... : پیام ها :
- 91- وَأَمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ مِنْ شَيْءٍ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قَرَأْتِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا وَعُلِّمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ.....
- 111.....
- 112..... : نكته ها :
- 112..... : پیام ها :

- 92- وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ.....113
- 113..... نكته ها :
- 114..... پیام ها :
- 93- مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ.....114
- 114..... نكته ها :
- 115..... پیام ها :
- 94- مُونَا فُرَدَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَأَى ظُهُورَكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءَ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنتُمْ تَزْعُمُونَ.....116
- 116..... نكته ها :
- 117..... پیام ها :
- 95- إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمْ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ.....117
- 117..... نكته ها :
- 118..... پیام ها :
- 96- فَالِقُ الْأَصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ.....118
- 118..... نكته ها :
- 119..... پیام ها :

- 97- وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا
 120.....الآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ
 120..... نكته ها :
 121..... پیام ها :
 98- وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ
 121.....يَفْقَهُونَ
 121..... نكته ها :
 122..... پیام ها :
 99- وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَخَرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا
 نَخْرُجُ مِنْهُ حَبًّا مَتْرًا رَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ النَّخْلِ قِنَوانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ
 وَالزَّيْتُونِ وَالرَّمَّانِ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ
 122.....لَكُمْ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
 123..... نكته ها :
 123..... پیام ها :
 100- وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ
 124.....وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ
 124..... نكته ها :
 125..... پیام ها :
 101- بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنَّى يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ صَحِيبَةٌ وَخَلَقَ كُلَّ
 125.....شَيْءٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ
 102- ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ
 125.....وَكَيلٌ
 125..... نكته ها :

- 126..... : پیام ها :
- 126..... 103- لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَرَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ.....
- 127..... : نکته ها :
- 128..... : پیام ها :
- 104- قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ.....
- 128..... : نکته ها :
- 129..... : پیام ها :
- 129..... 105- وَكَذَلِكَ نُنْزِلُ الْآيَاتِ وَلِيَقُولُوا دَرَسْتَ وَلِنُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ.....
- 129..... : نکته ها :
- 130..... : پیام ها :
- 106- إِتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ.....
- 130..... : نکته ها :
- 131..... : پیام ها :
- 107- وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ.....
- 131..... : نکته ها :
- 131..... : پیام ها :
- 108- وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيْنًا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.....
- 132..... : نکته ها :
- 133..... : پیام ها :

109- وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِّيُؤْمِنُوا بِهَا قُلْ إِنَّمَا الْآيَةُ عِنْدَ

اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ..... 134

134..... نكته ها :

135..... پیام ها :

110- وَتَقَلَّبُ أَعْقِدَتَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوْلَ مَرَّةٍ وَنَذَرَهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ

يَعْمَهُونَ..... 135

135..... پیام ها :

111- وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا

مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ..... 136

136..... نكته ها :

137..... پیام ها :

112- وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينِ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى

بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرَّهُمْ وَمَا يُفْتَرُونَ..... 137

138..... نكته ها :

138..... پیام ها :

113- وَلِتَصْغَى إِلَيْهِ أَفئِدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ

مُقْتَرِفُونَ..... 140

140..... نكته ها :

140..... پیام ها :

114- أَفَغَيْرَ اللَّهِ أَبْتَغِي حَكْمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ

ءَاتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ..... 140

141..... نكته ها :

141..... پیام ها :

- 115- وَ تَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ
142.....
142..... نكته ها :
143..... پیام ها :
116- وَإِنْ تَطِعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ
وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ
143.....
144..... نكته ها :
144..... پیام ها :
117- إِنْ رَبِّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
145.....
145..... نكته ها :
145..... پیام ها :
118- فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ
145.....
146..... نكته ها :
146..... پیام ها :
119- وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ
إِلَّا مَا اضْطُرَرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنْ رَبِّكَ هُوَ أَعْلَمُ
بِالْمُعْتَدِينَ
146.....
147..... نكته ها :
147..... پیام ها :
120- وَذَرُوا ظَهْرَ الْأَثَمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأَثَمَ سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا
يَقْتَرِفُونَ
148.....
148..... نكته ها :
148..... پیام ها :

- 121- وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ
إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَدِّلُوكُمْ وَإِنْ أُطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ.....149
- 149..... نكته ها :
- 150..... پیام ها :
- 122- أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي
الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.....151
- 151..... نكته ها :
- 152..... پیام ها :
- 123- وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا
بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ.....153
- 153..... نكته ها :
- 153..... پیام ها :
- 124- وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ رُسُلَ اللَّهِ اللَّهُ
أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا
كَانُوا يَمْكُرُونَ.....154
- 154..... نكته ها :
- 155..... پیام ها :
- 125- فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ
صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرُّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا
يُؤْمِنُونَ.....155
- 155..... نكته ها :
- 156..... پیام ها :
- 126- وَهَذَا صِرَاطٌ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ.....157

- 157..... : نکته ها
- 157..... : پیام ها
- 158..... 127- لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.....
- 158..... : پیام ها
- 128- سَتَكْفُرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَلِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ.....
- 158.....
- 159..... : نکته ها
- 159..... : پیام ها
- 161..... 129- وَكَذَلِكَ نُوَلِّيُ بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ.....
- 161..... : نکته ها
- 161..... : پیام ها
- 130- لَأَنسِ أَلَمَ يَأْتِكُمْ رَسُولٌ مِنْكُمْ يَتَّبِعُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ.....
- 162.....
- 162..... : نکته ها
- 163..... : پیام ها
- 163..... 131- ذَلِكَ أَنْ لَمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَفُلُونَ.....
- 163..... : نکته ها
- 164..... : پیام ها
- 164..... 132- وَلِكُلِّ دَرَجَةٍ مِمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ.....
- 164..... : نکته ها
- 164..... : پیام ها

- 133- وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَأْ
 165..... كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ ءآخِرِينَ
- 134- إِنْ مَا تُوْعَدُونَ لَأَتَّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ
 165.....
 165..... : پیام ها :
- 135- قُلْ يَوْمَ اءْغْمَلُوا عَلَى مَكَاتِكُمْ إِنِّي ءَامِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ
 166..... عَقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ
- 166..... : پیام ها :
- 136- لِلّٰهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَذَا لِلّٰهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا
 لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللّٰهِ وَمَا كَانَ لِلّٰهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَى
 167..... شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ
- 167..... : نکته ها :
- 168..... : پیام ها :
- 137- وَكَذٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيْرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِيْنَ قَتْلَ اَوْلٰدِهِمْ شُرَكَآءُهُمْ لِيُرْدُوْهُمْ
 168..... وَلِيَلْبِسُوْا عَلَيْهِمْ دِيْنََهُمْ وَاَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا فَعَلُوْهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُوْنَ
- 168..... : نکته ها :
- 169..... : پیام ها :
- 138- وَقَالُوا هٰذِهِ اَنْعَامٌ وَّحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَآ اِلَّا مَن نَّشَأَ بِزَعْمِهِمْ وَاَنْعَامٌ حُرِّمَتْ
 ظُهُورُهَآ وَاَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُوْنَ اِسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهَا افْتِرَآ عَلَيْهِ سَيَجْزِيْهِمْ بِمَا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ
 170.....
- 170..... : نکته ها :
- 171..... : پیام ها :
- 139- وَقَالُوا مَا فِي بُطُوْنِ هٰذِهِ اِلَّا اَنْعَامٌ خَالِصَةٌ لِّذِكُوْرِنَا وَمَحْرَمٌ عَلَى اَرْوَاجِنَا وَاِنْ
 171..... يَكُنْ مَّيْتَةً فَهُمْ فِيْهِ شُرَكَآءٌ سَيَجْزِيْهِمْ وَصَفَّهُمْ اِنَّهُ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ

- 172..... : نكته ها :
- 172..... : پیام ها :
- 140- قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ
- 172..... : نكته ها :
- 173..... : پیام ها :
- 141- و هو الذى انشا جنت معروشت و غير معروشت والنخل والزرع مختلفاً اكله والزيتون والرمان متشبهاً وغير متشبهه كلوا من ثمره اذا اثمر وءاتوا حقه يوم حصاده ولا تسرفوا انه لا يحب المُسرفين
- 173..... : نكته ها :
- 174..... : پیام ها :
- 142- وَمِنَ الْاَنْعَمِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ
- 175..... : نكته ها :
- 176..... : پیام ها :
- 143- ثَمَنِيَّةَ اَزْوَاجٍ مِنَ الضَّانِّ اِثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اِثْنَيْنِ قُلْ اَلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ اَمِ الْاُنثَيَيْنِ اَمَّا اِشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاُنثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ
- 144- نَثِيْنٍ اَمَّا اِشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ اَرْحَامُ الْاُنثَيَيْنِ اَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ اِذْ وَصَّكُمْ اللّٰهُ بِهٰذَا فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ
- 177..... : نكته ها :
- 178..... : پیام ها :

- 145- قل لا اجد فى ما اوحى اِلىَّ مُحَرَّمًا عَلٰى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ اِلاَّ اَنْ يَكُوْنَ مَيْتَةً
 اَوْ دَمًا مَسْفُوحًا اَوْ لَحْمَ خِنزِيرٍ فَاِنَّهٗ رِجْسٌ اَوْ فِسْقًا اَهْلًا لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ
 غَيْرَ بَاغٍ وَّ لَا عَادٍ فَاِنَّ رَبَّكَ فَوْرٌ رَّحِيْمٌ.....179
- نکته ها :179
- پیام ها :180
- 146 رحيم وَعَلَى الَّذِيْنَ هَادُوا حَرَمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَمْنَا عَلَيْهِمْ
 شُحُوْمَهُمَا اِلاَّ مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا اَوْ الْحَوَايَا اَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذٰلِكَ جَزَايُهُمْ
 بِبَغْيِهِمْ وَاِنَّا لَصٰدِقُوْنَ182
- نکته ها :182
- پیام ها :183
- 147- فَاِنَّ كَذٰبُوْكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَّ سِعَةٍ وَّ لَا يَرُدُّ بِاَسْءِهٖ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِيْنَ
183
- پیام ها :183
- 148 سيقول الذين اشركوا لو شا الله ما اشركنا ولا اباؤنا ولا حرمنا من شىء
 كذالك كذب الذين من قبلهم حتى ذاقوا باسنا قل هل عندكم من علم فتخرجوه
 لنا ان تتبعون الا الظن وان انتم الا تخرسون184
- نکته ها :184
- پیام ها :185
- 149- قُلْ فَلِلّٰهِ الْحُجَّةُ الْبَلِيْغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدِيْكُمْ اَجْمَعِيْنَ186
- نکته ها :187
- پیام ها :187

- 150- قُلْ هَلْ مَشَّهَدَاكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدُوا مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعِ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ.....188
- 188..... نكته ها :
- 188..... پیام ها :
- 151- قُلْ تَعَالَوْا اتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ لِئَلَّا تَكْفُرُوا بِاللَّهِ حَتَّى تَكُونَ لِلدِّينِ احْسَنًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ.....189
- 190..... نكته ها :
- 190..... پیام ها :
- 152- وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانِ بِالْقِسْطِ لَّا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكُمْ وَصَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ.....191
- 192..... نكته ها :
- 192..... پیام ها :
- 153- وَأَنَّ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ.....194
- 194..... نكته ها :
- 195..... پیام ها :
- 154- ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بَلِقَاءَ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ.....195
- 195..... نكته ها :

- پیام ها : 196
- 155- وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ 196
- 156- أَنْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابُ عَلَيَّ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِنَا وَإِنْ كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَعَفَلِينَ 196
- نکته ها : 197
- پیام ها : 197
- 157- أَنْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْنَا الْكِتَابَ لَكُنَّا أَهْدَى مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ 197
- نکته ها : 198
- پیام ها : 198
- 158- هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامِنْتَ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلَانْتظِرُوا إِنَّا مُنْتظِرُونَ 199
- نکته ها : 199
- پیام ها : 199
- 159- إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ 200
- نکته ها : 200
- پیام ها : 201
- 160- مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ 202
- نکته ها : 202

- پیام ها : 203
- 161- قُلْ إِنِّي هَدَيْتَنِي رَبِّيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِثْلَ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ 204
- نکته ها : 204
- پیام ها : 204
- 162- قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ 205
- 163- لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ 205
- نکته ها : 205
- پیام ها : 206
- 164- قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ أَبْعَى رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ 207
- نکته ها : 207
- پیام ها : 208
- 165- وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلِغَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ 208
- نکته ها : 209
- پیام ها : 209
- بی نوشت ها : 210
- فهرست مطالب 222